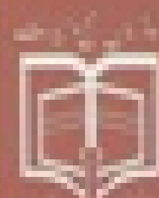


شیعه شناسی، آشنایی با مذاهب اسلامی، وحدت اسلامی و پاسخ به شبهات



گردآورنده: بشیر سلیمی

بسم الله الرحمن الرحیم

شیعه شناسی

نویسنده:

بشیر سلیمی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شیعه‌شناسی

مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمی، بشیر، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور : شیعه‌شناسی ، آشنایی با مذاهب اسلامی ، وحدت اسلامی و پاسخ به شبهات: (سلسله جلسات حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر بی‌آزارشیرازی)/ گردآوری و تنظیم بشیر سلیمی؛ [برای اداره آموزش کارگزاران سازمان حج و زیارت].

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر،۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۹۶ص.

شابک : ۱۵۰۰۰ریال:۸-۲۰۲-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص۱۹۱-۱۹۶ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : شیعه‌شناسی

موضوع : امامت -- جنبه‌های قرآنی

موضوع : شیعه -- اصول دین

شناسه افزوده : بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۲۳ -

شناسه افزوده : سازمان حج و زیارت. اداره آموزش کارگزاران

رده بندی کنگره : BP۲۳۹/س۸۴ ش۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۶۴۴۱۲

ص:۱

اشاره



تقدیم به:

کوشندگان راه وحدت امت اسلامی

ص:۲



شیعه‌شناسی،

آشنایی با مذاهب اسلامی،

وحدت اسلامی و پاسخ به شبهات

(سلسله جلسات حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر بی‌آزار شیرازی)

گردآوری و تنظیم:

بشیر سلیمی

ص:۳



ص:۴



ص:۵



ص:۶



ص:۷



ص:۸



هدف از تألیف این کتاب

بسمه تعالی

یقینا کمیت و کیفیت برگزاری سفرهای زیارتی در جوامع اسلامی بعنوان یکی از شاخص‌ها و محورهای توسعه اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و . . . بشمار می‌آید که پیامدها و دستاوردهای آن چنانچه بدرستی صیانت و ترویج شود، تأثیر ویژه‌ای در بخش‌های اجرایی کشور بجا خواهد گذاشت.

رشد فزاینده زائران و متقاضیان سفرهای زیارتی، سازمان حج و زیارت را بر آن داشت تا نسبت به ارتقای سطح ارشاد و آموزش دست‌اندرکاران خدمت به زائران گام‌های مؤثر و مناسب بردارد تا از این رهگذر جمع کارآمد و کادر ورزیده و آگاه در کسوت خدمتگزاری به زائران گرامی وارد این عرصه مقدس شود. بنابراین ضرورت تأمین و پرورش نیروی انسانی کارآمد و ماهر بعنوان خادمان امور زیارتی، تهیه و تدوین و تألیف متون آموزشی علمی و کاربردی متناسب با نیازهای فراگیران در سطوح مختلف را کاملاً ضروری می‌نماید. لذا تنظیم و ارائه سلسله انتشارات توسط اداره آموزش کارگزاران معطوف به همین مهم می‌باشد که امیدواریم مورد توجه خوانندگان قرار گیرد.

از اینکه دست‌اندرکاران تنظیم و تدوین این گونه مباحث را در جریان نقطه نظرات ارزشمند و انتقادی خود قرار خواهید داد، سپاسگزاری می‌گردد.

اداره آموزش کارگزاران

سازمان حج و زیارت

ص:۹

↨

ص:۱۰

↨

مقدمه

از مـدتها پیش ضـرورت تـدریس مبـاحثی که از رهگـذر آن بتوان کارگزار زیارتی را با محیط و عرصه فعالیت، بیشتر آشـنا و سازگار کرد، احساس می‌شد.

از سویی دیگر مقام معظم رهبری پیوسـته در جمع دست‌اندرکاران حج تمتع هر سال به مسأله وحدت، تقریب و دوری از تفرقه و تنش تأکید می‌کردند.

این مسأله باعث شد تا اداره آموزش کارگزاران سازمان حج و زیارت به فکر تدوین دروسـی در زمینه شـیعه‌شناسی، آشنایی با مذاهب اسـلامی و وحدت اسـلامی افتاده و در این راسـتا با متولیان اصلی و رسمی این عرصه که همان مجمع جهانی تقریب و دانشـگاه مـذاهب اسـلامی باشد وارد مذاکره و تعامل شود. در این ارتباط ضـبط ۹ درس برنامه آموزشـی توسط حجت‌الاسلام والمسـلمین دکتر بی‌آزار شـیرازی و نیز تـدریس همزمـان همین درس در مرکز آموزش کـارگزاران تهران توسط جناب اسـتاد بی‌آزار شیرازی در دستور قرار گرفت.

آنچه در این کتاب ملاحظه می‌فرمایید سـخنان جناب استاد است که بر روی کاغذ پیاده شده و پس از مستندسازی، فصل‌بندی و یا به حسب ضرورت افزودن برخی از نکات از سوی گردآورنده جهت استفاده تقدیم می‌گردد.

بـدیهی است جلسات هشـتم و نهم برگرفته از مقالات قبلی جناب اسـتاد می‌باشـد و گردآورنده در آن دخل و تصـرفی نداشـته است. از دیگر سوی هـدف و نگاه این نیست که مـدیران و معاونان مباحث را همچون مبلغین و زبانـدانان بسـیار جزء به جزء و تخصصی فراگیرند، لذا سعی بر این بوده تا مباحث با زبانی ساده و عامیانه مطرح شوند.

ص:۱۱

↨

در عین حـال مزیت این اثر به روز بودن آن و طرح برخی از آخرین شـبهات می‌باشـد که انتقـادات و پیشـنهادهای اسـتادان فن مزید امتنان است.

در پایان از زحمات مدیریت محترم آموزش سازمان جناب حجت‌الاسـلام والمسـلمین مهدی شـهسواری کمال تشکر را دارم و امیدوارم این اثر گامی باشد در جهت نزدیکی قلوب مسلمین و کاهش تنش‌ها و افزایش بازدهی عملکرد کارگزاران و ارتقای سطح بینش و دانش آنان در عرصه عملیات حج و زیارت.

والسلام

العبد

بشیر سلیمی

۱۱/۵/۸۸

ص:۱۲

↨

درس نخست شیعه از منظر قرآن و حدیث

اشاره

ص:۱۳



هدف از این درس:

شناخت شیعه در لغت و اصطلاح و از منظر قرآن و کلام شریف نبوی.

پاسخ به اشکالات وارده در سوره مبارکه «مائده» که مورد استناد شیعیان می‌باشد:

۱) آیه اکمال دین / سوره مائده آیه ۳ /

۲) آیه ولایت / سوره مائده آیه ۵۵ /

۳) آیه بلاغ / سوره مائده آیه ۶۷ /

ص:۱۴



درس نخست

شیعه از منظر قرآن و حدیث

شیعه در لغت به معنای پیرو است. در قرآن کریم آمده که: «و انّ مِنْ شیعَتِهِ لَابراهیم». §سوره صافات، آیه ۸۳.§ یعنی یکی از پیروان حضرت نوح، ابراهیم است.

شیعه در اصطلاح به جماعتی از مسلمین گفته می‌شود که معتقدند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیش از درگذشت خود، جانشین خویش و خلیفه مسلمین را در مناسبتهای متعددی از جمله در روز هجدهم ذی‌الحجهٔ، سال دهم هجری که به روز «غدیر خم» معروف است در یک اجتماع بزرگ معین فرمودند و او را به عنوان مرجع سیاسی، علمی و دینی پس از خود تعیین نمودند.

اینان که از همان ابتدا به مرجعیت علی علیه‌السلام اعتقاد داشتند به شیعه علی علیه‌السلام نیز نام گرفتند که عبارتند از جمعی از بزرگان صحابه همچون: سلمان، ابوذر، مقداد، جناب بن ارت و . . .

البته طبق برخی روایات نبوی که حتی در منابع برادران اهل سنّت نیز موجود است این لقب را پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حال حیات خود به پیروان امیر مؤمنان عطا نمودند:

«والذی نفسی بیده، انَّ هذا و شیعته لهم الفائزون یوم القیامهٔ». §سیوطی جلال‌الدین، در المنثور، ج ۶، در تفسیر آیه هفتم از سوره بینه به نقل از کتاب شیعه پاسخ می‌دهد، سید رضا حسینی‌نسب، صص ۲-۲۱.§

ص:۱۵



سوگند به آن که جان من در دست اوست او (علی علیه‌السلام) و پیروان وی در روز رستاخیز رستگارانند.

ابان ابن تغلب شاگرد برجسته امام صادق علیه‌السلام که امام امر می‌کردند شیعیان دینشان را از وی بگیرند در تعریف شیعه

آورده که شیعیان کسانی هستند که اگر مردم در روایت از پیغمبر صلی‌اللهعلیه‌وآله‌وسلم اختلاف کردند روایت علی علیه‌السلام از پیامبر صلی‌اللهعلیه‌وآله‌وسلم را می گیرند و هرگاه مردم در قول علی علیه‌السلام اختلاف کنند شیعیان قول جعفر صادق از علی علیه‌السلام را می گیرند. §التفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه، ج ۴، ص ۴۱۲.§

از جمله گامهای نخستین در زمینه شناخت مذاهب و بویژه شیعه آشنایی با مبانی نظری این مذهب از دیدگاه آیات شریف قرآن می‌باشد. یکی از مهمترین سوره‌های قرآن که در آن آیات مربوط به مسایل بنیادین شیعه آمده سوره مبارکه مائده می‌باشد.

ما در اینجا قصد داریم تا سه آیه از این سوره را بررسی کنیم و پس از طرح اشکالاتی که از سوی علمای عامه بر آنها وارد شده به آنها پاسخ دهیم.

آیات مورد نظر به قرار زیر می‌باشند:

۱ـ «الیوم اَکْمَلْتُ لکم دینکم و اتممتُ علیکم نعمتی و رَضیت لکم الاسلامَ دینا». §مائده / ۳.§

از نظر شیعه این آیه در روز غدیر خم و پس از اعلام جانشینی علی علیه‌السلام نازل شده و این اعلان خود به معنی اکمال دین اسلام است و علی علیه‌السلام جانشین بلامنازع پیامبر می‌باشد و لذا خلافت امری انتصابی و از جانب خدا بوده و کاری نبوده که به انتخاب و شورا و اهل حل و عقد گذارده شود.

۲ـ «انما ولیکم اللّه و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاهٔ و یوتون الزکاهٔ و هم راکعون». §مائده / ۵۵.§

این آیه به هنگامی نازل شده که حضرت مشغول نماز بوده‌اند و در این حین سائلی به

ص:۱۶



طلب حاجت مادی برآمده و حضرت در حین نماز و در حال رکوع انگشتری خویش را به سائل بخشیده‌اند که خداوند از ایشان به عنوان ولی مردم و مؤمنین بعد از خدا و رسول یاد کرده‌اند.

۳ـ «یا اَیُّها الرسول بَلِّغْ ما اُنْزِلَ الیک مِنْ ربک و اِنْ لم تَفْعَلْ فما بَلَّغْتَ رِسالته واللّهُ یَعْصِمُکَ مِن النّاس اِنَّ اللّهَ لا یهدی القومَ الکافرین». (۱)

این آیه شریفه که قبل از حادثه غدیر نازل شده مؤکدا پیامبر را به تعیین جانشین بعد از خود و اجرای حادثه عظیم غدیر خم وا می‌دارد.

و اما اشکالات وارده بر این آیات:

۱ـ آیه سوم از سوره مائده در وسط آیه آمده و قبل و بعد آن در خصوص مواد غذایی صحبت کرده حال چگونه می‌تواند راجع به جانشینی علی علیه‌السلام باشد.

۲ـ آیه ۵۵ از سوره مائده بصورت جمع آمده است و لذا نمی‌تواند در خصوص یک نفر باشد. (الذین ـ یوتون ـ راکعون)

۳ـ آیه ۶۷ از سوره مائده نیز، اگر قبل و بعدش را توجه کنیم راجع به یهودیت است و لذا ارتباطی با مسأله جانشینی در روز غدیر خم ندارد.

پاسخ به این اشکالات:

در پاسخ به این اشکالات باید گفت: که اگر قبل و بعد آیات با وسط آیه نمی‌خواند آیا این به منزله تحریف نیست یعنی بر فرض صحت ادعای کسی که بر آیه اشکال وارد می‌کند آیا عدم هماهنگی تمامی اجزای یک آیه به معنی تحریف آن آیه نیست؟ یعنی باید نهایتا قائل شویم که آیات جابجا شده‌اند که این همان حرف مستشرقین است که قایل به تحریف قرآن هستند.

۱- مائده / ۶۷.

ص:۱۷



ولی ما در تفسیر کاشف با توجه به تناسب و ترادف آیات اثبات کرده‌ایم که اینطور نیست. یعنی آنجا این آیه را با توجه به فضای کل سوره دیده‌ایم که نهایتا اثبات کرده‌ایم که به طور مثال در عین ارتباط با مواد غذایی با ولایت علی علیه‌السلام هم در ارتباط است. §جهت اطلاعات بیشتر رجوع کنید به تفسیر کاشف / دکتر بی‌آزار شیرازی و دکتر سید محمدباقر حجّتی.§

جالب است مفسر بزرگی چون فخر رازی تحت تأثیر قبل و بعد آیه ۶۷ می گوید: چون قبل و بعد آیه راجع به یهودیان است لذا ما از روایات ثبوتیه ولایت دست برمی‌داریم. توضیح اینکه برخلاف نظر فخر رازی باید خاطرنشان کنیم که اتفاقا با توجه به فضای کل آیات آیه‌های ماقبل این آیات کاملًا در مورد ولایت علی علیه‌السلام صدق می کنند.

یعنی با توجه به فضای تاریخی سوره و اینکه سوره مائده جزو آخرین سوره‌های نازله بر پیامبرست، عقلاً ـ و نقلًا ضرورت جانشینی در این برهه امری بایسته می‌باشد. از طرفی دیگر ما با پدیده مهاجرت یهودیان به مدینه روبرو هستیم که به خاطر نشانه‌هایی که از پیامبر آخرالزمان در تورات داشتند به رسول‌اللّه روی آوردند و حضرت هم استقبال کردند و در پی آن قانون (اُمۀ واحدۀ) را نوشتند و به سوی مسجدالاقصی نماز خواندند.

اما شرایط در طول زمان مطابق با روح استکباری یهودیان که می‌خواستند پیامبر از نسل بنی‌اسرائیل باشد نه بنی‌اسماعیل پیش نرفت. از طرفی پیامبر زمینه‌های این سلطه استکباری را از بین بردند و یهودیان را که از افتراق اوس و خزرج به نفع خود سود برده بودند آشتی داده و این دو طایفه را به صلح دعوت کردند.

از دیگر اقدامات پیامبر اکرم صلی‌اللهعلیه‌وآله‌وسلم و اصولاً پروسه اسلام، دادن کتاب و علم به اعراب بود که در پی آن نظر یهودیان را که فقط خود را اهل کتاب و علم می‌دانستند و از این موقعیت برای برتری‌جویی علمی و قصه‌سرایی و نقل اسرائیلیات سود می‌بردند، خنثی نمود.

«قل یا اهل الکتاب لَسْتُمْ علی شیء حتّی تُقیموا التوراهَ و الانجیلَ و ما اُنْزِلَ الیکم

ص:۱۸



مِنْ رَّبکم و لیزیدنَّ کثیرا منهم ما انزل الیک مِنْ رَبّک طُغیانا و کفرا فلا تأسَ علی القومِ الکافرین». §مائده / ۶۸.§

یعنی صرف عمل کردن به تورات کافی نیست بلکه باید به قرآن هم به عنوان یک کتاب آسمانی و تکمیل‌کننده تورات و انجیل عمل کنید و عدم عمل به قرآن به معنی عمل نکردن به قسمتی از خود تورات است.

جالب است بدانیم آیه فوق زمانی نازل شد که یهودیان از این موضوع یعنی از دست دادن وجه علمی خود احساس خطر کرده، لذا به نزد پیامبر آمدند و گفتند: قرآن مورد اختلاف است و تورات مورد اتفاق. §مجمع‌البیان لعلوم القرآن، ج ۳، ص ۴۴۶.§

خوب ببینید پس اینجا یک روزنه امید بیشتر برای یهودیان باقی نماند و آن مسأله جانشینی بود، بدین معنی که چون پیامبر پسر و جانشین ندارد پس از فوت ایشان همه چیز تمام می‌شود و یهود به ولایت خویش بازمی‌گردد. (مهم)

اما درست همین‌جا بود که این آخرین دریچه امید کفار و منافقان با نزول آیه (اکمال) (الیوم اکملت لکم دینکم) از بین رفت و آیه انتهایی این فراز هم ناظر به همین موضوع است (فلا تخشوهم فخشونی)

یعنی از توطئه یهود و منافقین نترسید که با این کار اسلام استمرار می‌یابد.

بنابراین اگر تمام مسایل اسلامی اعم از اصول و فروع دین را استقصاء کنیم می‌بینیم آنچه در این‌جا تازه است و بحثی در مورد آن نشده همین مسأله (ولایت اسلامی) است و افزون بر این در آنچه گذشت نشان دادیم که فضای سوره و زمان هم دال بر این مدعاست و لذا سخن فخر رازی را نمی‌توان صحیح دانست.

بنابراین با نزول این آیه دوران ولایت طولانی مدت بنی‌اسرائیل به پایان رسیده و به مسلمانان منتقل شده است.



در اینجا خاطره‌ای برایتان نقل کنم و آن اینکه: در سالی به موسم حج رفته و به دانشگاه مدینه می‌روند و به آنها تفسیر مجمع‌البیان را هدیه می‌دهند آنها هم متقابلاً تفسیر فتح‌القدیر / شوکانی را به ایشان می‌دهند: شوکانی کسی بود که ابتدا وهابی بود و بعد زیدی مسلک شد. تفسیری که نوشته بیشتر روایی است یعنی در آن از احادیث بسیار استفاده کرده است.

آن وقت در آن کتاب در مورد آیه (یا ایها الرسول بلغ . . .) به نقل از ابن مسعود آورده است که: بلغ ما انزل الیک من ربک (فی ولایه علی بن ابی‌طالب) . یعنی ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از جانب خدایت بر تو نازل شده که این در مورد ولایت علی علیه‌السلام است.

از این دست موارد که عامه در احادیث‌شان نسبت به ولایت علی علیه‌السلام و غدیر و آن حادثه مهم اشارات و روایات آورده‌اند زیاد است و این را می‌شود گفت جزو آخرین موارد است که در تفاسیر مورد قبول ایشان آمده است.

شما اگر نگاهی به کتاب الغدیر / مرحوم علامه امینی و یا کتاب المراجعات / سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی بیفکنید متوجه می‌شوید ما چقدر احادیث فراوانی از ناحیه علمای عامه در مورد این مسأله داریم. (۱) اما صرف نظر از این مباحث لازم است تا در اینجا این پرانتز بزرگ را ببندیم و به ادامه بحث پاسخ به اشکالات بپردازیم.

یادتان باشد گفتیم اشکالی که به آیه ۵۵ / مائده دارند به صورت جمع آمدن ضمایر و افعال این آیه است. یعنی اگر تنها کسی که انگشتر را در هنگام نماز به فقیر بخشیده علی علیه‌السلام بوده پس چرا آمده (یقیمون الصلاة) و آمده (هم راکعون) اینها همه جمع است و بر بیش از یک نفر دلالت می‌کند.

اینجا خود زمخشری که از علمای صاحب رأی در تفسیر نزد اهل سنت است جواب داده که درست است که بصورت جمع آمده ولی در یک مورد خاص است. یعنی

۱– نگاه کنید به المراجعات، رهبری امام علی علیه‌السلام در قرآن و سنت / سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی، ترجمه محمدجعفر امامی.



روایات شأن نزول در این مورد آنقدر زیاد است و در عین حال فقط در مورد حضرت علی علیه‌السلام است که خاص بودن

آیه در مورد یک نفر را تأیید می کنند.

اشکال دیگری که شاید اینجا لازم باشد به آن بپردازیم و در عین حال ممکن بود به ذهن هر کسی بیاید اینکه چطور می‌شود حضرت علی علیه‌السلام در نماز حواسش متوجه خدا نیست، شخصی که آنقدر در نماز متوجه خداست که تیری را که در پایش رفته فقط می گویند در حین نماز می‌شود از پایش خارج کرد چون آن موقع احساس درد نمی کند. آیا می‌شود که این‌جور حواسش پرت شود و به دادن زکات مال بپردازد؟

در پاسخ این سؤال باید گفت: که توجه توأمان حضرت به نماز و زکات با هم منافاتی ندارد و اتفاقا این برگرفته از دستورات قرآنی است.

در قرآن نماز و زکات عدل هم آمده‌اند و هرجا سخن از نماز است بلافاصله به بحث زکات و اهمیت آن هم تأکید شده.

«لاـن اقمتم الصلاة و آتیتم الزکاة و امنتم برسلی و عزّرتموهم و اقرضتم اللّه قرضا حسنا لَأُکَفِّرَنَّ عنکم سَـيِّئاتكم و لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَناتٍ تَجْری مِنْ تَحْتها الأَنْهار . . .». §مائده / ۱۲.§

اشکال دیگری که از دیرباز اهل سنت به این آیه می گیرند و بیشتر به یک عدم پذیرش عمدی و فرافکنی شبیه است، تا اشکالی که برخاسته از دانستن موضوع است، و تا به امروز هم مطرح می کنند این است که ولایت در آیات مورد نظر به معنی (دوستی) است.

اما این مفهوم با آیات و هدف پیامبر و تمامی آنچه توضیح داده شد تناسبی ندارد.

آیا دوستی در آیه مد نظر با ادامه آیه که می‌فرماید (واللّه یعصمک من الناس) خداوند تو را از دست مردم حفظ می کند جور درمی آید؟

اشکال دیگر که در عصر ما خیلی روی آن صحبت می‌شود این است که مسأله غدیر خم را حضرت باید در مکه و منا می گفتند نه در غدیر خم هنگامی که مسلمانان از

-۱

ص:۲۱



حضرت جدا شدند!

پاسخ ما این است که اتفاقا این کار کاملاً از روی مصلحت انجام شده زیرا همراهان یمنی حضرت که در جنوب عربستان زندگی می کردند از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دلخور بودند لذا حضرت این مسأله را زمانی مطرح کردند که یمنی‌ها از آنها جدا شده بودند و به جنوب رفته بودند و آنها بسوی شمال غرب در حرکت بودند. §برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به المراجعات، نامه ۳۶، ص ۲۶۸.§

ص:۲۲



خلاصه درس نخست

شیعه در لغت به معنی پیرو می‌باشد و در اصطلاح به معنی قائلان به مرجعیت سیاسی، دینی و علمی علی علیه‌السلام پس از پیامبر اطلاق می‌شود و لفظ شیعه در منابع برادران اهل سنت نیز آمده است. طبق بررسی سه آیه از سوره مبارکه مائده و پاسخ

به اشکالات پیرامون آنها متوجه می‌شویم که هیچیک از اشکالات وارد نبوده و ولایت امام علی علیه‌السلام قابل اثبات می‌باشد. از سویی دیگر علمای یهود و نصاری علاقه‌مند نبودند تا بعد از آنها کسی دیگر صاحب کتاب و ولایت باشد لذا به دشمنی با ولایت علی علیه‌السلام پرداختند و درست در همین موقع با نزول آیه اکمال آخرین دریچه‌های امید به روی آنها بسته شد.

علاوه بر منابع قرآنی منابع روایی، تفسیری و تاریخی همچون تفسیر ابن مسعود، کتاب الغدیر و المراجعات و . . . حاکی از ولایت همه‌جانبه امام علی علیه‌السلام می‌باشند.

ص:۲۳



نمونه سؤالات

۱ـ شیعه را از نظر لغوی و اصطلاحی تعریف کنید.

۲ـ اشکالات وارده بر آیه سوم از سوره مائده را بررسی و تحلیل کنید.

۳ـ ضمن طرح اشکالات وارده بر آیه ۵۵ از سوره مائده به ذکر رئوس پاسخ‌ها بپردازید.

۴ـ چگونه می‌توان با توجه به ظاهر ناسازگار قبل و بعد آیه ۶۷ از سوره مائده ارتباط آن را با واقعه غدیر خم بیان داشت؟

ص:۲۴



نمونه سؤالات تستی درس نخست

۱ـ شیعه در لغت بمعنی: الف ـ رهبر ب ـ پیرو ج ـ جماعت د ـ گروه می‌باشد.

۲ـ غدیر خم در چه روزی اتفاق افتاد؟

الف ـ ۱۸ ذی‌الحجهٔ سال ۱۰ هجری

ب ـ ۱۳ رجب سال ۱۴ قبل از بعثت

ب ـ ۱۷ ربیع‌الاول سال ۱۰ هجری

د ـ ۱۸ ذی‌الحجهٔ سال ۵ هجری

۳ـ آیه اکمال دین کدام است؟

الف ـ یا ایها الرسول بلغ ما انزل . . .

ب ـ الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی . . .

ج ـ انما ولیکم اللّه و رسوله . . .

د ـ کتب علیکم الصیام . . .

۴ـ کدام یک از موارد زیر در مورد آیه سوم از سوره مائده مطرح است:

الف ـ قبل و بعد آیه در مورد مواد غذایی می‌باشد.

ب ـ آیه فوق زمانی نازل شد که یهودیان از موضوع وجهه علمی خود احساس خطر می‌کردند

ج ـ تنها بحثی که در این آیه تازگی دارد مسأله (ولایت اسلامی) است

د ـ تمام موارد

۵ـ جمع آمدن ضمایر آیه ۵۵ از سوره مائده با توجه به چه دلیلی قابل حل است:

الف ـ در یک مورد خاص است ب ـ فراوانی روایات شان نزول

ج ـ موقعیت اجتماعی حضرت علی علیه‌السلام د ـ موارد الف و ب

ص:۲۵



۶ـ تفسیر فتح‌القدیر شوکانی چگونه تفسیری می‌باشد:

الف ـ عقلی

ب ـ فلسفی و کلامی

ج ـ بیشتر روایی است

د ـ فقهی

ص:۲۶



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۲۷



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۲۸

↕

یادداشت

درس دوم تفاوتهای امامت و سیره حاکمان و فعالیتهای حضرت علی علیه‌السلام در زمان خلفای راشدین

اشاره

ص:۲۹

↕

هدف از این درس:

ـ یادآوری تفاوتهای میان مقام امامت و خلافت و اینکه مقام امامت به اذن الهی بوده و توسط کسی نمی‌تواند از بین برود.
ـ اقدامات حضرت علی علیه‌السلام پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم .
ـ اقتدا به سیره امام علی علیه‌السلام در شرایطی که جامعه نیازمند حفظ آرامش و وحدت است و اینکه وحدت و امنیت جامعه بر همه چیز مقدم می‌باشد.

ص:۳۰

↕

درس دوم

تفاوتهای امامت و سیره حاکمان و

فعالیتهای حضرت علی علیه‌السلام در زمان خلفای راشدین

در این درس در صددیم تا به بررسی تفاوتهای خلافت امام علی علیه‌السلام و نوع عملکرد ایشان در دوران خلفای سه گانه بپردازیم.

این بحث خیلی مهم است از این جهت که بسیاری از سوء تعبیراتی که برای ما شیعیان بوجود می‌آید ناشی از نداشتن شناخت کافی در مورد شأن و جایگاه واقعی حضرت علی علیه‌السلام می‌باشد که این منجر می‌شود به مقایسه ایشان با اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید بگویيم این مقایسه از اساس غلط است و هرکس را باید با میزان و معیار خودش سنجید.

۱ـ به هر روی این درس را با یک سؤال اساسی آغاز می‌کنیم و آن اینکه اگر امامت علی علیه‌السلام انتصابی بوده و بر مبنای شورای اهل حل و عقد نبوده، چرا حضرت در برابر خلفا قیام نکردند؟ مسلما اگر ایشان قیام می‌کردند خداوند به ایشان کمک می‌کردند و نصرت الهی شامل حال ایشان می‌شد.

خداوند در قرآن می‌فرمایند:

«إنّا لَنَنْصُر رُسُلَنا والَّذین آمَنوا فی الحیاةِ الدنیا و یوم یَقوم الاشهاد». §غافر / ۵۱.§

ص:۳۱

↕
یعنی همانا ما پیامبرانمان و کسانی را که ایمان آوردند در این زندگی و در روزی که شاهدان بپا می‌خیزند نصرت می‌دهیم.
این یک پرسش اساسی است. اما در همین ارتباط پرسش دیگری نیز مطرح است و آن مسأله افضل بودن علی علیه‌السلام بر سایر خلفاست.

۲ـ سؤال این است که در دوران خلافت پنج ساله علی علیه‌السلام ما شاهد یک رکود اجتماعی و جنگهای پیوسته داخلی هستیم، بدون اینکه حتی ذره‌ای به قلمرو حکومت اسلامی اضافه شود ولی در زمان خلفای قبلی اینطور نبوده و بسیاری از فتوحات در زمان آنها انجام شده. بطور مثال ایران در زمان عمربن خطاب فتح شد و اسلام وارد ایران شد.

با این حال آیا باز هم می‌توان گفت: علی علیه‌السلام افضل خلفا و اصحاب است؟

خوب ببینید اینجا دو سؤال مطرح شد که جواب هر دو را می‌توان با اشاره‌ای که در ابتدای صحبتمان شد بدهیم.

و باید گفت که پیامبران و اولیاء الهی چون سلاطین دارای تاج و تخت و خدم و حشم و لباس فاخر و زرق و برق نیستند.

سید قطب از مفسرین معاصر اهل سنت و کسی که مدت زیادی را در غرب به سر برد و شخص مقام معظم رهبری هم یکی از کتابهای ایشان را ترجمه کرده‌اند §آینده در قلمرو اسلام.§نظر جالبی در این زمینه می‌دهد به این مضمون که: ما در مورد بسیاری از انبیاء الهی در کوتاه‌مدت نصرتی نمی‌بینیم و در درازمدت پیوسته شاهد نصرت هستیم.

ایشان مثال می‌زنند ابراهیم نبی علیه‌السلام را که در زمان ایشان حکومت ظاهری از آن نمرود بود و کار تا جایی پیش رفت که نمرود ایشان را در منجنیق گذاشت و در آتش پرتاب کرد ولی به اذن الهی آتش سرد و سلام شد.

درست است که ایشان در زمانه خود نتوانست بطور کامل بت‌پرستی را ریشه‌کن کند ولی در نسلهای بعدی پیام وی به تمامه اثر خود را گذاشت و شما می‌بینید که در قرآن

-۱

ص:۳۲

↕
کریم هم از مکتب ابراهیم به عنوان یک مکتب یکتاپرستی کامل نامبرده می‌شود و معیاری است برای سایر ادیان بزرگی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«ما کانَ ابراهیمُ یهودیا و لا نصرانیا ولاکن کانَ حَنیفا مسلما». §سوره آل عمران، آیه ۶۷.§

یا «مِلَّةَ اَبیکُمْ ابراهیم». §سوره حج / آیه ۷۸.§

و یا حضرت یوسف علیه‌السلام که ایشان ظاهرا به چاه افتاد ولی این مقدمه‌ای بود که از آنجا به مصر برود. علم تأویل‌الاحادیث را یاد بگیرد و نبی الهی شود. ظاهرا وزیر شاه بود ولی در باطن یوسف زمام امور را به دست داشت.

بنابراین نصرت و پیروزی پیامبران موقتی نیست.

سید قطب در ادامه به رمز پیروزی عاشورا و تأثیر آن تا به امروز سخن می گوید و اینکه حضرت ابا عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی‌رغم اینکه شهید شدند ولی صاحب دو نصرت شدند یکی رسوایی طاغوت و دیگری زنده ماندن عاشورا تا به امروز.

پس علی علیه‌السلام خلیفه خدا بود و شخصیت وی تماما الهی بود. ایشان برای فتح و کشورگشایی نیامده بود ظاهرا پشت

صحنه بود ولی مهمترین کارها به دست ایشان بود و یا خود پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد امام حسن و حسین علیهم‌السلام می‌فرمایند: (اِبْنای هذان امامان قاما او قَعَدا) §بحارالانوار، ج ۱، ص ۳۰۶، ارشاد مفید، ص ۱۸۱.§یعنی این دو پسر من امام‌اند چه قیام کرده باشند و چه در حال سکوت باشند و به پا نخاسته باشند.

آری علی علیه‌السلام امام بود اگرچه ۲۵ سال پس از وفات پیامبر خلیفه شد. مقام خلافت ایشان چیزی نبود که توسط شورای اهل حل و عقد گرفته و یا داده شود. آنچه منصوب از جانب خدا باشد هیچ گاه با ظواهر امور از بین نمی‌رود و این است معنی خلافت به نص که شیعه بر آن قایل است و لذا می‌بینیم که حضرت در طول این سالها دست به اقدامات بسیار

ص:۳۳



مهمی زدند و خود را تشبیه به سنگ زیرین آسیاب دولت اسلامی کرده‌اند.

(اِنّ علی منها مَحِل القُطب مِنْ الرحی . . .) . §شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۱۵۳، ۲۰ جلد در ۱۰ جلد، کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی، قم ۱۴۰۴ ه . ق و بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۵۰۹ ۱۱۰ جلدی مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ هجری قمری§و یا (اَمَا واللّه لَقَدْ تَقَمَّصَها فلانٌ و اِنّه لَیعلَمُ اَنّ مَحلّی مِنها مَحلُّ القُطبِ مِن الرّحی) . §نهج‌البلاغه / خطبه ۳ ـ یعنی: ابوبکر لباس خلافت را بر تن کرد و او می‌دانست که من در گردش حکومت اسلامی همچون قطب و محور سنگهای آسیابم و چشمه‌ها از کوهسار من جاری است.§

اقدامات حضرت علی علیه‌السلام پس از وفات رسول‌اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تا قبل از حکومت ایشان به شرح زیر است:

۱ـ جمع‌آوری قرآن و نشر علوم و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

ایشان بعد از رحلت پیامبر اکرم به جمع‌آوری قرآن پرداختند و سوگند خوردند تا آن را ننویسند، ردا بر دوش نیندازند و از خانه خارج نشوند مگر برای خواندن نماز، و براساس ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و ظاهر و باطن قرآن به تعلیم و تفسیر قرآن پرداخته و شاگردانی چون ابن عباس و ابن مسعود را تربیت کردند تا پاسخگوی تهاجمات و شبهات دانشمندان کشورهای تازه فتح شده باشند. §الاستیعاب، ابن عبدالبر، ص ۱۱۰۹ و احتجاج طبرسی، ص ۲۳۹.§

۲ـ برقراری وحدت و آرامش میان مسلمین برای پیشبرد اسلام

توضیح اینکه حضرت در پاسخ کسانی که بعد از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمدند و دست بیعت دراز کردند مانند عموی پیامبر و ابوسفیان گفتند: (شقّوا اَمواج الفِتَنِ بِسُفُن النّجاه) §بحارالانوار، ج ۲۸ ، ص ۲۳۳ و نهج‌البلاغه، خطبه ۵.§یعنی موجهای فتنه را با کشتی نجات درهم شکنید. و این درست در همان موقع بود که خیلی‌ها می‌پنداشتند علی علیه‌السلام باید شمشیر به دست می‌گرفت و خلیفه ابوبکر را از

ص:۳۴



بین می‌برد. ولی حفظ وحدت و آرامش در جامعه اسلامی نخستین رمز ادامه حیات اسلام است و این اسلام نوپا تاب آن را نداشت که در برابر موجهای سهمگین فتنه پایداری کند و اگر نبود کشتی نجات علی علیه‌السلام ، اسلام در دریای مصایب و

فتنه‌ها غرق می‌شد و این‌جا رمز جاودانگی اسلام فهمیده می‌شود. آری رمز و کلید صیانت اسلام و تداوم آن در قرون و اعصار بدست علی علیه‌السلام رقم می‌خورد. بنابراین ایشان در این سالها انتخاب شأنیت وزیر در حکومت اسلامی را برمی گزینند و به دادن مشاوره به خلفا در زمینه‌های مهم حکومتی می‌پردازند. (و اَنَا لکم وَزیرا خیر لکم منّی امیرا) §خطبه ۹۲، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات نسیم حیات، بهار ۷۲، البته باید توجه داشت که این خطبه پس از قتل عثمان ایراد شده است. تحلیلی بر مواضع سیاسی امام علی علیه‌السلام از رحلت پیامبر تا قتل عثمان / قائدان.§و من برای شما وزیر باشم بهتر است از آن که امیر باشم.

برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف ـ دادن مشاوره‌های جنگی: ابوبکر درباره فتح شام با علی علیه‌السلام مشورت کرد و خیلی از این مشورت استقبال نمود. او در این باره می گوید: «این وارث علم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است سخن او در جهاد با روم مرا تشویق، تحریض و دلگرم ساخته است». §الفتوح، ابن اعثم، ج ۱، ص ۹۷.§

۳ـ شرکت دادن یاران و فرزندان خود در فتوحات و جنگهای اسلامی:

الف ـ شرکت مالک اشتر در جنگ قادسیه و فتح نصیبین و نیز شرکت وی در جنگ روم. §اخبارالطوال، دینوری، ص ۱۲۰.§

ب ـ شرکت حذیفهٔ‌بن یمان در جنگ نهاوند که تستر و اردبیل به دست وی فتح شد. عمار یاسر نیز در این جنگ فرمانده سوارکاران بود. §العبر فی خبر من غبر، ذهبی، ج ۱، ص ۲۵، و فتوح الشام، واقدی، ج ۲، ص ۳۶.§

ج ـ حضور فعال حجربن عدی در جنگ قادسیه.

۱ـ

۲ـ

۳ـ

۴ـ

ص:۳۵

↨

۴ـ ارائه مشاوره‌های سیاسی به خلیفه دوم و سوم و حضور یاران حضرت بعنوان والی و مسئول مناطق فتح شده:

الف ـ سلمان فارسی در زمان عمر والی مدائن می‌شود.

ب ـ پس از عزل سعد عمار یاسر والی کوفه می‌شود.

ج ـ عثمان بن حنیف مسؤول خراج و دارایی کوفه می‌شود.

د ـ حذیفهٔ بن یمان به معاونت عثمان بن حنیف به مساحی زمین‌های کوفه می‌پردازد. §الغدیر، ج ۸، ص ۱۲۱، فتوح‌البلدان بلاذری، ص ۲۶۹.§

۵ـ خزانه دار علوم پیامبر

ابن اعثم از پیامبر نقل می‌کند: این علی وارث علم پیامبر است. هر کسی در راستی او شک کند منافق است. (الفتوح، ابن اعثم، ج ۱، ص ۹۷)

یکی از وظائف امامت و ولایت دینی که از وظائف خلافت و ریاست جمهور بسیار مهم‌تر و والاتر است پاسداری از قرآن و خزائن علوم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و انتقال آن به علما، دانشمندان و مردم است.

اهمیت این مسأله وقتی مهم خواهد شد که بدانیم چه بسیار کشورها که در اثر ضعف فرهنگ در هنگام تهاجم دشمن در دشمن حل شدند از آنها هیچ باقی نماند و چه کشورهایی که فرهنگ بیگانه را نیز در خود حل کردند. بطور مثال وقتی مغول‌ها به ایران حمله کردند در اثر قوت اعتقاد و فرهنگ اسلامی در ما حل و پیرو مذهب تشیع شدند.

اما به عکس آن را می‌توان در دوران معاصر در انقلاب الجزایر، مصر و پاکستان دید که بعلت ضعف فرهنگی شکست خوردند و اکنون ما شاهد اشاعه فرهنگ غربی در این کشورها هستیم.

لذا حضرت با توجه به این مهم به نشر علوم مختلف در جهان اسلام مبادرت

ص:۳۶



ورزیدند که عبارتند از:

الف ـ تفسیر قرآن کریم: حضرت در بین چهار خلیفه آن چنان که خود اهل سنت نیز اذعان دارند صاحب بیشترین روایاتهای تفسیری هستند §سیوطی، الاتقان و دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و علامه عسکری نقش ائمه در احیای دین .§و از طرفی شاگردان ایشان در مکه و مدینه و کوفه که از آنان بعنوان صحابیان و نیز تابعیان یاد می‌شود خود صاحب مکتب تفسیری شدند.

اینکه می‌گوییم مکتب تفسیری یک مسأله ساده‌ای نیست اینکه شخصی در زمینه مباحث قرآنی چه تفسیر و قرائت صاحب‌رأیی قوی و متقن باشد و تا جایی پیش برود که خود صاحب مکتبی باشد برای مردم آن شهر و دیار و این تفکر در سالهای بعدی و تا عصر ما ادامه یابد و به قول او استناد شود مثلاً گفته شود که در تفسیر فلان آیه چند نظر وجود دارد که یکی از این نظرها نظر ابن عباس است این خیلی مهم است زیرا خود سازنده نوعی تفکر در جهان اسلام خواهد بود که نهایتا سرمنشأ آن به علی علیه‌السلام برمی‌گردد که توانسته است چنین شاگردانی را با چنین سطحی از تعقل و تفکر تربیت کند.

ب ـ علم نحو: این علم که در آن به نقش کلمات در جمله می‌پردازد و مشخص می‌کند که کدام کلمه فاعل، مفعول، فعل و . . . است که در معنی قرآن و صیانت آن از برداشتهای نادرست خیلی مهم است. اینجا حضرت به ابوالاسود دوئلی دستور می‌دهد که قوانینی برای این علم وضع کند که ماجرای این دستور و پیدایش علم نحو خیلی جالب است. §اطوار الثقافة، ج ۲، ص ۳۵، طبقات النحویین، ج ۷، ص ۱۴.§

ج ـ علم کلام: علم کلام که در آن به عقاید اسلامی می‌پردازد و از آن دفاع می‌کند دارای ادبیاتی مخصوص است. واژه‌هایی چون ازلی، ابدی، قدیم، حادث، ممکن، وجود، وجوب و . . . نخستین بار در کلمات حضرت به آن اشاره شد. نهج‌البلاغه مملو از این واژگان است.

و لذا ابن ابی‌الحدید معتزلی در مقدمه نهج‌البلاغه به این موضوع اشاره دارد و

ص:۳۷



می گوید: علم کلام و اعتقادات که اشرف علوم است از کلام امام علی علیه‌السلام اقتباس شده است.

اربلی در کشف‌الغمه نیز می‌گوید: پیشوایان کلامی همه خود را منسوب به علی علیه‌السلام می‌دانند. §اربلی، کشف‌الغمه فی معرفهٔ الائمه، ج ۱، ص ۱۳۱.§

ه ـ فقه: در فقه نیز پیشوایان مذاهب اربعه با واسطه شاگرد حضرت علی علیه‌السلام بوده‌اند به این ترتیب که مالک و ابوحنیفه شاگردان امام صادق علیه‌السلام بوده‌اند و احمدبن حنبل فقه را از شافعی و شافعی از محمدبن حسن و مالک آموخت. §در این باره روایات فقهی امام صادق علیه‌السلام در فقه اهل سنت و یا کتاب موسوعهٔ فقه علی‌بن ابیطالب نوشته رواس قلعجی راه‌گشاست. همچنین بنگرید به کتاب عبدالحکیم جندی §

حتی جالب است بدانید که نظرات فقهی حضرت در دوران خلیفه دوم نیز بکار می‌آمده. در مکاسب شیخ انصاری از قول امام باقر علیه‌السلام از خصال شیخ صدوق آمده که درآمد زمینهای مفتوحٌ عنوه مستدل به روایت علی علیه‌السلام است.

که می‌فرمایند: اِنّ القائمَ بعدَ صاحبه ـ یعنی عصر ـ کانَ یُشاورنی فی مَواردِ الامورِ و مَصادرها فیصدرها عَنْ اَمری و یُناظِرنی فی غَوامضـها فَیَمضیها عَنْ رَأْیی. §المکاسب، شیخنا الانصاری، چاپ تبریز ۱۳۷۵، ص ۷۸ و نیز الخصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۲۵، باب السبعه، حدیث ۴۵.§

و ـ نهج‌البلاغه: این کتاب اوج فصاحت، بلاغت و آیین کشورداری است. این کتاب خود مبنایی برای علوم بلاغی شده و اصول آن جملگی در سخنان حضرت وجود دارد. همچنین اصول کشورداری و تربیتی، بسیاری از نکات اخلاقی و عرفانی به بهترین وجه در این کتاب موجود است.

ز ـ علم حقیقت و باطن: بسیاری از عرفا و متصوفه ایشان را رهبر خود می‌دانند در شجره‌نامه‌هایی که منتسب به فرق مختلف تصوف است تلاش زیادی شده تا شجره خود

یعنی: خلیفه دوم همواره در موارد امور و مصادر آنها با من مشورت می‌نمود و آنها را به دستور من صادر می‌کرد و در مشکلات امور با من مناظره و گفتگو با نظر من آنها را امضاء می‌کرد.

ص:۳۸



را نهایتا به علی علیه‌السلام برسانند و این بخاطر اوج عرفان ایشان و اوج بلندای زهد ایشان در مسائل عرفانی است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیثی فرمودند: (انا مدینه العلم و علی بابها) §وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۴ و امالی صدوقی مجلس ۸۳، ص ۵۶۱.§یعنی راه رسیدن به علوم پیامبر از علی علیه‌السلام می‌گذرد.

دکتر ابوالوفا غنیمی تفتازانی استاد دانشگاه قاهره و شیخ طریقت در مقدمه کتاب خود بر کتاب وسایل‌الشیعه می‌نویسد: مشایخ و اصحاب طریقت مانند رفاعی، بدوی، دسوقی و گیلانی از اجله علمای اهل سنت در طریقت خود به ائمه اهل بیت و از طریق آنها به امام علی علیه‌السلام و از او به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد می‌کنند زیرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: من شهر علمم و علی علیه‌السلام دروازه آن.

* * *

احمد بن حنبل که یکی از پیشوایان مذاهب اربعه فعلی می باشد و فقه کشور عربستان هم منبعث از این شخص است در مورد حضرت علی علیه‌السلام حرف جالبی دارد و می‌گوید: تمام خلفا اعتبار خودشان را از مقامشان گرفتند ولی حضرت هیچ زینتی از مقام خلافت نگرفتند بلکه به مقام خلافت زینت داد. §شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۵۲.§

بنابراین متوجه می‌شویم که این پرسش که در ابتدای درس دوم مطرح شد مبنی بر اینکه حضرت چرا در برابر خلفا قیام نکرد و باید با آنها می‌جنگید و حق خود را می گرفت از اساس پرسشی غلط است چرا که حضرت وحدت را مهمترین مسأله در آن شرایط می‌دانستند، از طرفی مقام خلافت الهی چیزی نبود که کسی بتواند از ایشان غصب کند همچنان که در طول این ۲۵ سال حضرت اقدامات الهی و خلیفهٔ اللهی بسیاری انجام دادند که به آنها به طور فشرده اشاره شد. اما این که گفته شده در زمان خلفای سه گانه ما تماما شاهد فتوحات اسلامی هستیم ولی در زمان علی علیه‌السلام این مسأله متوقف شده و مردم دچار جنگ داخلی و رکود اقتصادی و اجتماعی شدند هم حرف درستی نیست.

ص:۳۹



حضرت این را قبول نداشتند ایشان می‌فرمایند: (ما اصبح بالکوفهٔ احد الا ناعما اِنّ ادناهم منزلهٔ یا کل البر و یجلس فی الظّل و یشرب من مآءِ الفرات) .

یعنی کسی که در کوفه که مرکز خلافت بود صبح نمی کرد جز اینکه در بدترین حالت منزلت غذای خوب می‌خورد. در سایه می‌نشست (یعنی مسکن داشت) و از آب فرات می‌نوشید. (خوردن بهترین آب)

پس مردم از لحاظ مایحتاج اولیه زندگی در رفاه بودند و زمینه‌های آزادی‌های اجتماعی فراهم بوده است، کسی اضطراب مسکن و غذا نداشته است و می توانسته به عبادت و درس و کار خود بپردازد.

اما این تمام ماجرا نیست حضرت در نخستین خطبه خود رسیدگی به اموال مشروع و نامشروع و پس گرفتن آن حتی اگر در مهر زنان شده باشد را بسیار جدی مطرح کردند و به آن عمل کردند. این یعنی اوج عدالت اجتماعی.

اصولاً ـ نوع حکومت داری ایشان با سه خلیفه قبلی متفاوت است و در جهت رفاه و عدالت گام برمی‌دارد. شرقاوی نویسنده مصری می گوید: زندگی حضرت امیر علیه‌السلام در سه کلمه خلاصه می‌شود که از پیامبر آموخته است که ایشان فرمودند: اَلا ـ اَدُلُّکُم عَلی خَیرِ اَخلاق الدنیا و الآخرهَ تَصِلْ مَنْ قَطَعَکَ وَ تُعطی مَنْ حَرمکَ وَ تعفو عمّن ظلمکَ. §بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۸.§یعنی آیا راهنمایی نکنم شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت، به آن کس که از تو بریده صله رحم بجای آور و به آنکه تو را محروم داشته عطا کن و از کسی که به تو ظلم روا داشته درگذر.

و چه کسی جز امیر می‌تواند که چنین باشد و قاتل خود را که شقی‌ترین افراد است ببخشد و به لشکر ظالم معاویه که آب را به روی او بست آب بدهد. و به مالک که راهی سرزمین مصر جهت حکومت بر آنهاست بگوید که با غیر مسلمین نیز مهربان باش و چون حیوان درنده‌ای نسبت به آنان مباش. زیرا که: فَأمّا اخٌ لکَ فی الدین اَوْ نَظیرٌ لکَ

ص:۴۰



فی الخَلق. یعنی یا برادر دینی تو هستند و یا همسان تو در آفرینش هستند.

و این چنین است که نسل ایشان تا کنون باقی است و روز به روز افزون می گردد ولی از دیگران نجوایی هم به گوش نمی‌رسد. چنانکه امروزه علاوه بر سادات ایران شرفای مکه و مراکش و دیگر بلاد نیز خود را از نسل امام حسن مجتبی علیه‌السلام می دانند و این است نصرت الهی برای علی علیه‌السلام هم در دنیا و هم در سرای آخرت.

ص:۴۱



خلاصه درس دوم

شأن امامت با خلافت متفاوت است و زندگی امامان و پیامبران همچون خلفا و سلاطین نیست. امامت بر مبنای نص است و شورای اهل حل و عقد هیچ تأثیری در بودن یا نبودن آن ندارد.

حضرت علی علیه‌السلام حفظ وحدت و امنیت جامعه نوپای اسلامی را بر هر امری مقدم می‌داشت و لذا در طول ۲۵ سال کناره‌گیری از حکومت به اقدامات سازنده‌ای چون جمع‌آوری قرآن و علوم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ، شرکت دادن یاران و فرزندان خود در فتوحات اسلامی، دادن مشاوره‌های سیاسی به خلیفه دوم و سوم، پایه‌گذاری علوم نحو، کلام و فلسفه، پرداختند و چه کسی جز امام و پیشوا می‌تواند چنین اقدامات سازنده‌ای را برای حفظ و استمرار اسلام انجام دهد.



نمونه سؤالات

۱ـ اقدامات حضرت علی علیه‌السلام در طول حکومت خلفای راشدین را نام ببرید.

۲ـ تفاوت مقام حکومت الهی و غیر آن در چیست؟

۳ـ سخن احمدبن حنبل در مورد امام علی علیه‌السلام را بیان فرمایید.

۴ـ علت انتساب مکاتب عرفانی به امام علی علیه‌السلام چیست؟

۵ـ نقش حضرت امیر را در زمان خلفای راشدین از دیدگاه حکومتی بیان فرمایید.

۶ـ در خصوص وضع رفاه اجتماعی مردم در زمان حکومت ظاهری امام علی علیه‌السلام توضیح دهید.

۷ـ چگونه می‌توان حضرت علی علیه‌السلام را خزانه‌دار علوم پیامبر دانست؟

۸ـ سخن سید قطب در مورد امام حسین علیه‌السلام را بیان کنید.

۹ـ تحلیل شما از نصرت الهی در مورد اهل بیت علیه‌السلام تا به امروز با توجه به توضیحات مطروحه در درس دوم چیست؟



نمونه سؤالات تستی درس دوم

۱ـ قرآنی که حضرت علی علیه‌السلام جمع کرد بر چه مبنایی بود؟

الف ـ بزرگی و کوچکی سور

ب ـ مکی و مدنی

ج ـ ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، ظاهر و باطن

د ـ حوادث تاریخی و شأن نزول

۲ـ نخستین رمز حفظ اسلام چیست؟

الف ـ ایمان

ب ـ حفظ وحدت و آرامش در جامعه

ج ـ اجرای عدالت

د ـ امر بمعروف و نهی از منکر

۳ـ مالک اشتر در زمان خلفای قبل از علی علیه‌السلام در چه جنگهایی شرکت جُست؟

الف ـ قادسیه، نهاوند، جلولاء

ب ـ قادسیه، نصیبین، روم

ج ـ روم، نهروان، خیبر

د ـ تستر، اردبیل، دندانقان

۴ـ خزانه‌دار بودن علم پیامبر با توجه کدام یک از موارد زیر در مورد علی علیه‌السلام صادق است:

الف ـ تفسیر قرآن کریم، وضع علم نحو و کلام

ب ـ فصاحت و بلاغت در نهج‌البلاغه

ج ـ علم حقیقت و عرفان و اقتدای مذاهب اسلامی در عرفان به ایشان

د ـ تمام موارد

ص:۴۴

↨

۵ـ چه عللی نشان‌دهنده تفاوت کیفی سیره امام علی علیه‌السلام و خلفای قبلی می‌باشد:

الف ـ وضع خلافت ایشان از جانب خدا

ب ـ اعترافات برادران اهل سنت و طریقت

ج ـ پایه‌گذاری علم تفسیر و تربیت شاگردانی که هریک خود صاحب نظر بودند

د ـ تمام موارد

ص:۴۵

↨

یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۴۶



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۴۷



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۴۸



درس سوم اثبات امامت ائمه؛ صحابه و موضع شیعه در مورد نقل حدیث از ایشان

اشاره

ص:۴۹



هدف از این درس:

بررسی اسناد امامت ائمه در منابع اهل سنت

موضع علما و شعرای اهل سنت در مورد اهل بیت

احادیث مشترک و چگونگی نقل حدیث فریقین از همدیگر

موضع شیعیان و شافعیان در خصوص عدالت تمامی صحابه

ص:۵۰



درس سوم

اثبات امامت ائمه ؛ صحابه و موضع شیعه در مورد نقل حدیث از ایشان

اثبات امامت ائمه دوازده گانه، و موضع ما در مورد نقل حدیث از عامه
(ولَقَدْ اَخَذَ اللّهُ میثاقَ بنی اسرائیل و بَعَثْنا منهم اثنی عَشَرَ نقیبا) .
چنانکه در آیه فوق آمده است خداوند از میان قوم یهود دوازده نقیب برانگیخت تا هریک به رهبری قوم بپردازند. و لذا در میان امت اسلامی نیز دوازده امام وجود دارند که همگی از قریش‌اند و از نسل فاطمه علیهاالسلام و علی علیه‌السلام که در منابع اهل سنت این مطلب به وفور به چشم می‌خورد. §صحیح بخاری، کتاب ۹۳، ب ۵۱، صحیح مسلم جزء ۱۲، ص ۱۵۸، حدیث ش ۴۶۶۲، سنن الترمذی، جزء ۶، ص ۴۴۲، سنن ابی‌داود، حدیث ش ۴۲۷۷، مسند احمدبن حنبل حدیث ش ۲۰۴۱۹.§ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم : تعداد خلفای بعد از من مانند تعداد نقبای بنی اسرائیل دوازده تن است. همچنین بسیاری از بزرگان اهل سنت به این مسأله اذعان دارند از آن جمله:
۱ـ محمد ابراهیم جوینی خراسانی متوفی ۷۳۰ ق. که از محدثان شافعی است در کتاب فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البطول والسبطین و الائمهٔ من ذریتهم، می‌گوید روایت در این زمینه از طرق اهل سنت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌رسد. §تحقیق محمدباقر محمودی، مؤسسه المحمودی، بیروت، چاپ اوّل، ۱۳۹۸ ه . ق.§

ص:۵۱



جالب است بدانید که اهل سنت در مورد این که مهدی (عج) از ولد فاطمه علیهاالسلام است اتفاق نظر دارند.

۲ـ در کتاب ینابیع المودۀ لذوی القربی / فصل ۷۶ نوشته شیخ سلمان بن ابراهیم قندوزی (متوفی ۱۲۹۴ ه . ق) آمده: روایت دوازده خلیفه از ۲۰ طریق وارد شده است.

۳ـ ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ ه . ق) در کتاب الصواعق المحرقۀ فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، به اثبات ائمه دوازده گانه می‌پردازد.

۴ـ بسیاری از شعرای اهل سنت در دیوانهای شعری خود به این مسأله اشاره دارند.

الف ـ احمد جامی (م ۵۳۸ ه . ق) در انیس التائبین:

من ز مهر حیدرم هر لحظه اندر دل صفات

از پی حیدر حسن آنرا امامی رهنماست

همچو کلب افتاده‌ام بر خاک درگاه حسن

خاک نعلین حسن اندر دو چشمم توتیاست

عابدین تاج سرم باقر دو چشم روشنم

دین جعفر بر حق است و مذهب موسی رواست

ب ـ معین الدین حفصکی از شعرای عرب (م ۵۵۳) .

ج ـ شیخ فرید الدین عطار نیشابوری در تذکرۀالاولیاء سرآغاز کتاب را با امام صادق علیه‌السلام شروع کرده و حسن ختام آنرا امام باقر علیه‌السلام قرار داده است. در این کتاب که شرح حال بزرگان عرفان و زهدست وی ابتدا و انتهای کتاب را به این دو امام اختصاص داده است.

د ـ سبط ابن جوزی در کتاب (تذکرۀ خواص الاُمۀ) (متوفی ۶۴۴ ه . ق) وی از اعقاب محمدبن ابی بکرست بطوری که مورد احترام مذاهب اسلامی بوده و فریقین اختلافات خود را به وی رجوع می‌دادند. وی از طلایه‌داران تسنن دوازده امامی بوده و کتابی در این خصوص تألیف کرده بنام (تذکرۀ خواص الائمۀ) ـ ایشان در دمشق در مراسم

ص:۵۲



عزاداری امام حسین علیه‌السلام شرکت می‌کرد و مرثیه می‌سرود و می گریست. §ابن کثیر و ذهبی در العِبَر به ذکر مراثی وی پرداخته‌اند. البعر، ج ۲، ص ۸۹ و تاریخ اسلام حوادث سنه ۳۵۳، ص ۱۱، و مستدرک سفینۀالبحار، ج ۷، ص ۲۳۹.§

ه ـ جلال الدین رومی (م ۶۴۴ ه . ق)

تو ترازوی احد خو بوده‌ای

بل زبانه هر ترازو بوده‌ای

یا در جای دیگری می‌فرماید:

در شجاعت شیر ربانی استی

در مروت خود که داند کیستی

و یا در وصف امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید:
کجایید ای شهیدان خدایی
بلاجویان دشت کربلایی §مثنوی آخر دفتر نخست. ۳- منظومه عشق، مجموعه شعر شاعران بزرگ اهل تسنن در مدح اهل بیت / سید احمد زرهانی، ص ۱۷، ۱۷۳.§و ...
و ـ شیخ صفی الدین اردبیلی (م ۷۳۵ ه . ق)
ز ـ حمد اللّه مستوفی (م ۷۵۰ ه . ق) مورخ و جغرافیدان معروف و از نسل حربن یزید ریاحی است، که در تاریخ گزیده خود پس از ذکر خلفای راشدین خلاصه زندگی ائمه دوازده‌گانه را آورده و به عصمت آنان اذعان دارد و در کتاب ظفرنامه نیز با شعر خلاصه زندگی هریک را آورده است.
ح ـ افضل‌الدین خواجوی کرمانی (م ۷۳۵) شافعی که برای ۱۴ معصوم شعر سروده است:
یارب به حق آن چمن‌آرای لو کشف
کو بود سرو خوش‌نظر باغ لافتی و ...
یارب به حق موسی کاظم که چون کلید
بودی به طور قرب و روز در دعا و ... (۳)
ط ـ سید نورالدین نعمت‌اللّه ولی شافعی (م ۸۳۴ ه . ق) می‌گوید: در دو عالم چهارده معصوم را باید گزید و نهایتا بزرگانی چون خواجه محمد پارسای در فصل‌الخطاب، فضل‌بن روزبهان اصفهانی از اهالی خلیج فارس در کتاب وسیله الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم زیارت امام رضا علیه‌السلام توسط خالد نقش بندی شافعی
ص:۵۳



(متوفی ۱۲۴۹ ه . ق) و سرودن اشعاری جالب در این زمینه.
صرف نظر از اینها در فرهنگ و تمدن ایران زمین نیز از دیرباز عشق و ارادت اهل بیت جایگاه خاصی داشته تا جایی که محراب مدرسه امامی یا بابا قاسم در اصفهان در زمان غزنویان شاهد کاشی‌کاری با نام دوازده امام است.
و این فراتر رفته و در مسجد مدینه هم در پیشانی حیاط این مسجد اسامی پنج تن آل عبا آمده است. شما اگر به ترکیه بروید در آنجا هم در بسیاری از مساجد در کنگره‌ها و ایوان داخلی بالای سقف اسامی پنج تن آمده است.
آثار باستانی بجای مانده در خراسان و بویژه جنوب آن دراین زمینه بسیار جالب توجه است، محبت دوازده امام آنقدر در میان مردم هرات و مشهد زیاد بود که سلطان حسین میرزا بایقرا در سال ۸۷۳ ه . می‌خواست در خطبه‌نامه ائمه اثنی عشری را ذکر کند. §تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۷۷۵.§
در میان اهل طریقت نیز بسیاری بویژه در مصر ائمه را بعنوان اسوه حسنه قرار داده‌اند و خود شیعیان که در بین اهل سنت قرار گرفتند کم‌کم از عقاید اصلی خود منحرف شدند ولی به صوفیه گرایش یافتند و این اعتقاد را از طریق مساله فتوت و جوانمردی ادامه دادند.
می‌دانیم که در میان چهار فرقه رسمی اهل سنت فرقه مالکی تنها گروهی است که با دست باز نماز می‌خواند و قطعا برای این کار خود دلیلی دارد.
وقتی از دلیل این مبنا جویا می‌شویم به سخن پیشوای این فرقه می‌رسیم آنجا که گفت: من به فقهای مدینه از جمله جعفربن

محمد نگریستم که با دست باز نماز می‌خواند. §الفقه التقریبی و المقارن ۱ ، ص ۱۰۶.§
بحث دیگر ما پذیرش روایت‌های فریقین از هم است. به این معنی که آیا شیعیان در جوامع حدیثشان مانند الکافی، بحارالانوار و دیگر موارد فقط از اهل بیت و دوازده امام

ص:۵۴



به نقل روایت پرداخته‌اند و یا اینکه از اهل سنت نیز با قبول شرایطی روایت نقل می‌کنند و در مقابل آیا اهل سنت و جماعت نیز فقط از میان خودشان به نقل حدیث می‌پردازند و یا اینکه با تحمل شرایطی نقل حدیث از شیعیان را جایز می‌دانند؟

در پاسخ باید گفت که:

در میان فریقین چیزی وجود دارد بنام مشترکات حدیثی یعنی فلان حدیث که در شیعه نقل شده عین یا نزدیک به آن در میان اهل سنت هم نقل شده که این مشترکات حدیثی در حدود ۷۰ درصد می‌باشد.

مثلاً- صفت حج پیامبر به نقل از جابربن عبداللّه انصاری به نقل از امام باقر علیه‌السلام این چیزی است که فریقین آنرا قبول دارند و در میان اهل سنت هم نقل شده و لذا ما در مورد مساله حج اعمالمان به هم شبیه است.

در میان اهل سنت هم به این مسأله زیاد عنایت شده که اخیرا کتابی چاپ شده با نام «معجم فقه السلف عترةً و صحابةً و تابعین» در ۹ جلد که در دانشگاه ام‌القرای مدینه موجود است.

در زمینه نقل حدیث شیعه از اهل سنت هم جواب مثبت است بدین معنی که اگر در کتابهای رجال شیعه تصریح به وثاقت اشخاص غیر امامی شده باشد نقل حدیث از آنان مانع و مشکلی ندارد و در اقسام حدیث در اصطلاح علم‌الحدیث به آن حدیث مُوَثَّق می گویند. §برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به علم‌الحدیث و درایه الحدیث مرحوم شانه‌چی، بخش دوم، ص ۴۵.§

اما مسأله اصلی که تا حدودی هم بحث برانگیز بوده نقل از تمامی صحابیان است اینجا نکته‌ای وجود دارد و اینکه اهل سنت قائل به عدالت تمامی اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند و لذا به قول آنها عمل می کنند و می گویند: «مثلُ اصحابی کالنجوم بأیِهم اِقْتَدَیْتُهم اِهْتَدَیْتم».

ص:۵۵



یعنی: مثال اصحاب و یاران مثال ستارگان است که به هرکدام اقتدا کنید هدایت شده‌اید. ولی شیعیان این را قبول ندارند و می گویند در میان صحابیان عده‌ای با هم به نزاع برخاستند و حتی یکدیگر را کشتند، پس نمی‌توان به همگی آنها اقتدا کرد ولذا باید به این نکته توجه داشت که هنگامی که صحابی سند حدیث را به پیامبر برساند و از نزد خود چیزی گوید این با رعایت اصول درایهٔ الحدیث نقل و یا عمل به آن خالی از اشکال است ولی آن هنگام که صحابی قول رسول‌اللّه را به خود نسبت دهد اینجا موضع شیعه دستور ائمه است که فرمود:

«خذوا ماروا وذروا ما رأی» یعنی آنچه روایت می‌کند را بگیرید و آنچه که رأی خود آنهاست از آن پرهیز کنید. این مسأله را هم اضافه کنیم که شافعیان هم قول و اجتهاد صحابیان را حجت نمی‌دانند، حتی خود شاگردان ابوحنیفه هم در هنگام استدلال با فقهای مدینه بر اینکه ما در فقه خود از علی علیه‌السلام بسیار نقل کرده ایم ولی شما در بسیاری از موارد اختلافی از ابن عمر و ابوهریره می گویید تأکید داشته‌اند و این را نقطه قوت فقه خود بر فقهای مدینه می‌دانند و لذا نمی‌توان در میان اهل سنت هم

قول به عدالت تمامی صحابیان را موضعی یکسان و قطعی دانست. §برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به کتاب الحجة علی اهل المدینة / تصحیح گیلانی و موسوعة فقه‌الامام علی بن ابیطالب، محمد رواس قلعه‌چی.§

ص:۵۶



خلاصه درس سوم

طبق روایات موجود در کتب درجه اول اهل سنت دوازده خلیفه که همگی از قریش هستند بر این امت حکومت خواهند کرد.

اکثر علما و شعرای مشهور اهل سنت به مدح و ابراز ارادت به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ۱۴ معصوم پرداخته‌اند.

در فرهنگ اسلامی و ایران‌زمین بویژه در حیاط مسجدالنبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ، مساجد ترکیه، جنوب ایران و . . . اسامی پنج تن ذکر شده.

فریقین با قبول شرایطی به نقل حدیث از هم می‌پردازند و در میان مذاهب اسلامی شاهد احادیث مشترکه بسیاری هستیم.

برخی از اهل سنت قائل به عدالت تمامی صحابه هستند ولی نمی‌توان به عدالت تمامی آنان قائل شد بلکه باید فقط به آنچه از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کنند اعتماد کرد و هرآنچه که نظر شخصی آنان است در سطح نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمی‌باشد.

ص:۵۷



نمونه سؤالات

۱ـ امامت ائمه دوازده گانه را با توجه به منابع اهل سنت بررسی کنید.

۲ـ عشق و ارادت به اهل بیت را در فرهنگ ایران‌زمین و سایر بلاد اسلامی بررسی کنید.

۳ـ در خصوص حدیث موثّق توضیح دهید.

۴ـ موضع شیعیان به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد نقل حدیث از صحابه چیست؟

۵ـ نظر شافعیان در مورد قول صحابی چیست؟

ص:۵۸



نمونه سؤالات تستی درس سوم

۱ـ کدام گزینه درست است:

الف ـ اهل بیت پیامبر مانند نقبای بنی‌اسرائیل ۱۲ تن هستند.

ب ـ اهل بیت پیامبر همان زنان پیامبر هستند.

ج ـ در میان امت اسلامی محمدابراهیم جوینی، سلمان قندوزی و فردوسی از اهل سنت به امامت ۱۲ تن از نسل فاطمه

علیهاالسلام و از قریش اعتقاد دارند

د ـ در کتاب ینابیع المودهٔ روایت ۱۲ خلیفه جزو اخبار آحاد آمده

۲ـ شیخ عطار نیشابوری در . . . . سرآغاز کتاب را با امام . . . . شروع کرده و حسن ختام آن را امام . . . . قرار داده.

الف ـ مصیبت‌نامه، کاظم علیه‌السلام ، جواد علیه‌السلام

ب ـ دیوان اشعار، علی علیه‌السلام ، مهدی علیه‌السلام

ج ـ غزلیات، صادق علیه‌السلام ، باقر علیه‌السلام

د ـ تذکرهٔالاولیاء، صادق علیه‌السلام ، باقر علیه‌السلام

۳ـ سبط ابن جوزی از پیشگامان . . . . در کتاب . . . . به مسأله ۱۲ امام اشاره کرده است.

الف ـ تقریب، امام حسین علیه‌السلام

ب ـ تسنن دوازده امامی، تذکرهٔ خواص الائمه

ج ـ وحدت، وسیلهٔالخادم الی المخدوم

د ـ فقه شافعی، الأُمّ

ص:۵۹



۴ـ حمدالله مستوفی . . . . و از نسل . . . . در دو کتابی . . . . و . . . . به ۱۲ امام پرداخته است.

الف ـ فیزیکدان، قریش، ظفرنامه و تاریخ گزیده

ب ـ محدِّث، ایوبیان، ظفرنامه و علوم حدیث

ج ـ مورخ و جغرافی‌دان، حربن یزید ریاحی، ظفرنامه و تاریخ گزیده

د ـ هیچکدام

۵ـ محراب مدرسه . . . . در عهد . . . . شاهد کاشی کاری با نام ۱۲ امام است.

الف ـ علمیه، غزنویان ب ـ امامی، سلجوقیان

ج ـ بابا قاسم، غزنویان د ـ امامی، فاطمیان

۶ـ صفت حج پیامبر به نقل از . . . . مورد قبول فریقین است.

الف ـ ابوایوب انصاری از علی علیه‌السلام

ب ـ جابربن عبدالله انصاری از امام باقر علیه‌السلام

ج ـ زراره از امام صادق علیه‌السلام

د ـ ابن هشام از امام رضا علیه‌السلام

ص:۶۰



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۶۱

↨

یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۶۲



درس چهارم مذاهب و جریانهای شیعی در طول زمان

اشاره

ص:۶۳



هدف از این درس:

ـ آشنایی با فقه مذاهب شیعه همچون زیدی و اسماعیلی و نیز آشنایی با عقاید اباضیه.

ـ آشنایی اجمالی با برخی از مکتوبات اصیل امامیه و نیز فقه شیعه از منظر دیگر متفکرین اسلامی.

ـ اصالت فقه امامیه.

ص:۶۴



درس چهارم

مذاهب و جریانهای شیعی در طول زمان

صرف نظر از علل و عوامل اصلی ایجاد فرق در جوامع بشری و ادیان جهان اعم از ادیان الهی و غیر آن چون هندویسم، بودیسم، و ... دراین فصل برآنیم تا به معرفی مذاهب و انشعابات اصلی شیعیان بپردازیم.

مقدمتا باید گفت که از اواخر قرن نخست هجری ما شاهد رشد و توسعه سه جریان فکری در جهان اسلام هستیم که عبارتند از:

۱ـ اصحاب حدیث در مدینه.

۲ـ اصحاب رأی و قیاس در عراق و کوفه که در مقابل تفکرات حدیثی و علمای مدینه قرار دارند.

۳ـ اهل بیت: که مدارس شیعیان خود به سه شاخه اصلی تقسیم می‌شود: فقه امامیه، زیدیه و اسماعیلیه.

ما در مورد مدارس مدینه و عراق در جای خود مفصل بحث خواهیم کرد. در این‌جا می‌پردازیم به مدارس و جریانات فکری شیعه.

۱ـ فقه امامی: منسوب به امام علی علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام و سایر ائمه علیهم‌السلام است.

اگر چه در دوران بعد از پیامبر و تا اواخر بنی‌امیه زمینه برای فقه شیعه مهیا نبود ولی از همان ابتدا ائمه میراث مکتوبی در زمینه مسائل فقهی از خود بجای گذاردند. کتاب (جامعه) علی که در آن علاوه بر احادیث رسول خدا به مسایل فقهی هم اشاره شده

ص:۶۵

↨

دلالت بر تقدم این فقه از صدر اسلام دارد.

در وصف این کتاب چنین آمده: این کتاب حاصل جلسات خصوصی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با علی علیه‌السلام است و به املاء پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خط علی علیه‌السلام است.

ولی پس از این دوران و پس از شهادت امام علی علیه‌السلام عرصه بر شیعیان تنگ شد و تا اواخر این سلسله زمینه‌ای برای گسترش فقه شیعه نبود. اما با فضایی که در اثر تضارب سلسله عباسی و اموی به وجود آمد امامان باقر علیه‌السلام و صادق علیه‌السلام زمینه را برای کار علمی مهیا دیدند و لذا به تبیین و بسط فقه شیعه پرداختند که به تربیت حدود چهار هزار شاگرد منجر شد.

افزون بر اینها شخصیت والای امام صادق علیه‌السلام نیز برای همه علما ارزشمند بود. مالك بزرگترین فقیه مدینه در میان عامه در توصیف امام صادق علیه‌السلام در سفر حج می گوید:

ندیدم حضرت را جز در یکی از این سه حال:

۱ـ صائم ۲ـ قائم باللیل ۳ـ مشغول به ذکر. §ابن تیمیه، التوسل والوسیله، ص ۵۲، به نقل از حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ص ۳۲۷. و یا به این طریق که: ۱ـ مصلیا ۲ـ صائما ۳ـ یقرا القرآن.§

این روند ادامه داشت و فقه امامی توسط اساتیدی چون کلینی، شیخ طوسی و مفید به صورت مدون و باب‌بندی شده در کتاب‌های فقهی گردآوری شد و این به ثبت آکادمیك فقه شیعه کمك کرد.

در عهد سلجوقی و ایوبی به شیعه و تألیفاتش آسیب‌ها و صدمات زیادی وارد آمد. سلجوقیان که در سه بخش شام، روم و

ایران قلمرو خود را گسترش دادند در ایران بر روی مذهب حنفی تعصب خاصی ورزیدند و لذا این قضیه مشکلات زیادی را بویژه در بغداد و محله کرخ آن بوجود آورد. ایوبیان نیز به ریشه‌کنی فاطمیان و قتل عام بسیاری از مردم در مصر پرداختند. §برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به شیعیان بغداد، محمدطاهر یعقوبی و تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران، پروین ترکمنی آذر.§

ص:۶۶



ولی در عین حال فقه شیعه تا به حال باقی مانده است و لازم است تا در زمینه اصالت فقه شیعه به نظرات مختلفی اشاره کرد:

دکتر عبدالهادی فضلی از علمای شیعه در عربستان می‌گوید: حیات ائمه در امتداد حیات رسول خداست که از مصادر تشریع محسوب می‌شوند و این یعنی روایت از پیامبر و خدا. شیخ طوسی در زمینه علم امامان اشاره‌ای جالب دارد: علم امام به احکام از ناحیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. §منظور این است که اهل بیت علیهم‌السلام به سیره جدشان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استنان داشته‌اند بطور مثال بکیربن اعین از ابوجعفر باقر علیه

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «هرچه را به شما می‌گویم از جانب پیامبرست و از جانب خود نمی‌گویم». §برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به معالم المدرستین، مرحوم علامه عسگری و نیز بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۹ به نقل از کشی.§

از مجموع سخنان بالا به این جمع‌بندی می‌رسیم که در فقه شیعه اصالت چه از ناحیه صدور آن ازپیامبر و معصومین و چه در نحوه انتقال آن، مصونیتی خاص وجود دارد بدین معنی که تا امروز ضامن بقا و حرکت آن بوده است و لذا در بستر زمان شاهد رشد و نمو این مکتب بوده‌ایم.

در زمان حیات خود معصومین نیز کتابهایی تألیف شده که علاوه بر کتاب جامعه علی که املاء رسول و خط علی علیه‌السلام است کتاب مسائل علی‌بن جعفر علیه‌السلام نیز به عنوان نخستین کتاب فقه شیعه به شمار می‌رود. کتاب دیگری که باید به آن اشاره کرد و جزو نخستین کتب فقه شیعه است الشرایع شیخ صدوق پدر می‌باشد. §کتاب مسائل علی‌بن جعفر، شامل مجموعه سؤالات و پاسخ‌هایی است که علی‌بن جعفر علیه‌السلام از برادر بزرگ خویش امام موسی کاظم علیه‌السلام نقل کرده به همراه

ص:۶۷



به هر روی ما در اینجا سخن خود را با کلامی از دو متفکر متقدم و متأخر اهل سنت به پایان می‌رسانیم.

ابن خلدون در مقدمه خود می‌گوید: فقه اهل سنت در مصر منقرض شد و با پیدایش دولت شیعه فاطمی فقه اهل بیت در جهان اسلام حرف نخست را می‌زد و همچنان گسترش داشت حتی زمانی که دولت فاطمی هم از بین رفت در عراق و... گسترش داشت. دکتر بدران ابوالعینین (دارای درجه جهانی استادی در شریعت اسلامی) می‌گوید: مذاهب شیعه امامی و زیدی در گذشته توسعه زیادی داشتند که به عنوان نمونه می‌توان به فاطمیان در مغرب اشاره کرد. §برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به الفقه المقارن للاحوال الشخصیهٔ بین المذاهب الاربعهٔ السنیهٔ والمذهب الجعفری والقانون، بدران ابوالعینین.§

۲ـ زیدی: این مذهب منسوب به زیدبن علی‌بن زین العابدین علیه‌السلام می‌باشد این مذهب نخست در کوفه نشو و نمو یافته و سپس به یمن منتقل شد.

از جمله اصول مهم این مذهب عبارتند از ایمان به کتاب (قرآن) سنت، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با ظالمین. در مورد تاریخچه این مذهب و علت قیام و شهادت زید آنچه مهم است این است که زید علت قیام خود علیه حکومت وقت را

امر به معروف و نهی از منکر می‌دانست ولی ادعای امامت نداشت و قصد نداشت تا مذهبی برای خود تشکیل دهد و این افراد بعد از او بودند که این مذهب را منتسب به او کردند و نکته دیگر اینکه ابوحنیفه با زید بیعت کرد و نظر زید راجع به خلفا این است که علی علیه‌السلام افضل صحابه بود ولی به خاطر مصالح مسلمین خلافت به ابوبکر تفویض گردیده است.

از جمله مشترکات فقه زیدی و امامی در موارد زیر است:

ص:۶۸



۱ـ خمس ۲ـ ذکر حی علی خیرالعمل در اذان ۳ـ تکبیر برای جنازه ۴ـ عدم مسح بر خُفّین ۵ـ بدعت بودن نماز تراویح ۶ـ جایز نبودن تزویج با اهل کتاب و خوردن ذبیحه غیر مسلمان ۷ـ قایل بودن به اجتهاد مجتهد ۸ـ اولی بودن تقلید از اهل بیت ۹ـ وجوب خروج بر حاکم ظالم و قیام به سیف.

زیدیه تا کنون ۱۴۴ امام داشته که از مهمترین آنها می‌توان به:

احمدبن عیسی بن زید، الناصر الکبیر، الهادی یحیی بن الحسین و امام الناصر اشاره کرد. از کتب مهم زیدیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

البحرالزاحر، احمدبن یحیی (متوفی ۸۴۰ ه . ق) الجامع لمذاهب العلماء الامصار نوشته امام احمدبن یحیی (متوفی ۸۴۰ ه . ق) ، مجموع امام زید.

از مهمترین فرق زیدیه می‌توان به جارودیه و سلیمانیه اشاره کرد.

۳ـ اسماعیلیه: اسماعیل فرزند ارشد امام جعفر صادق علیه‌السلام است که در زمان خود امام صادق علیه‌السلام رحلت کرده. اختلاف شیعه و اسماعیلیه هم از همین‌جا شروع می‌شود زیرا آنان قایل به امامت فرزند ارشد امام صادق علیه‌السلام اند. گفته شده که اسماعیل بعد از رحلتش در مصر ظاهر شده و مجددا ظهور خواهد کرد.

خلفای فاطمی مصر پیرو این مذهب بوده‌اند که این حکومت از سال ۹۰۹ الی قرن ۱۲ هجری به طول انجامیده و لذا شاهد تأثیرات زیاد این مذهب در جهان اسلام هستیم که نمونه آن دعوت مبلغین این مذهب در زمان خود و جذب شخصیتی چون ناصر خسرو قبادیانی و یا تشکیل قلعه الموت حسن صباح در قزوین و ترور شخصیتهای مهم آن زمان چون خواجه نظام‌الملک هستیم.

از دیگر اقدامات اینان تأسیس دانشگاه الازهر مصر بدست المعزبالدین اللّه قاضی‌القضات قاهره مصر است.

محور عقاید فاطمیون:

۱ـ ذات الهی ۲ـ تقدیس امام و اینکه وجود امام امری ضروری است. ۳ـ قایل بودن به ظاهر و باطن مسایل دینی یعنی یک شخص باطنی مذهب، باید هم به ظاهر و هم به باطن

ص:۶۹



دین ایمان داشته باشد. در تفاسیر قرآنی اسماعیلیان شاهد تاویل آیات قرآن و نیز آمیخته شدن تفاسیر با فلسفه افلاطون هستیم.

در زمینه علمای اسماعیلیه فقهای مشهوری را جز معدودی نمی‌توان ذکر کرد مانند: قاضی نعمان مغربی متوفی ۳۶۳ / صاحب کتاب دعائم الاسلام.

ریاست فعلی شاخه‌ای از اسماعیلیان بدست آقاخان می‌باشد که یک دهم اموال را به وی می‌دهند و حدود ۸ تا ۱۲ میلیون

اسماعیلی در سراسر دنیا وجود دارند که به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌شوند. اسماعیلیان شرقی بیشتر در هند و پاکستان و غربی در جنوب عربستان، آفریقای شرقی و کوههای لاذقیه سوریه زندگی می کنند.

پس از حمله صلاح‌الدین ایوبی به مصر وی با شدت به مبارزه با فاطمیون پرداخت و ارتباط این مذهب با مصر به کلی قطع شد و لذا جمعیت اینان رو به کاهش نهاد که در حال حاضر شاهد انشعابات زیر در بین اسماعیلیان هستیم:

الف ـ مستعلیه یا بُهَرِه‌ها: بُهَرِه‌ها دارای جمعیت زیادی می‌باشند و بیشتر در هند و شرق آفریقا و بویژه شهر گجرات مستقر هستند و به دو شاخه داوودی و سلیمانی تقسیم می‌شوند.

ب ـ نزاری یا آقاخانیان: که در بالا اشاره کوتاهی به آن شد.

اینان نخست در ایران توسط حسن صباح در قلعه الموت دست به فعالیت گسترده زدند و پس از حمله مغول قلع و قمع شدند و سپس در سال ۱۲۵۵ ه . ق آقاخان محلاتی در ناحیه کرمان علیه محمدشاه قاجار قیام کرد و شکست خورد. به بمبئی گریخت و در آنجا دست به تبلیغ زد که پس از آن به آقاخانیه مشهور شدند. §ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، ص ۹۶.§

ج ـ دروزیه: در لبنان و سوریه حضور دارند. طبق آمار سال ۱۹۵۶ تعداد آنها در لبنان ۸۸۱۰۰ نفر و طبق آمار ۱۹۴۷ در سوریه تعداد آنها در حدود ۹۶۶۴۱ نفر می‌باشد. از معروف‌ترین بزرگان این مذهب سید جمال‌الدین عبداللّه تنوفی (۸۸۴ م) است که قبر وی

ص:۷۰



در لبنان از سوی دروزیان زیارت می‌شود.

از جمله اعتقادات اینان می‌توان به: تناسخ ارواح و سرّ مکتوم §نوری که از پشوایی به پیشوای بعدی منتقل می‌شود.§اشاره کرد. ورود یا خروج از فرقه خود را نمی‌پذیرد و در لبنان برای خود دارای محاکم خاص هستند.

۴ـ نُصَیریه (علویان) : اینان در لاذقیه و سه استان دیگر سوریه سکونت دارند، تعدادشان در حدود دو میلیون نفرست و خود نصیر از موالی امام یازدهم بوده. به این فرقه علویان هم می گویند. §در مورد نصیریان در منابع تاریخی گزارشهای ضد و نقیضی داده شده و حتی برخی اینان را جزو غلاة می‌دانند که قائل به الوهیت امام علی علیه‌السلام هستند و اینکه سلمان فارسی فرستاده حضرت است. ولی خود نصیریان تمام این اتهامات را رد می کنند و خود را دسته‌ای از شیعیان دوازده امامی می‌دانند از جمله یکی از متفکرین معاصر این مذهب بنام (شیخ علی عزیز ابراهیم) که با آیت‌اللّه سید محسن امین و امام موسی صدر دیدار داشته و کتابی در این خصوص بنام (العلویون بین الغلو و الفلسفة و التصوف و التشیع) را چاپ کرده است.§

در انتهای این بحث نیز به معرفی یک مذهب دیگر می‌پردازیم که البته جزو جریان‌های شیعی نیست ولی مزید اطلاع خوانندگان محترم آورده می‌شود:

۵ـ اباضیه: منسوب به جابربن زید متوفی ۹۳ ه . ق از علمای تابعین و شاگرد مکتب فقهی ابن عباس است.

از جمله اعتقادات اینان: ۱ـ عینیت ذات و صفات الهی ۲ـ عدم رؤیت خدا ۳ـ عدم جواز مسح بر خفین ۴ـ انداختن دست به هنگام نماز ۵ـ ابعد الاجلین برای عده حاملگی §یعنی هریک از عده طلاق و وفات که مدتش بیشتر بود باید به آن عمل کرد.§۶ـ تبری جویی از غلاة خوارج ۷ـ تقدم نظر علی علیه‌السلام بر دیگر اصحاب می‌باشد.

به لحاظ پراکندگی جغرافیایی در کشورهای عمان، لیبی و تونس مستقر می‌باشند که به تازگی ملاقاتی بین خلیلی مفتی اعظم

کشور عمان و اینجانب صورت گرفته است و ایشان خاطرنشان ساختند که فرقه اباضیه از سوی مجمع جهانی تقریب به رسمیت شناخته شده

ص:۷۱



و در فقه اباضی نظر علی علیه‌السلام بر سایر اصحاب مقدم است.

از جمله کتاب‌های این فرقه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ـ النیل و شفاءالعلیل / ضیاءالدین عبدالعزیز ابن ابراهیم الثمیمی (متوفی ۱۲۲۳ ه . ق) ، شارح: شیخ محمدبن یوسف الطفیش (متوفی ۱۳۳۲ ه . ق) در ۱۷ جلد، که بعنوان کتاب فقهی این مذهب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲ـ المصنف / شیخ احمد بن کندی.

۳ـ الأیضاح عامربن علی شمّاخی.

۴ـ جوهر النظام فی عامی الادیان و الاحکام ابومحمد عبداللّه ابن حمید السالمی (۱۹۱۴-۱۸۷۱) . فقه اباضیه بصورت شعر.

۵ـ الجامع / ابن برکت در دو جزء.

۶ـ قاموس الشریعهٔ الحاوی طرقها، جمیل بن خمیس السعدی (قرن ۱۱) .

ص:۷۲



خلاصه درس چهارم

مذاهب شیعی به جریانهای اصلی امامیه یا دوازده امامی، اسماعیلی و زیدی تقسیم می‌شوند که ما در مذهب اسماعیلی شاهد تقسیم‌بندیهای خاصی هستیم که در حال حاضر مذاهب آقاخانی، بُهَره و دروزی را می‌توان برشمرد.

در میان مذاهب شیعی شاهد مشترکات بسیار زیادی هستیم، فقه اسماعیلی منسوب به فرزند ارشد امام صادق علیه‌السلام است، خلفای فاطمی مصر پیرو مذهب اسماعیلی بودند و فقه زیدی منسوب به زیدبن علی‌بن زین‌العابدین علیه‌السلام است که علیه حکومت وقت قیام کرد و شهید شد.

ص:۷۳



نمونه سؤالات

۱ـ سه جریان عمده فکری جهان اسلام در اواخر قرن نخست را نام ببرید.

۲ـ در مورد کتاب جامعه امام علی علیه‌السلام توضیح دهید.

۳ـ در مورد اصول اعتقادی زیدیان توضیح دهید.

۴ـ محور عقاید فاطمیون را نام ببرید.

۵ـ در خصوص پراکندگی جغرافیایی فاطمیون توضیح دهید.

۶ـ فقه اباضیه منسوب به کیست؟ چهار مورد از عقاید ایشان را ذکر کنید.

ص:۷۴



نمونه سؤالات تستی درس چهارم

۱ـ کتاب جامعه به املاء . . . . و به خط . . . . است.

الف) علی علیه‌السلام ، امام حسین علیه‌السلام

ب) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ، زیدبن ثابت

ج) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ، علی علیه‌السلام

د) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ، گروهی از اصحاب

۲ـ فقه امامی توسط اساتیدی چون . . . . به صورت باب‌بندی شده درآمد.

الف) هشام، زراره، ابوبصیر

ب) شیخ کلینی، طوسی، مجلسی

ج) شیخ کلینی، طبرسی، حر عاملی

د) شیخ کلینی، طوسی، مفید

۳ـ در عهد . . . . و . . . . به تألیفات شیعی صدمات زیادی وارد آمد.

الف) سلجوقی و ایوبی ب) مغول و سلجوقی

ج) اسماعیلیان و غزنویان د) ایوبی و فاطمی

۴ـ زیدبن علی علت قیام خود را چه می‌دانست:

الف) گرفتن حق و حقوق قانونی خود

ب) امر به معروف و نهی از منکر

ج) تقسیم عادلانه بیت‌المال

د) خروج علیه حاکم ظالم

ص:۷۵



۵ـ از جمله مشترکات فقه زیدی و امامی عبارت است از:

الف) خمس، ذکر حی علی خیر العمل، تکبیر برای جنازه

ب) عدم مسح بر خفین، بدعت بودن نماز تراویح

ج) وجوب خروج بر حاکم ظالم، اطاعت از فقه امام صادق علیه‌السلام

د) موارد الف و ب

۶ـ اسماعیل فرزند . . . . است که . . . . رحلت نمود.

الف) امام باقر علیه‌السلام ، در زمان امام کاظم علیه‌السلام

ب) امام صادق علیه‌السلام ، پس از پدر رحلت نمود

ج) ارشد امام صادق علیه‌السلام ، پس از پدر رحلت نمود

د) ارشد امام صادق علیه‌السلام ، قبل از پدر رحلت نمود

۷ـ دانشگاه . . . . در زمان . . . . به دست . . . . تأسیس شد.

الف) جامع بغداد، عباسیان، المعز بالدین اللّه

ب) الازهر مصر، فاطمیان، خواجه نظام‌الملک

ج) الازهر مصر، فاطمیان، قاضی‌القضات قاهره

د) الازهر مصر، اسماعیلیان، خواجه نصیر طوسی

۸ـ در تفاسیر اسماعیلی . . . . و . . . . به هم آمیخته شده.

الف) حدیث و تاریخ

ب) فلسفه اسلامی و افلاطونی

ج) فلسفه تحلیلی و تجربی

د) تأویل آیات قرآن و تفسیر

۹ـ از جمله علمای اسماعیلی . . . . صاحب کتاب . . . . است.

الف) حسن صباح، قلعه الموت

ب) نعمان مغربی، دعائم التاویل

ج) قاضی نعمان، دعائم الاسلام

د) آقاخان، الموطا

ص:۷۶



۱۰ـ در حال حاضر اسماعیلیان به شاخه‌های زیر تقسیم می‌شوند:

الف) مستعلیه، بُهَرِه، نزاریه و دروزیه

ب) داوودی، سلیمانی، نصیریه، جارودیه

ج) نزاری، آقاخانی، اباضیه

د) بهره، داووی و سلیمانی، آقاخانیه

۱۱ـ مذهب رسمی کشور عمان کدام است؟

الف) دروزیه

ب) نصیریه

ج) اباضی

د) فاطمی

ص:۷۷



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۷۸

↨

یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۸۰



درس پنجم مذاهب اهل سنت

اشاره

ص:۸۱



هدف از این درس:

ـ آشنایی با مذاهب چهارگانه اهل سنت، مؤسسین آن

ـ آشنایی با کتابهای مهم این مذاهب

ـ آشنایی با شخصیت‌ها و متفکرین اصلی این مذاهب

ـ اطلاعاتی پیرامون علاقه رؤسای مذاهب فقهی عامه به اهل بیت علیهم‌السلام

ص:۸۲



درس پنجم

مذاهب اهل سنت

همانطور که قبلاً گفته شد در صدر اسلام دو مدرسه کوفه و مدینه پدید آمد که باهم رقابت سازنده داشتند که موجب رشد و ترقی فقه در جهان اسلام بود. با مهاجرت حضرت امیر علیه‌السلام از مدینه به کوفه در حدود ۱۵۰ صحابی با آن حضرت به

کوفه آمدنـد (قبلاً هم عبـداللّه بن مسـعود در آنجا بود) و احادیث فراوانی را از مـدینه به کوفه آوردنـد. در این شـهر حضـرت شاگردان زیادی را پرورش دادند از جمله:

۱ـ علقمه نخعی ۲ـ مسروق همدانی (متوفی ۶۳) ۳ـ اسود نخعی (متوفی ۹۵) ۴ـ حارث جحفی ۵ـ عبیدهٔ سلمانی (متوفی ۷۲) ۶ـ شریح قاضی (م ۷۸ ه) §در مورد اینکه شـریح از صـحابه بوده یـا تابعین میان مورخین اختلاف نظرست. بطور خلاصه می توان گفت وی جزء بزرگان تابعینی بوده که محضـر امام علی علیه‌السلام ، عُمر، زیدبن ثابت و عبداللّه‌بن مسعود را درک کرده و از آنان علوم مختلف بویژه حـدیث را فراگرفته.§از این شاگردان حضـرت امیر طبقه سومی پدیـد آمد من جمله: ۱ـ ابراهیم نخعی (۹۵ هجری) ۲ـ عامر شعبی (۱۰۴ هجری) ۳ـ سعیدبن جبیر (۹۵ هجری) .

بعد از این مرحله طبقه چهارم که شاگردان اینها بودند پدید آمدند:

۱ـ ابو حنیفه (متوفی ۱۵۰ هجری)

۲ـ سفیان ثوری (متوفی ۱۶۱ هجری)

از شاگردان ابوحنیفه نسل دیگری پدید آمد که از جمله آنهایند:

۱-

ص:۸۳



۱ـ ابویوسف (متوفی ۱۸۳ هجری)

۲ـ محمدبن حسن شیبانی (متوفی ۱۸۹ هجری)

۳ـ ابن جراح

۴ـ اسماعیل بُحتری

۵ـ عبدالوهاب ثقفی

اینان کسانی هستند که در مراحل مختلف فقه کوفی را تشکیل می‌دهند.

به هر روی آنچه تا کنون باقی مانده فقه حنفی است و فقه سفیان ثوری در حال حاضر پیروانی ندارد.

۱ـ فقه حنفی:

منسوب به ابوحنیفه (۱۵۰-۸۰ ه . ق) .

نعمـان بن ثـابت بن کـاوس منسوب به قبیله تمیم. وی سرسلسـله یکی از مـذاهب اربعه است. اصـل او از فـارس است. در کوفه برای تحصـیل آمـده و در کنـار آن بـه خریـد و فروش خز می‌پرداختـه. وی صـاحب مسـندی اسـت و کتـاب مخـارج در فقه و رساله‌ای که به وی منسوب است با موضوع اعتقادی بنام الفقه الاکبر و رساله دیگری بنام العالم و المتعلِّم.

وی بـا علمـای کوفه مجـالست داشـته و از آنـان فقه آموخت. از حمـادبن ابی سـلیمان هجـده سـال درس آموخته که او شاگرد ابراهیم نخعی §متـوفی ۹۶ ه . ق§و شـعبی است و ابراهیم نخعی فقه را از شـریح قاضـی، علقمه و مسـروق بن اجـدع گرفته که آنان نیز معلوماتشان را از حضرت علی علیه‌السلام و ابن مسعود گرفته‌اند.

دهلوی §حجهٔ‌اللّه البالغهٔ، احمد عبدالرحیم دهلوی، ج ۱، ص ۱۴۶ به نقـل از موسـوعه فقه ابراهیم حنفی.§مقـایسه‌ای بین فقه ابوحنیفه و ابراهیم نخعی کرده که در این مقارنه معلوم شـده ابوحنیفه صـدی هشـتاد فقهش مأخوذ از ابراهیم نخعی است. گفته

شـده در زمان خلفای عباسـی منصور او را به بغداد فراخواند و خواست که قاضـی القضات شود و او نپذیرفت و چون فکر کرد که این به خاطر قبول نداشتن خلافت وی است دستور داد تا

ص:۸۴



روزی ۱۰ تازیانه به او بزنند تا جایی که وی مشرف به مرگ شد.

دکتر محمـدعلی البار نوشـته §الامام زیـد، حیاته و عصـر، محمد ابوزهره، قاهره، دارالفکر العربی، ص ۳۸.§: ابوحنیفه بیش از همه اهل بیت رسول‌اللّه را دوست می‌داشت و در محضـر امام باقر علیه‌السـلام و زیدبن علی علیه‌السـلام شاگردی کرده و مؤید قیام زیدبن علی علیه‌السلام بوده است.

شیخ محمد ابوزهره می‌گوید: ابوحنیفه علاقه فراوانی به اهل بیت داشـته و خلافت را منحصـر در اولاد علی علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسـلام می‌دانسـته و خلفای معاصر خود را غاصبین امر خلافت می‌دانسته وقتی ابویوسف و شیبانی جای استاد خود را قرار گرفتنـد این دو یـک عمـل تقریبی انجـام دادنـد و آمدنـد از کوفه به مـدینه مهـاجرت کردنـد و پـای درس مخالفین فقه حنفی نشسـتند و پس از آشـنایی بـا مبـانی فقه آنان و اسـتفاده از مالک با آنها گفتگو کردنـد و بسـیاری از سوء تفاهمات را بر طرف کردند.

وقتی شـاگرد ابوحنیفه، شـیبانی به کوفه برگشت تمام مسایل مورد اشـکال مـدنیان را در کتابی بنام «الحجـهٔ علی اهل المـدینه» پاسخ داد و گفت که شـما در این مسایل از فقه ابن‌عمر و ابوهریره اسـتفاده کردید و ما از فقه ابن مسعود و علی علیه‌السلام که از مقدمین اصـحاب‌اند، شـما از خلیفه اول، دوم و سوم گرفتید و ما از علی علیه‌السـلام که سه خلیفه قبلی هم مشکلاتشان را از وی می‌پرسـیدند. بنـابراین کتـاب (الحجه شـیبانی) نخستین کتـاب تقریبی توأم با ادب اختلاف است. §تاریـخ الفقه الاسـلامی، محمـدعلی السایس، ص ۱۰۷، مکه، مکتبه احیـاء الـتراث الاسـلامی، بی‌تـا، رواس قلعه‌جی، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۹، مصر، مطالع الهیئهٔ، ۱۳۳۹.§

در این کتـاب از روایـات امـام بـاقر و صادق علیهم‌السـلام بسـیار اسـتفاده شـده و سـند برخی از فتاوای ابو حنیفه به این دو امام برمی‌گردد.

استاد اسد حیدر آمده و شیوخ ابوحنیفه را شمرده و گفته که برخی از آنها شیعه بوده‌اند مثل:

۱) جابربن یزیدبن حارث جحفی کوفی (متوفی ۱۲۸ ه . ق) .

ص:۸۵



۲) حبیب بن ابی ثابت ابو یحیی بن قیس کوفی (متوفی ۱۱۹ ه . ق) .

۳) فخول بن راشد نحوی (متوفی ۱۴۱ ه . ق) .

۴) اسماعیل بن عبد الرحمان کوفی (متوفی ۱۲۷ ه . ق) .

۵) عدی بن ثابت انصاری (متوفی ۱۱۶ ه . ق) .

۶) شیخ اجلح کندی (متوفی ۱۴۵ ه . ق)

برخی از علمـا مثل شیخ محمـد عبـده در تفسیر آیه «و لا ینال عهـدی الظالمین» بیان می‌کنـد که ابوحنیفه اعتقاد داشت امامت مخصوص علویان است. §تفسیر القرآن الکریم، رشید رضا، ج ۱، ص ۸-۴۵۷.§

بیشترین پیروان در میان مـذاهب اربعه مربوط به حنفیان است و مذهب غالب عراق در دوران عثمانی بوده. و در مصـر، سوریه، پاکسـتان، ترکسـتان و آسـیای میانه، چین، آمریکای جنوبی و بلوچسـتان و ترکمن صحرا و قسمتی از خراسان ایران پیرو مکتب حنفی هستند. پس از قرآن و حدیث توصیه زیادی بر قیاس، عرف و شرع مَنْ قبلنا دارند.

مشهورترین شاگردان ابوحنیفه عبارتند از:

۱ـ ابویوسف که قاضی‌القاضات بوده ونخستین کسی بود که روحانیان را به لباس مخصوص مزین کرد.

۲ـ محمدبن حسن شیبانی (متوفی ۱۸۹ ه . ق) در زمان ابویوسف ریاست فقه را برعهده داشته است.

۳ـ ابوهُذیل (متوفی ۱۵۸ ه . ق) : در مذهب او رأی و قیاس غلبه دارد.

۴ـ حسن‌بن زیاد: وی به روایت بیشتر اهمیت داده است.

لازم به ذکرست که بسـیاری از فتاوای ابوحنیفه توسط ابویوسف و شـیبانی تغییر کرده و علمای مـدینه شـیبانی را جزو اصـحاب الحدیث برشمرده‌اند.

مهمترین کتاب‌های حنفیان عبارتند از:

ص:۸۶



۱ـ ظاهرالروایه / شـیبانی §ابی عبداللّه محمدبن الحسن الشیبانی.§، الجامع الکبیر والصغیر ـ السیر الکبیر و الصغیر. ۲ـ المبسوط / سرخسی م ۴۸۳/ ۳ـ الأصل ۴ـ الزیادات ۵ـ النوادر / محمدبن حسن شیبانی ۶ـ الکافی / حاکم شهید مرزوی ۷ـ بدایع الصنایع فی ترتیب الشـرایع / کاشانی م ۵۱۱۷ ه . ق ۸ـ مختصـر الهدایه / مرغینانی م ۵۹۳ (مشـهورترین و مختصرترین کتاب فقه حنفی) ۹ـ شرح ابن عابـدین و مجله الاحکـام العدلیـهٔ که در زمـان عثمـانی بعنوان کتاب قانون درتمام مناطق تحت سـلطه عثمانیان پخش می‌شد.

۲ـ مذهب مالکی:

منسـوب بـه مالـک بن انس (۹۳-۱۷۹ ه . ق) اسـت. وی از فقـه امـام صـادق، زهری و ربیعـهٔ الرای اسـتفاده کرده. §ضـمیری، محمـدرضا، جسـتاری در انـدیشه فقهی مـذاهب، ص ۲۷۲، از: گلسـتان معرفت، تابسـتان ۸۴.§هرگـاه از او سؤالی و مسأله‌ای می‌پرسیدند و نمی‌دانست هیچ عیبی برای خود نمی‌دید که بگوید: نمی‌دانم.

منابع فقه وی: قرآن، سنت، اجماع، قیاس، قول صحابی، استحسان، استصلاح، سد ذرایع و عمل اهل مدینه می‌باشد.

مالک فردی بود با هیبت و وقتی هارون‌الرشـید به مـدینه آمـد گفت: هارون بایـد پیش اهل علم بیاید و عالمان به نزد سـلاطین نمی‌رونـد. وی قیام محمد نفس زکیه را تأیید کرد. وی بیعت با منصور عباسـی را مکروه و ساقط از اعتبار می‌دانست. مالک را توسط حکومت تازیانه زدند و این وسیله‌ای شد تا مالک در نزد مردم محبوب شود. §الفهرست، ابن ندیم.§

از جمله کتابهـای مالک: ۱ـ موطأ ۲ـ تفسـیر غریب‌القرآن ۳ـ رسـاله‌هـای منسوب به او را می‌توان برشـمرد. مالـک الموطأ را به ترتیب ابواب فقهی نوشته که درآن روایاتی از امام سجاد و باقر علیهماالسلام به چشم می‌خورد.

گفته شده از مالک خواسـتند تا موطأ را تکثیر کنند و در سراسر جهان اسلام پخش کنند تا همه از کتاب او استفاده نمایند ولی مالک اجازه نداد و گفت: در سراسر جهان اسلام

ص:۸۷

↕

اصحاب پراکنده شده‌اند و مسلمانان طبق نظر اصحاب عمل کرده‌اند و اگر اکنون بخواهند طبق نظر وی عمل کنند این خود موجب اختلاف خواهد شد.

مالک دارای پانزده شاگرد بود که این شاگردان در سرزمین‌های قاره آفریقا منتشر شدند و مذهب مالکی را در آفریقا شیوع دادند از جمله شاگردان وی می‌توان به این اشخاص اشاره کرد: ۱ـ ابو عبدالرحمان قاسم مصری (متوفی ۱۹۱ ه . ق / صاحب کتاب المدونهٔ است که این نخستین کتاب مالکیان است. ۲ـ ابومحمد عبداللّه بن وهب (متوفی ۱۹۹ ه . ق) و ۳ـ اشهب بن عبد العزیز قیسی وی مذهب مالکی را در مصر شیوع داد (م ۲۰۴) و ۴ـ ابو عبداللّه بن عبد الحکم (متوفی ۲۱۴ ه . ق) و ۵ـ سهنون عبدالسلام بن تنوهی.

مذهب مالکی در مدینه، مغرب، حجاز و آندلس منتشر شد. مصریان در زمان حیات خود مالک پذیرای این مذهب شد.

۳ـ شافعی:

منسوب به محمد بن ادریس شافعی است متولد (سال ۱۵۰ ه . ق در غزه همزمان با رحلت ابوحنیفه) . مادرش وی را به وطن پدری ایشان در مکه می‌برد و در حالی که یتیم بوده قرآن را حفظ می‌کند و در مدینه از درس مالک در حدود نُه سال استفاده کرده و جزو شاگردان وی بشمار رود. وقتی مالک در سال ۱۷۹ ه . ق فوت می‌کند شافعی به یمن رفته و در آنجا از فقهای شیعه زیدی استفاده می‌کنند و لذا در آنجا می‌گویند که شیعه شده و خود در شعری می‌گوید:

لو کان حُبّ آل محمد رافضا

فاعلموا ایها الثقلان انا رافضی

بعلت حمایت‌هایی که وی از شیعیان می‌کرد وی و گروهی را دستگیر می‌کنند و نزد هارون‌الرشید می‌برند و چیزی نمانده بود که در این راه جان خود را از دست بدهد.

سپس در بغداد چند سالی نزد محمد شیبانی مانده و از درس او استفاده می‌کند و بنابراین هم با مکتب فقه اصحاب الحدیث آشنا می‌شود و هم با مکتب فقهی اصحاب الرای و هم با مذهب شیعه زیدی و در واقع فقه شافعی یک فقه میانه و معتدل بین این مکاتب است و لذا علت نزدیکی فقه شافعی به شیعه از اینجا ناشی می‌شود. شافعی به حضرت علی علیه‌السلام علاقه زیادی داشت و هنگامی که شخصی سائل نزد وی آمد و از

↕

ایشان در خصوص مسأله‌ای فقهی پرسید، شخص سائل گفت: نظر شما برخلاف سخن امام علی علیه‌السلام است. شافعی در جواب گفت: اگر ثابت کنید اینطورست من پیشانی را بر خاک می‌سایم و از نظر خود برمی‌گردم و عذرخواهی می‌کنم.

وی در کتاب فقهی خود در بخش احکام البُغات تماما از سنت علی علیه‌السلام اخذ نموده و لذا بعضی گفتند این نشانه‌ایست که شافعی شیعه است و در این زمینه احمد بن حنبل از استاد خود دفاع می‌کند.

اصول و مبانی فقه شافعی عبارتند از :

۱ـ قرآن ۲ـ سنت ۳ـ قیاس ۴ـ استصحاب ۵ـ او قول اصحاب را حجت نمی‌داند همچنان که است استحسان و مصالح مرسله، عمل اهل مدینه و شرع مَن قبلنا را حجت نمی‌داند.

پیروان این مذهب در مصر، اردن، عراق، یمن، چین، اندونزی، سیلان، جزایر فیلیپین، جاوه، هند، پاکستان، کردستان ایران و دیگر مناطق وجود دارند.

مردم عربستان در زمان شرفاء زیدی مذهب بودند و سپس برای حفظ موقعیت خودشان شافعی شدند.

مشهورترین شاگردان امام شافعی عبارتند از:

۱) یوسف‌بن یعقوب (متوفی ۲۳۱ ه . ق) که توسط شافعی جانشین وی در مصر شد.

۲) اسماعیل بن یحیی مُزنی (متوفی ۲۶۴ ه . ق) .

۳) الربیع بن سلیمان (متوفی ۲۷۰ ه . ق) .

۴) هرملهٔ بن یحیی (متوفی ۲۶۶ ه . ق) .

۵) ابوثور ابراهیم خالد بن کلبی (متوفی ۲۴۰ ه . ق) .

مشهورترین کتب این فرقه عبارتند از:

۱. الاُمّ / امام شافعی در موضوع فقه.

۲. مختصر مُزنی (مختصر الام) .

۳. فتح العزیز.

ص:۸۹

↕

۴. العزیز شرح الوجیز معروف به شرح کبیر / عبدالکریم‌بن محمدبن عبدالکریم بن فضل رافعی (م ۶۲۳) .

۵. روضهٔ الطالبین / النووی الدمشقی (متوفی ۶۷۶ ه . ق) .

۶. المهذب فی فقه الامام الشافعی / ابواسحاق شیرازی (م ۴۷۶ ه) .

۷. الحاوی الکبیر / فی فقه مذهب الامام الشافعی / علی‌بن محمدبن حبیب ماوردی بصری (م ۴۵۰ ه . ق) .

۸. المجموع شرح المهذب / یحیی بن شرف نووی (م ۶۷۶) .

۹. منهاج الطالبین / النَوَوی الدمشقی.

۱۰. نهایهٔ المهتاج الی شرح المنهاج / شمس‌الدین محمد مشهور به شافعی صغیر (م ۱۰۰۴) .

۱۱. تحفهٔ المحتاج بشر المنهاج / شهاب‌الدین احمدبن محمدبن حجر هیتمی (م ۹۷۴) .

۴ـ مذهب حنبلی

احمدبن حنبل (متولد ۱۶۴ ه . ق در شهر بغداد و متوفی ۲۴۱ ه . ق) کتابی دارد بنام مُسند دارای ۳۰ هزار حدیث که در کتابش فضایل زیادی راجع به علی و اهل بیت علی علیه‌السلام نوشته. مذهب وی در عراق و خارج آن منتشر شد و بعدها ابن تیمیه و ابن‌القیم در رشد آن کوشیدند و امروزه به عنوان مذهب وهابیان عربستان برگزیده شد.

در فلسطین، شام و عراق هم پیروانی دارند. بعلت تعصبی که در پیروان این مذهب وجود دارد و نیز عدم پذیرش مناصب دولتی و قضایی از سوی علمای این مذهب و دور بودن از مباحث عقلی کمترین پیروان را در میان مذاهب اربعه دارا هستند.

در این مذهب پیروی از: کتاب ـ سنت ـ اجماع §البته خود احمدبن حنبل اعتقادی به اجماع نداشت و معتقد به آن را دروغ‌گو می‌پنداشت.§ـ قیاس ـ سد ذرایع متداول است ـ از شرع من قبلنا §یعنی اگر احکام شرایع وحیانی قبلی در اسلام نسخ نشده

باشد می‌توان از آنها استفاده کرد.§و

ص:۹۰



مذهب صحابه نیز استفاده می‌شود.

از جمله کتابهای حنبلیان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ـ المغنی، ابن قدامه مقدسی (م ۶۲۰ ه . ق) .

۲ـ الطرق الحکیمهٔ فی السیاسهٔ الشرعیهٔ، ابن قیم جوزی (م ۷۵۱ ه . ق) .

۳ـ الفتاوی الکبری، ابن تیمیه (م ۷۲۸ ه . ق) .

مذهب ظاهری

در این زمینه مذهب دیگری هم هست بنام مذهب ظاهری که امروزه پیروانی ندارد. اگرچه در گذشته بسیاری از فقها پیرو این مذهب بوده‌اند. این مذهب منسوب به ابوسلیمان داوود بن علی اصفهانی می‌باشد.

ابو داوود ابتدا پیرو شافعی بوده ولی بعدها به مقام فقاهت رسیده و در آندلس پیروانی داشته در این مذهب پیروی از رأی و قیاس بشدت طرد شده است. §داودبن علی‌بن خلف ابی سلیمان (متولد ۲۰۲ ه . ق و متوفی ۲۷۰ ه . ق) . وی جهت فراگیری تفسیر و حدیث به نزد اسحاق‌بن راهویه در نیشابور رفته. ابن حزم آندلسی (متوفی ۳۸۴ ه . ق) در ترویج و گسترش آن بسیار کوشیده.§

این بود مختصری از مذاهب فقهی اهل سنت که در حال حاضر در جهان اسلام از آنها استفاده می‌شود.

۱-

ص:۹۱



خلاصه درس پنجم

با آمدن امام علی علیه‌السلام به کوفه بسیاری از صحابه با ایشان از مکه و مدینه به عراق منتقل شدند و این باعث شکل‌گیری طبقات علمی، رشد علوم و مکاتب جالب تفسیری شد. در این میان در بین مذاهب اهل سنت چهار مذهب رسمی تاکنون باقی مانده که به مذاهب اربعه شهرت دارند که عبارتند از فقه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی.

فقه حنفی منسوب به ابوحنیفه می‌باشد که در آن از عقل و قیاس بهره برده ولی در عین حال فتوای امام علی علیه‌السلام را بر سایر صحابه مقدم می‌دارند.

ابوحنیفه علاقه زیادی به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داشت.

مذهب مالکی منسوب به مالک‌بن انس است وی با خلفای عباسی رابطه خوبی نداشت و این فقه بیشتر در آفریقا شایع است کتاب پیشوای این مکتب (الموطا) نام دارد. در فقه شافعی که منسوب به محمدبن ادریس شافعی می‌باشد به نوعی میان مذاهب اهل سنت جمع شده و لذا فقه شافعی فقهی معتدل است کتاب پیشوای این مذهب (الام) نام دارد. در مذهب حنبلی که

در حال حاضـر در عربستان شایع است شاهد تعصبات خاص خود هستیم که همین باعث شده تا شاهد کم‌ترین پیروان در میان ایشان باشیم. این مذهب منسوب به احمدبن حنبل است. کتاب ایشان (مُسند) نام دارد.

ص:۹۲



نمونه سؤالات

۱ـ با ورود امام علی علیه‌السلام به کوفه چه تغییر و تحولاتی در زمینه شکل گیری علما رخ داد؟

۲ـ فقه حنفی منسوب به کیست؟ مهمترین کتابها و اصول عقاید حنفیان را نام ببرید.

۳ـ اقدامات تقریبی صورت گرفته توسط شاگردان ابوحنیفه را نام ببرید.

۴ـ در خصوص علاقه ابوحنیفه به اهل بیت توضیح دهید.

۵ـ علت نزدیکی فقه شافعی به شیعه چیست؟

۶ـ چرا مذهب حنبلی کمترین پیروان را در میان مذاهب اربعه دارد؟

۷ـ در خصوص کتاب الموطأ و منع مالک از توزیع آن به سراسر جهان اسلام توضیح دهید.

ص:۹۳



نمونه سؤالات تستی درس پنجم

۱ـ فقه حنفی منسوب به . . . . است.

الف) محمدبن حسن شیبانی ب) ابوحنیفه نعمان‌بن ثابت

ج) امام مالک د) محمدبن حنفیه

۲ـ طبق مقایسه دهلوی در کتاب حجت‌اللّه البالغه به چه نکته‌ای در فقه حنفی می‌رسیم:

الف) صدی پنجاه فقه حنفی از ابراهیم نخعی اخذ شده

ب) صدی هشتاد از شریح قاضی فقه را آموخته

ج) تمام روایات فقه حنفی با سه واسطه به امام علی علیه‌السلام می‌رسد

د) صدی هشتاد فقه حنفی مأخوذ از ابراهیم نخعی است

۳ـ کتاب (الحجة علی اهل المدینه) حاصل چه روندی است؟

الف) حرکت تقریبی شاگردان ابوحنیفه در جهت گفتگوی مستقیم با فقهای مدینه

ب) نتیجه آشنایی با مبانی فقه مخالفین فقه حنفی و پاسخ به اشکالات آنها

ج) مقایسه احادیث اخذ شده از صحابه و تابعین

د) موارد الف و ب

۴ـ طبق تفسیر مرحوم عبده ذیل آیه (و لا ینال عهدی الظالمین) ابوحنیفه چه عقیده‌ای را ابراز می‌دارد؟

الف) حضرت ابراهیم به مقام امامت نرسید

ب) عهد الهی به ستمکاران نمی‌رسد

ج) امامت مخصوص علویان است

د) مشروعیت خلافت بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

ص:۹۴



۵ـ کدام یک از موارد زیر در مورد جناب مالک‌بن انس درست نیست:

الف) وی در زمان هارون‌الرشید و منصور عباسی می‌زیست

ب) قیام محمد نفس زکیه را تأیید کرد

ج) عمل اهل مدینه از جمله منابع فقه وی می‌باشد

د) مالک اجازه داد تا کتاب وی به سراسر جهان اسلام پخش شود

۶ـ مالک کتاب . . . . را به ترتیب ابواب فقهی نوشت.

الف) الام

ب) مختصر الهدایه

ج) الموطا

د) فتح العزیز

۷ـ پس از فوت امام مالک، شافعی به کجا رفته و از درس کدام مکتب بهره برده؟

الف) بغداد، محمد شیبانی ب) یمن، اباضیه

ج) یمن، زیدیه د) مدینه، ابن مسعود

۸ـ مردم عربستان در زمان شرفاء . . . . بودند و سپس برای حفظ موقعیت خود . . . . شدند.

الف) اسماعیلی، شافعی

ب) فاطمی، وهابی

ج) زیدی، شافعی

د) شیعه، حنبلی

۹ـ مذهب رسمی وهابیان عربستان کدام است؟

الف) مالکی ب) حنبلی ج) سعودی د) حنفی

ص:۹۵



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۹۶

↨

یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۹۷



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۹۸



درس ششم پاره‌ای از موارد اختلافی بین فریقین

اشاره

ص:۹۹



هدف از این درس:

آشنایی با فقه مذاهب اسلامی به ویژه اختلافات فقهی در موسم حج و عمره و دلایل آن از دیدگاه هریک از مذاهب اسلامی.

ص:۱۰۰



درس ششم پاره‌ای از موارد اختلافی بین فریقین

آشنایی از فرهنگ و فقه سایر برادران مسلمان و مذاهب اسلامی در درک متقابل ما از هم و کاهش اختلافات بویژه در موسم حج و عمره بسیار مؤثر است.

یکی از مطالب جالبی که تمام مذاهب اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند مسأله عدم جواز اجتهاد در برابر نص است ـ بدین معنی که اگر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد مسأله‌ای سخنی فرموده باشند و یا دستور از جانب خدا باشد، دیگر هیچ شخصی نمی‌تواند در برابر این موضع الهی حرفی بزنند که در مقابل آن باشد. البته تفسیر رسول و امام در مورد مصادیق و مفاهیم کلی اشکالی ندارد لاکن مشکل آنجاست که سخن صحابی ویا امام در برابر و متضاد با نص باشد. بنابراین ما در این گونه از موارد باهم اختلاف چندانی نداریم و اختلاف در مورد مسایلی است که ما نص صریحی در مورد آن مساله نداریم و از همین رو شاهد برداشتهای متفاوت اجتهادی در میان صحابه هستیم.

یک اصل پسندیده‌ای در میان مسلمین وجود دارد بنام «استحباب الخروج من الخلاف». یعنی مستحب بودن خروج از اختلاف و اینکه باید کاری کرد تا از اختلاف خارج شویم در فقه امامیه ما (تقیه مداراتی) داریم که به جهت پرهیز از اختلاف با

برادران اهل سنت اعمال می کنیم و این نشان دهنده اهمیت وحدت است. خداوند در قرآن کریم

ص:۱۰۱



می‌فرمایند: «إنَّ هذه اُمَّتکم اُمهْ واحِدَهً و انا رَبُّکُم فأعبدون» §سوره انبیاء / آیه ۹۲، سوره مؤمنون / آیه ۵۲.§و یا (فَاتَّقون) یعنی تقوای الهی بجوئید و از تفرقه بپرهیزید.

به هر روی در موسم حج، حجاج با مسائلی رو به رو می‌شوند و از جمله آنها موارد زیر است:

۱ـ قبل از طلوع فجر اذانی گفته می‌شود:

این اذان از قدیم در آنجا متداول بوده و برای کسانی که می‌خواهند خود را برای نماز شب آماده کنند و یا از نقاط دور به مسجدالحرام یا مدینهٔالنبی بیایند گفته می‌شود.

۲ـ برخی از عبارات متفاوت در اذان مانند:

الف ـ (الصلاهُ خیرٌ مِن النَّوم) که در نماز صبح گفته می‌شود ولی این جزو اذان نیست و گفته شده که بلال به جهت اینکه مردم در نماز صبح خواب نمانند از پیش خود گفته است.

ابو حنیفه با توجه به حدیثی از امام علی علیه‌السلام می گفت: (الصلاهٔ خیرٌ من النوم) را در بین اذان و اقامه بگویید. زیرا که شخصی در حضور علی علیه‌السلام در کوفه این جمله را گفت و حضرت فرمودند: چیزی که داخل در اذان نیست وارد آن نکنید و در کتاب الأم شافعی آورده که ایشان گفت: من حتی اینکه در بین اذان و اقامه هم گفته شود کراهت دارم. §نیل‌الاوطار، شوکانی، ج ۱، ص ۳۳۸.§

منتهی در مدینه بنابر حدیثی که از بلال دارند این را می گویند و این تسرّی پیدا کرده و در بسیاری جاها هم این جمله را می گویند.

ب ـ (حَی عَلی خَیرالعمل) در اذان و اقامه مسجدالنبی نیست ولی در کتب اهل سنت از قول امام زین العابدین علیه‌السلام آمده که ایشان این را در اذان و اقامه می‌فرمودند. از ابن

ص:۱۰۲



عمر هم نقل شده که وی هم در اذان این ذکر را می گفت. §همان منبع سابق، ج ۲، صص ۳۸ و ۸۳ به نقل از بحث‌هایی از فقه تطبیقی، مهدی پیشوایی و حسین گودرزی، ص ۲۴.§

۳ـ در مسأله وضو:

در مسأله وضو یک اختلاف در نحوه شستن دست است که ناشی از نوع برداشت ما از آیه «فَاغْسِلوا وُجُوهَکُم وَ اَیْدیَکُم إلی المَرافِق» می‌باشد.

یعنی تا مرفق و اهل سنت می گوید بهترست که از انگشتان تا مرفق را بشوییم. در عین حال بسیاری از علمای فریقین می گویند

که: (الی) به معنی (مع) می‌باشد و این حرف می‌خواهد حدود را معین کند نه انتها را و اگر آیه در مقام بیان انتها حد شستن بود می‌بایست آیه می‌فرمود: «مِن المصابعِ الی المرافق».

سید مرتضی در این مورد می گوید: اگر کسی از انگشتان شروع کند و به مرفق ختم کند وضویش اشکالی ندارد چون در هر حال عمل به آیه کرده و خدا فرموده که دست‌ها را بشویید ولی نگفته که از کجا شروع کنید و به کجا ختم کنید. ولی قول جمهور فقهای امامیه شستن از بالا به پایین است. در عین حال بسیاری از فقهای اهل سنت هم شستن دست از بالا به پایین را باطل نمی‌دانند.

۴ـ شستن پاها:

شستن پاها و اینکه بایستی شست و یا مسح کرد. در آیه شریفه قرآن این چنین آمده است: صلی‌الله‌علیه‌وسلم یا ایها الذین آمنو اذا قُمْتُم الی الصلوة فاغسلوا وجوهَکم و ایدیَکم الی المرافق وامسحوا بِروسِکم و ارجُلَکم الی الکعبِین». §سوره مائده / آیه ۶.§

اینجا اختلافی که حاصل شده و در اثر آن گروهی پا را می‌شویند و گروهی مسح می کنند ناشی از نوع قرائت کلمه (ارجلکم) می‌باشد که بعضی به نصب و بعضی به جر

ص:۱۰۳



خوانده‌اند و ظاهر آیه این است که اگر ارجلکم به جر باشد باید همراه با سر مسح کرد ولی ظاهر آیه که نصب ارجلکم است عطف آن را بر غسل وجوه و ایدی می‌داند منتها شیعیان دو استدلال نحوی در این زمینه دارند که طی آن ظاهر آیه به دلایل زیر متصل است:

الف ـ عطف ارجلکم بنابر محل است و به روسکم برمی گردد و دیگر اینکه عطف ارجلکم بر وجوهکم و ایدیکم عطف دور و غریب است.

ب ـ در هر صورت علاوه بر مسایل نحوی شیعیان دلایلی هم برای خود دارند که ناشی از سنت است و ثابت می کنند که حضرت رسول هم پای خود را مسح می کرده بطور کلی مذاهب اسلامی هر یک در این زمینه برای خود دلایلی دارند که در مجموع به ۱۷ دلیل می‌رسد. §امامیه، زیدیه و جماعتی از صحابه و تابعین همچون ابن عباس، عکرمۀ، انس، ابی‌العالیۀ، شعبی و غیر ایشان قایل به مسح بوده‌اند. الفقه التقریبی و المقارن (۱) ، الدکتور عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ص ۴۷.§

ج ـ شیخ الازهر مصر می گوید: آن کسی که طبق آیات قرآن و روایات به این مطلب رسیده است که پای را باید شست و نیز آن کس که طبق آیات و روایات به این مطلب رسیده است که پای را باید مسح کرد هیچ یک کار خطایی نکرده‌اند، چون خلاف نصّ صریح قرآن عمل نکرده‌اند. طبق روایات اهل بیت علیه‌السلام پای را باید مسح کرد و فرموده‌اند که (الغسل للنظافۀ) شستن پا برای نظافت است و لذا براساس روایات موجود در وسایل الشیعه از حضرت علی علیه‌السلام حضرت قبل، بعد و یا احیانا در اثناء وضو پای خود را می‌شستند منتها از باب نظافت و عمل به تکلیف شرعی را مسح پا می‌دانستند و لذا این بدان معنی نیست که با پای آلوده و با بوی بد وارد مسجد شویم همچنانی که قبل از وضو به شستن و نظافت دست‌ها می‌پردازیم.

ص:۱۰۴



۵ــ وجوب نماز جماعت از نظر برخی از مذاهب:

در میان مذاهب اسلامی نماز جماعت مستحب مؤکد است به غیر از مذهب حنبلی که نماز جماعت را واجب می‌داند و لذا بهتر است که زائرین و مدیران محترم کاروانها به این مسأله توجه داشته باشند که مردم عربستان نماز جماعت را واجب می‌دانند و خیلی بد می‌دانند که کسی نماز جماعت را ترک کند.

۶ــ نظم در صفوف:

امام جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی به نظم در صفها خیلی اهمیت می‌دهند تا جایی که قبل از شروع نماز می گویند: (سوّا صفوفکم) یعنی صفهایتان را یکسان کنید و تا صف اول کامل نشده دیگر صفها نباید تشکیل بشوند و در میان صفها نباید فاصله باشد. البته این منحصر به اهل سنت نیست و در شیعه به نقل از مستدرک آمده که: حضرت علی علیه‌السلام این مسأله را از جانب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سفارش می کردند و بحث اتصال صفها در فقه امامیه وجود دارد و به آن تأکید می‌شود.
البته گاهی اوقات شاهد هستیم که برخی با یک فاصله‌ای در حرمین شریفین مشغول نماز خواندن هستند و این مربوط به نوع فتوای علماء هر مذهب است که به طور مثال در فقه شافعی اگر امام و مأموم در یک مسجد باشند هر دو یک مکان محسوب شده و تا ۳۰۰ ذراع فاصله مانعی نمی‌باشد و اگر خارج از مسجد باشد و بیش از ۳۰۰ ذراع نباشد آن نماز را اشکال نمی‌دانند مشروط بر اینکه حائلی همچون خانه و دیوار بین امام و مأموم نباشد.
نکته دیگر در مورد امام جماعت است که از نظر تمامی مذاهب اسلامی وی باید جلوتر از مأموم باشد و اگر کسی مقدم بر امام جماعت نماز بخواند، نمازش باطل است. البته نماز استداره‌ای (دایره‌ای دور خانه خدا) استثناء شده است.
در فقه امامیه مرحوم صاحب عروةالوثقی آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی و امام خمینی این مسأله را جایز می‌دانستند منتها به شرطی که مأموم در پشت خط دایره‌ای باشد.
ص:۱۰۵



۷ــ عبور از مقابل نمازگزار:

یکی از مشکلات حجاج در آنجا هنگامی است که بعد از اتمام نماز واجب افراد شروع به خواندن نافله و یا نماز میت می کنند در همین حین هم برخی از ایرانیان عزیز قصد خروج از مسجد را دارند که نا خواسته باید از جلوی این نمازگزاران رد شوند که آنها نیز بعضا جلوگیری می کنند و این بر می گردد به نوع دستورات فقهی، که در فقه امامیه این عمل مکروه است ولی در مذاهب اربعه اشکال دارد البته با شدت و ضعف در هریک از مذاهب و لذا عبور در صورتی جایز است که چیزی و مانعی همچون عصا در جلوی خود قرار داده باشد که زائرین و کارگزاران عزیز باید به این مسأله توجه کنند.

۸ــ گفتن بسم‌اللّه در نمازهای جماعت حرمین شریفین:

در آنجا امام جماعت یا بسم‌اللّه را نمی گوید ویا آهسته می‌خواند و این بدین خاطر است که طبق نظر برخی از مذاهب اسلامی بسم‌اللّه جزو سوره نیست – در مذهب مالکی گفتن بسم‌اللّه در نماز مکروه است ولی اعتقادشان بر این است که برای حفظ

وحدت مستحب است.

یعنی یک مالکی مذهب اگر در نماز جماعت شافعیان حاضر شد چون مستحب است که حفظ وحدت کند او هم چون شافعیان در نمازهای جهریه بسم‌اللّه را بلند می‌خواند همچنان که در فقه شیعه نیز بسم‌اللّه جزو سوره حمد است و در نمازهای جهریه آن را بلند می خوانیم و در نمازهای اخفائیه مستحب است که بلند خوانده شود ولی عکس آن نیز اشکالی ندارد و در رکعت سوم و چهارم نماز اگر بجای تسبیحات اربعه حمد بخوانیم آنجا دیگر اشکال ندارد که بسم‌اللّه را آهسته بخوانیم. §نظر امامیه و شافعیان مستند به عمل حضرت علی علیه‌السلام است که فخر رازی در ابتدای تفسیرش به مشروح دلایل را آورده و اشاره داشته که بنی‌امیه سعی در محو بلند خواندن بسم‌اللّه کردند و هرگاه امر بین علی علیه‌السلام و نظر صحابه باشد باید به نظر حضرت علی علیه‌السلام عمل کرد زیرا پیامبر فرمودند: (علی مع الحق و الحق مع علی) . التفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۱، ص ۲۰۵.§بطور کلی آهسته و یا بلند

ص:۱۰۶



خواندن بسم‌اللّه منوط به این است که آن را جزو آیات سوره حمد بدانیم یا نه.

۹ـ آمین گفتن در نماز:

این مسأله در میان اهل سنت مستحب است و در امامیه برخی این عمل را مبطل در نماز و برخی مکروه می‌دانند علت اینکه فقهای امامیه خواندن آمین بین حمد و سوره را جایز نمی‌دانند این است که چون تمامی اذکار نماز برگرفته از قرآن است و کلمه آمین در قرآن نیامده لذا صحیح نیست که آن را در نماز بگوییم.

(آمین) یعنی خدایا اجابت کن و می گویند که زمانی که حضرت موسی به تنهایی به درگاه خدا ناله و دعا می‌کرد خداوند در پاسخ فرمود. (قَدْ اُجیبَتْ دَعْوَتُکُما) §سوره یونس / آیه ۸۹.§یعنی دعای هر دوی شما را اجابت کردم و چون حضرت هارون هم آمین گفته بود در حالی که فقط حضرت موسی دعا می‌کرد لذا خداوند به هر دو پاسخ داد و لذا اهل سنت این مسأله را مستحب می‌دانند با توجه به اینکه در گذشته هم کلمه آمین وجود داشته است.

۱۰ـ قنوت نماز در میان مذاهب اسلامی:

تنها امامیه و شافعیان هستند که در نماز صبح قنوت دارند ولی در سایر مذاهب اینطور نیست و قنوت ندارند آنها می گویند تمام نماز قنوت است ولی قنوتی دارند بنام (عندالنازله) که در هنگام مصایب و بلایا بجای می‌آورند مثلاً در فاجعه کشتار مردم بوسنی و افغانستان این قنوت را در مسجدالنبی انجام دادند.

در مورد دعای قنوت نیز اهل سنت ذکر (اللهم اهدنی فیمن هدیت و عافنی فیمن عافیت) را می‌خوانند که این دعا منقول از امام حسن مجتبی علیه‌السلام است که ایشان نیز از جد بزرگوارشان رسول‌اللّه آموخته‌اند و مذاهب اسلامی این دعا را در قنوت نماز وتر و شافعیان نیز در نماز صبحشان می‌خوانند. §الفقه التقریبی و المقارن ۱ ، ص ۱۲۴.§

ص:۱۰۷



۱۱ـ خواندن نماز و اقتدا به غیر هم مذهب:

در مـذهب مالکی و حنبلی اگر نماز امام از نظر خودش درست باشـد برای مامومین از هر مـذهب دیگر نیز جایز است که به او اقتـدا کننـد. اما در مـذهب شافعی و حنفی نماز امام باید از نظر ماموم نیز درست باشد تا بتوان به او اقتدا کرد و از همین جهت است که شافعیان و حنفیان پشت سر هم نماز نمی‌خواننـد زیرا شافعیان می گوینـد حنفیان نیت را در وضو شـرط نمی‌دانند و از همین جهت وضوی آنهـا را صـحیح نمی‌داننـد و پشت سـر آنهـا نماز نمی‌خواننـد و لـذا این مساله در مورد شـیعیان نیز صـدق می کند زیرا بر این باورند که چون شیعیان در وضو پای خود را نمی‌شویند لذا نمی‌توان پشت سر آنها نماز خواند ولی بسیاری از علمای عامه همچون و هبه الزحیلی از بزرگان شافعی و علمای الازهر نماز خواندن پشت سر شیعیان را جایز می‌دانند.

۱۲ـ سجده کردن بر روی فرش:

سجده بر روی فرش از دید شیعه صحیح نمی‌باشد ولی در حرمین شـریفین از باب تقیه مداراتی علمای مکتب جایز دانسته‌اند ولی دسته‌ای از علما احتیاط کرده و فرموده‌اند: آنجایی که می‌توان بر سنگ سجده کرد بر فرش سجده نکنند و چون سجده بر روی مهر ممکن است بـاعث سوء تفـاهم شود از این مسأله نهی شـده، البته سـجده بر روی خـاک دسـتور اسـلام است چنانکه فرمود: (و جُعِلت لی الا‌رض مسـجدا و طهورا) §وسائل‌الشـیعه، ج ۳، ص ۵۹۳ به نقـل از الفقه التقریبی و المقـارن ۱ ، الدکتور بی‌آزار شـیرازی، ص ۹۶.§یعنی زمین جـایی است که محـل سـجده گـاه است. و از سویی در زمـان پیامبر فرش و قالی نبوده و مردم روی زمین و بوریـا نمـاز می‌خواندنـد و حتی در سـنن نسـایی §سـنن نسایی، ج ۲، ص ۲۰۴ باب تبرید الحصـی للسجود .§آمده: که برخی از اصـحاب سـنگی را روی دست خود نگه می‌داشـتند تا خنک شود و سپس روی آن نماز می‌خواندند و یا یک چیزی مثل حصیر کوچک می‌بافتند و روی آن سجده می کردند.

ص:۱۰۸



ولی برخی در ذهن مردم عربسـتان کرده‌اند که مهر شـیعیان بتشان است و ما خاک ائمه علیهم‌السـلام را می‌پرستیم، در صورتی که مـا این کار را (رَجما لشـیطان) می کنیم و این یادآور مسأله سـجده نکردن انسان بر شـیطان است و شـیطان بر انسان سـجده نکرد چون گفت: این انسان از خاک است و لذا ما بر خاک سـجده می کنیم علی‌رغم شـیطان که در اثر تکبر این کار را نکرد. در فقه المقاصد حضـرت زهرا علیهاالسلام یکی از هدف‌های نماز را دور نگه داشتن انسان از تکبر می‌داند و این مهر گذاشتن خود وسیله‌ای برای جلوگیری از این مساله است.

مسأله دیگر سـجده کردن بر روی این فرشـهای گرانبهاست. امام صادق علیه‌السلام فرمودند که سجده کردن بر روی خوردنیها و پوشـیدنیها جـایز نیست. سـپس از حضـرت علت را پرسـیدند و ایشان جواب دادنـد که مردم دنیا بنـده خوردنیها و پوشـیدنیها هستند و شخص نمازگزار صحیح نیست که پیشانی خود را بر روی معبود دنیا پرستان بگذارد و لذا شیعیان بر روی فرش سجده نمی کنند مگر برای حفظ وحدت. §من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۷، علل الشرایع، ص ۱۲۱.§

۱۳ـ شبهه خان الامین:

برخی‌هـا در پایـان نمـاز سه بـار دسـتها را بالا‌ـ می‌برنـد و تکـبیر و ذکر اللّه اکبر می گوینـد که متأسـفانه این القـاء را برای مردم

عربستان بوجود آورده‌اند که شیعیان مانند یهودیان اعتقاد به خیانت جبرئیل دارند و جبرئیل به جای اینکه وحی را برای علی علیه‌السلام بیاورد برای رسول اکرم برده است و لذا اینان سه بار در پایان نماز می گویند: (خانَ‌الأمین) یعنی جبرئیل خیانت کرده و چون این مسأله در کتاب (منهاج‌السنۀ) ابن‌تیمیه نیز آمده خیلی به آن اعتقاد دارند و لذا بهتر است که شیعیان در حرمین شریفین از باب (اتّقوا مِن مَواضع التُّهم) این کار را انجام ندهند و انسان از موضعی که مورد تهمت قرار می گیرد باید پرهیز کند.

ص:۱۰۹



۱۴ـ توضیحاتی پیرامون کیفیت مناسک حج در مذاهب اسلامی و طواف نساء:

بنابراین ملاحظه می‌فرمایید که این اختلافات در جایی است که نص صریحی از قرآن نیست ولی بحمدالله در مورد مناسک حج اختلاف مذاهب اسلامی بسیار جزیی است چرا که همگی از حدیث حج امام باقر و صادق علیهم‌السلام از جابربن عبدالله انصاری از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استفاده می کنند، که در این حدیث طولانی تمام کیفیت حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شرح داده شده و ابن‌کثیر نیز مبنای نقل خود را از این روایت برگرفته. §الفقه التقریبی و المقارن ۱ ، الدکتور بی‌آزار شیرازی، ص ۲۰۸ الی ۲۱۱.§

تنها مورد اختلاف در مورد طواف نساء است که در میان اهل سنت به آن طواف وداع ـ افاضه‌ای و یا زیارت هم می گویند که طی آن زن بر شوهر حلال می‌شود. بطور کلی تمام مسلمین پس از بازگشت از منا دو طواف واجب انجام می‌دهند که با یکی از آنها زن بر شوهر حلال می‌شود و لذا اختلاف در اینجا فقط اختلاف در اسم است. §همان منبع سابق، ص ۲۴۰.§

۱۵ـ چرت زدن بعد از وضو:

طبق روایتی که در میان امامیه موجود است خواب مبطل وضوست ولی این روایت در کتابهای اهل سنت وجود ندارد و این روایت به شرح زیر است که از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند که آنجایی که قرآن می‌فرماید: «اِذا قُمْتم الی الصَلاۀ فاغسلوا وُجُوهَکم و ...» مقصودم از (قُمْتُم) چیست؟ حضرت فرمودند: (اذا قُمْتُم مِن النّوم) یعنی هرگاه از خواب بر خاستید و لذا خوابی که بر چشم و گوش مستولی گردد این ناقض وضوست. ولی در اهل سنت (اذا قُمْتُم إلی الصَّلاۀ) را عام می‌دانند یعنی می گویند هرگاه برخاستید برای نماز فرقی نمی کند که از خواب باشد، یا بستر و ... لذا اینان خواب را عامل مستقلی برای تجدید وضو نمی‌دانند و لذا اگر در خواب موارد ابطال وضو حادث شود آنگاه نیاز به

ص:۱۱۰



تجدید وضو می‌باشد.

البته در مذهب شافعی و حنبلی اکثریت قائل‌اند که خواب به نفسه ناقض وضو خواهد بود. §همان منبع سابق، ص ۴۴.§و لذا حجاج و زائرین محترم تعجب نکنند اگر که شاهد این مسأله‌اند که در صفوف نماز برادران اهل سنت به خواب می‌روند و سپس بدون تجدید وضو به اقامه نماز می‌پردازند.

ص:۱۱۱



خلاصه درس ششم

عمـده اختلافـهـای فقهی مـذاهب اسـلامی در جایی است که نص صـریح از قرآن و یا روایت‌های قطعی الصـدوری از ناحیه معصوم وجود ندارد.

در موسم حـج شاهد عمل‌های متفاوتی از سایر برادران اهل سـنت در مقایسه با عمل فقهی خود هستیم که از آن جمله می‌توان به گفتن اذان قبل از طلوع فجر، عبارت (الصـلاهٔ خیر من النوم) در نماز صـبح، حـذف (حیّ علی خیرالعمل) از اذان، تفاوت در نحوه شسـتن دست و پا و مسح سـر، عبور از مقابل نمازگزار، نحوه گفتن (بسم‌اللّه الرحمان الرحیم) ، آمین گفتن پس از حمد، سجده بر روی فرش، چرت زدن بعد از وضو و . . . هستیم.

لـذا آگـاهی از علل و نحوه انجام مناسک سایر برادران مسـلمان در کاهش تنش‌ها و فهم بهتر یکـدیگر به کارگزاران و زائران گرامی کمک شایانی خواهد نمود.

ص:۱۱۲



نمونه سؤالات

۱ـ در خصوص اصل (استحباب الخروج من الخلاف) توضیح دهید.

۲ـ نظرات مختلف در مورد (الصلاهُٔ خیرٌ من النوم) را توضیح دهید.

۳ـ اختلاف و نظرات مختلف در مورد نحوه شستن دست در وضو را بیان کنید.

۴ـ دیدگاه‌های مختلف در مورد نظم در صفوف جماعت را بیان کنید.

۵ـ نماز استداره‌ای را توضیح دهید.

۶ـ به چه علت امام جماعت حرمین شریفین (بسم اللّه الرحمن الرحیم) را آهسته می‌خواند یا نمی‌گوید؟

۷ـ دلیل امامیه در مورد عدم آمین گفتن در نماز را بیان فرمایید.

۸ـ علت عدم جواز سجده امامیه بر فرش طبق نظر معصوم را بیان فرمایید.

۹ـ منظور از شبهه خان‌الأمین چیست؟

۱۰ـ علت اختلاف اندک مذاهب اسلامی در مورد مناسک حج چیست؟

ص:۱۱۳



نمونه سؤالات تستی درس ششم

۱ـ از علل اصلی اختلافات مبانی فقهی مذاهب اسلامی کدام است؟

الف) اجتهاد در برابر نص

ب) نبود نصِّ صریح در مورد پاره‌ای از احکام فقهی

ج) نقل غیرمکتوب

د) غرض‌ورزی راویان سلسله احادیث

۲ـ سخن جناب شافعی ناظر به چیست: کراهت دارم حتی در بین اذان و اقامه گفته شود.

الف) حی علی خیرالعمل ب) الصلاۀ خیر من النوم

ج) الصلاۀ، الصلاۀ د) آمین

۳ـ تفاوت شستن دست هنگام وضو ناشی از چیست؟

الف) مسائل بهداشتی

ب) عمل به قول صحابی

ج) برداشت‌های متفاوت از اعراب ظاهری آیه

د) احادیث ضعیف

۴ـ طبق روایاتی که امام علی علیه‌السلام بعد از وضو پای خود را می‌شستند علت این کار چیست؟

الف) به جهت نظافت نه اینکه داخل در وضو باشد

ب) نظافت پا بر مسح واجب مقدم است

ج) حفظ وحدت

د) تقیّه مداراتی

ص:۱۱۴

↕

۵ـ (سَوّ صفوفکم) یعنی:

الف) صفهایتان را یکسان کنید و در حرمین شریفین قبل از نماز توسط امام جماعت گفته می‌شود.

ب) پشت سر هم قرار بگیرید

ج) صفهایتان را مساوی کنید

د) آماده نماز باشید با حفظ نظم

۶ـ نماز استداره‌ای یعنی:

الف) نماز گردشی ب) دایره‌ای دور خانه خدا

ج) نماز نافله د) نماز آیات

۷ـ در چه صورتی در حرمین شریفین عبور از مقابل نمازگزار جایز است:

الف) نماز مستحبی باشد

ب) هم مذهب ما باشد

ج) مانعی همچون عصا در جلوی خود قرار داده باشند

د) در هیچ صورتی جایز نیست

۸ـ در مذهب مالکی حکم گفتن (بسم‌اللّه الرحمن الرحیم) چیست؟

الف) حرام ب) مکروه ج) مباح د) جایز

۹ـ در فقه شیعه (بسم اللّه الرحمن الرحیم) چه حکمی دارد؟

الف) جزو سوره حمد است

ب) در نمازهای جهریه آنرا بلند می‌خوانیم

ج) مستحب است در نمازهای اخفائیه بلند خوانده شود

د) تمام موارد فوق‌الذکر

۱۰ـ کدام یک از مذاهب اسلامی در نماز صبح قنوت دارند؟

الف) امامیه ب) حنفی ج) شافعی د) موارد الف و ب

ص:۱۱۵



۱۱ـ منظور از قنوت (عندالنازله) چیست؟

الف) هنگام نازل شدن

ب) قنوت نمازهای یومیه

ج) در هنگام مصایب و بلایا بجا می‌آورند

د) در هنگام نزول قرآن در عصر پیامبر خوانده می‌شده

۱۲ـ به چه علت شافعیان در نماز به حنفیان اقتدا نمی‌کنند؟

الف) چون از مذهب دیگری هستند

ب) در فقه حنفی از قیاس زیاد استفاده شد

ج) اختلافات تاریخی

د) حنفیان نیت را در وضو شرط نمی‌دانند

۱۳ـ علمای امامیه سجده بر روی فرش در حرمین شریفین را از چه منظری جایز می‌دانند؟

الف) استصحاب ب) اجماع

ج) عمل به سنت د) تقیه مداراتی و حفظ وحدت

۱۴ـ علت عدم سجده بر روی فرش، خوردنی و پوشیدنی از نظر امام صادق علیه‌السلام چیست؟

الف) مردم دنیا بنده خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها هستند

ب) شایسته نیست پیشانی را بر روی معبود دنیاپرستان بگذاریم

ج) منع بهداشتی

د) موارد الف و ب

ص:۱۱۶



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

↕

یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۱۱۸



درس هفتم توسل و وسیله

اشاره

ص:۱۱۹



هدف از این درس:

ـ آشنایی با معنی لغوی و اصطلاحی توسل

ـ انواع توسل‌های مجاز و مورد اتفاق مسلمین

ـ توسل‌های غیرمجاز

ـ نقد دلایل وهابیان در خصوص توسل به پیامبر بعد از رحلت ایشان

ص:۱۲۰

↨

درس هفتم

توسل و وسیله

«یا ایها الذین آمنو اتّقوا اللّه و ابتغوا الیه الوسیله».

مهم‌ترین مسأله‌ای که در قرن‌های اخیر باعث شکاف و دوری بین مسلمانان شده مسأله توسل و وسیله است. در میان مردم عربستان اینطور تبلیغ شده که شیعیان قبرستان بقیع را می‌پرستند، قبور را زیارت می‌کنند و از اینها حاجت می‌طلبند و این مساوی با شرک است و لذا آنها با شدت فراوان می‌خواهند سایر مسلمین را محکوم به شرک کنند، از طرفی هم مسلمین فکر می‌کنند که خشونت وهابی‌ها در این زمینه در پی کنیه وهابی‌ها به اهل بیت علیهم‌السلام است و لذا وقتی این دو گروه با هم روبه‌رو می‌شوند می‌خواهند واکنش شدیدی نسبت به هم نشان بدهند.

لذا ما ضروری دیدیم تا با علمای وهابی بنشینیم و به آسیب‌شناسی این مسأله بپردازیم ببینیم که آنها توسل را چطور تعریف می‌کنند، تا چه حدی با ما اشتراک فکری دارند و تا چه میزان توسل را قبول دارند. لذا ما کتاب‌های جدید و قدیم آنها را مطالعه و سعی کردیم که جواب‌های ما منطبق با پاسخ‌های آنان باشد. به هر روی یکی از آیات مورد احتجاج آیه «یا ایها الذین آمنو اتقوا اللّه و ابتغوا الیه الوسیله» §سوره مائده، آیه ۳۵.§می‌باشد. یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی پیشه کنید و بجویید بسوی خداوند وسیله‌ای.

-۱

↨

بنابراین ما باید ببینیم که وسیله چیست و شامل چه چیزهایی می‌شود؟ و در برابر این آیه ما بایستی چه کار کنیم و چه وظایفی داریم؟

همانطور که می‌دانیم هدف از خلقت تقرب به خداوند و رسیدن به مقام خلافت‌اللهی است. و خداوند انسان را از آغاز بعنوان خلیفه قرار داده است «انّی جاعل فی الارض خلیفهٔ» §سوره بقره / آیه ۳۰.§برای اینکه انسان خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین باشد احتیاج به وسیله دارد و بدون آن وسایل نیل انسان به قله کمال میسر نیست و لذا است که خداوند برای تقرب به خود در قرآن سفارش به بهره‌گیری از وسیله می‌کند.

حال که اهمیت موضوع روشن شد باید دید که این وسیله چیست؟

در میان مردم عربستان توسل به معنای تقرب است یعنی همان معنای اصلی آن که در تفاسیر فریقین آمده یعنی وظیفه داریم که بخداوند نزدیک شویم. در میان ایرانیان توسل یعنی وسیله قرار دادن مثلا برای رفتن به مسافرت شما توسط وسیله ای بنام ماشین ایاب و ذهاب می‌کنید.

پس حال که گفته می‌شود ما اهل بیت را وسیله قرار می‌دهیم یعنی بوسیله ایشان به خدا تقرب می‌جویم یعنی با پیروی از راه و روش ایشان قصد نزدیک شدن به خداوند را داریم. ولی مردم عربستان از این بیان ما دچار سوء برداشت شده‌اند بدین معنا که ما با وسیله قرار دادن اهل بیت علیهم‌السلام ایشان را عبادت می‌کنیم و به آنها تقرب می‌جوییم. پس ملاحظه فرمایید که اختلاف در مفهوم این کلمه است و نهایتا وقتی ما کلمه توسل را به کار می‌بریم یک معنای بدی از آن استنباط می‌کنند. از نظر علامه طباطبایی و راغب اصفهانی در کتاب مفردات وسیله در لغت به معنی رسیدن به چیزی با رغبت است و حقیقت آن

عبارت است از مراعات کردن راه خدا با علم و عبادت و پیمودن راه شریعت و این یک وسیله ارتباطی است میان خدا و انسان که اگر انسان راه شریعت را بپیماید به خدا نزدیک

ص:۱۲۲



خواهد شد. §ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۴۹۵.§مرحوم طبرسی می‌فرمایند: منظور از وسیله عمل به احکام شریعت و پیروی از خداوند و الگو گرفتن از اهل بیت است. §مجمع‌البیان لعلوم القرآن، ج ۳، ص ۳۲۸ البته ایشان در معنی وسیله موارد زیر را ذکر می کنند.

۱- اجتناب از معاصی ۲ـ نزدیکی با طاعات ۳ـ بالاترین درجات بهشت.§

پس شیعیان وقتی می گویند توسل، منظورشان همین مساله فوق الذکر است. برخلاف برخی از مردم حجاز که نسبت به این مساله دچار سوء برداشت شدند و می‌پندارند که ما با وسیله قرار دادن اهل بیت آنان را می‌پرستیم تا طی آن به حاجات خود برسیم. ذکر این نکته ضروری است که برخی از اعمال و رفتار عوام هر دو گروه به این نوع برداشت‌ها دامن زده است و حجازیان می‌پندارند که شخص متوسل قصد دارد که حاجات خود را بجای خدا ازاین قبر بگیرد و آن وقت است که اصطکاک بین مسلمانان در مکه و مدینه ظهور می کند.

انواع وسیله‌ها برای رسیدن به خدا:

اشاره

وسایلی که بالاتفاق همه علمای اسلامی بر آن اجماع دارند به شرح زیرست:

۱ـ توسل به اسماء و صفات الهی:

خداوند در قرآن می‌فرماید «ولّله الاسماء الحسنی فادعوه بها». §اعراف / ۱۸۰.§

برای خداوند اسم‌های نیکوست پس خداوند را به توسط آنها بخوانید.

در دعای کمیل و دیگر ادعیه اهل بیت علیهم‌السلام نیز در بسیاری از موارد خداوند توسط اسم‌های نیکویشان ستایش و به آنها توسل شده است.

ص:۱۲۳



۲ـ توسل به ایمان:

«ربنا إنّنا سَمِعْنا مُنادیا یُنادی للایمان اَنْ آمنوا بِرَبّکم فآمنّا ربنا فاغفرلنا ذنوبنا». §آل عمران / ۱۹۳.§

۳ـ توسل به اعمال صالح:

آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقو اللّه و ابتغوا الیه الوسیله».

علمای بزرگی چون طبرسی و علامه طباطبایی این توسل را به عمل صالح تفسیر کرده‌اند و لذا از همین روی است که علمای شیعه کتب خود را به نام وسیله نام‌گذاری کرده‌اند. وسائل‌الشیعه، تحریرالوسیله، وسیلهٔ‌المقلّدین و ... .

مرحوم آقا بزرگ طهرانی نام چهل کتاب را در شیعه ذکر می‌کنند که در آن اسم وسیله آمده است.

۴ـ توسل به پیامبر اکرم:

در اینجا توسل دارای مراحلی است:

الف) توسل به حضرت رسول قبل از تولد جمادی ایشان: در تفاسیر آمده که آدم پس از اخراج از بهشت و هبوط وی برای توبه به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متوسل شدند تا گناهانش آمرزیده شود و حتی ابن تیمیه نیز این حدیث را در تفسیرش آورده بدون اینکه آن را رد کند.

ب) توسل به حضرت رسول به معنی طلب دعا از ایشان در دنیا: این به کرات نقل شده که اصحاب پیامبر اسلام و نیز سایر پیامبران از ایشان درخواست می‌کردند که پیامبر برایشان دعا کند. §مسند احمدبن حنبل، ج ۴، ص ۱۳۸، روایات عثمان‌بن حنیف.§

-۱

-۲

ص:۱۲۴



قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «ولو أنّهم إذ ظَلَموا انفسهم جاؤوك فاسْتَغفروا اللّه واسْتَغْفَرَ لهم الرسولُ لَوَجَدوا اللّه توابا رحیما». §سوره نساء / آیه ۶۴.§

یعنی: هرگاه آنان زمانی که بر خویش ستم کرده‌اند نزد تو بیایند و از خدا طلب مغفرت کنند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز برای آنان طلب مغفرت کند، خدا را توبه‌پذیر و رحیم خواهند یافت. این مطالب را تمام مذاهب اسلامی وحتی وهابیان قبول دارند.

ج) توسل به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قیامت: «مَنْ ذا الّذی یَشْفَعُ عِنْدَه إلاّ بِأذنه» §سوره بقره، آیه ۲۵۵.§یعنی: چه کسی می‌تواند در روز قیامت شفاعت کند مگر کسی که از جانب خداوند به او اذن داده شده و به شهادت کتب اهل سنت و شیعه و آنچه در صحاح اهل سنت آمده، پیامبر در روز قیامت شفاعت خواهند نمود. §تفسیر القرطبی، جزء ۳، ص ۲۶۸.§

د) توسل به معنای ایمان و محبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم : وقتی که می‌گوییم: «اَللّهُم إنّی اَسْئَلُكَ بنبیّك» یعنی: خدایا ما با ایمان به رسول تو و عمل به دستورات وی و نیز با محبت او به تو توسل می‌جوییم. جالب است که ابن تیمیه می‌گوید: اگر (نبیّك) اینجا منظور مطالب فوق باشد امری پسندیده و خوب است. و لذا در ادعیه شیعه آمده که (وبِحُبّكم و بِقُربِكم ارجوا نَجاةً مِن اللّهِ) یعنی به وسیله دوست داشتن و نزدیکی به شما اهل‌بیت علیهم‌السلام امید نجات و رستگاری از جانب خداوند متعال داریم.

ه) توسل به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمان حیات ایشان: در این زمینه هم شواهد و قرائن زیادی وجود دارد از جمله هنگامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از منا حلق و تقصیر می‌کردند اصحاب موی حضرت را به عنوان تبرک برمی‌داشتند. و یا گفتن جملاتی چون (لاـ تنسانا مِنْ دعائك) . §بخاری در صحیح خود آورده که هرگاه پیامبر وضو می‌گرفت نزدیک بود

مسلمانان باهم بجنگند. صحیح بخاری، ج ۳، باب مایجوز من الشروط فی الأسلام.§

ص:۱۲۵



ما را از دعای خود فراموش مکن و یا هنگامی که حضرت وضو می گرفتند اگر آبی از دست مبارک می‌چکید اصحاب در گرفتن آن بر هم سبقت می‌جستند. به هر روی این مطالب از اقسام توسل‌های مجاز و مقبول در میان تمامی فرق و مذاهب اسلامی می‌باشد و لذا نیازی به بحث و آوردن دلیل برای غیر هم مذهب نمی‌باشد. §ر. ک. شرح المواهب، ج ۸، ص ۳۰۴ و المجموع، ج ۸، ص ۲۷۴، ابن عابدین، ج ۵، ص ۲۵۴.§اما اقسامی از توسل هم که ما آنها را به عنوان توسل‌های غیر مجاز می‌دانیم به شرح زیر است:

انواع توسل‌های مذموم

الف ــ توسل به طاغوت:

«یُریدون اَنْ یَتحاکَموا إلی الطّاغوتِ وَ قَدْ اُمروا اَنْ یَکفُروا به». §سوره نساء / آیه ۶۰.§یعنی: می‌خواهند که دادخواهی خود را نزد حکام ناروا و غیر مشروع ببرند واین در حالی است که امر به کفر و تکذیب کردن آنها شده‌اند.

ب ــ توسل به بت، در، دیوار، سقاخانه، قبر، درخت و ...

این به اتفاق همه مذاهب اسلامی مردود است و ما هیچ کجا هیچ حدیث یا آیه‌ای نداریم که به فلان قبر، یا فلان در و پنجره متوسل بشویم.

قران در این باره به نکوهش پرداخته آنجا که می‌فرماید:

«و یَعْبدون مِن دون اللّهِ ما لا یَضُرُّهُم و لا یَنْفَعُهُمْ». §سوره یونس / آیه ۱۸.§

مشرکین عبادت می‌کنند به جای خدا چیزهایی را که نه برای آنها ضرر دارد و نه نفعی.

ج ــ اعتقاد به تأثیر ذاتی و مستقل ائمه بدون اذن خدا:

اگر کسی معتقد باشد که ائمه بدون کمک و اذن خدا می‌توانند کسی را شفا دهند و یا

ص:۱۲۶



شفاعت کنند، این اعتقادی باطل است. «مَن ذا الذی یشفع عنده الا بأذنه». §سوره بقره / آیه ۲۵۵.§

کیست که بتواند بدون اجازه از نزد خدا به شفاعت بپردازد.

د ــ توسل به بندگان خدا بصورت تذلّل و عبودیت:

«إنّ الذین تدعون مِن دون اللّه عبادُ ٌامثالکم». §سوره اعراف / آیه ۱۹۴.§

یعنی خشوع، تذلل و عبادت فقط مخصوص خداست و اینان هم همچون شما بنده خدا هستند. §توجه داشته باشید که ما اینجا

در مقام نفی شأن رفیع ائمه نیستیم بلکه با خواری و ذلت و خود را سگ ائمه و دیگر چیزها نامیدن مخالفیم اینها نکوهش شده. طبق روایات امامیه هنگامی که واژهٔ کلب (سگ) در احادیث ما بیاید منظور دشمنان ائمه است. (وسائل‌الشیعه، ج ۲۳، ص ۳۴۲) .§

ه ـ توسل به معنای پارتی بازی:

یعنی اگر شخص هیچ عمل صالحه‌ای نداشته باشد، تارک صلاهٔ و روزه باشد و فقط بخواهد با یک سفره انداختن و مسایلی از این دست ائمه را در قیامت شفیع خود قرار دهد که این درست نیست. درست مانند دانشجویی که وقت امتحانش فرا رسیده و درس نخوانده و قصد دارد با تملق و چاپلوسی نزد استاد به نمره مطلوب دست یابد که این غیرممکن است و به درگاه الهی هیچ راهی ندارد.

«و لا یَشْفَعون إلاّ لِمَنْ ارتَضی وَ هُمْ مِنْ خَشْیَتِهِ مُشْفِقونَ» §سوره انبیاء / آیه ۲۸.§یعنی از کسانی شفاعت می‌کنند که مورد رضایت باشند نه از کسانی که مورد رضایت نیستند.

همچنین کسی که با اصل ایمان و اسلام در تضاد است مورد شفاعت قرار نمی‌گیرد:

از رسول اکرم منقول است که: (شفاعت برای تردیدکنندگان، مشرکان و کافران نیست

ص:۱۲۷



بلکه برای مومنان یکتاپرست است) . §میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۱۴۷۲.§

و یا (کسی که ذریه رسول اکرم را آزار داده باشد مورد شفاعت قرار نمی‌گیرد) . §صدوق، ص ۳۷۰، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۱۸، ح ۴.§

به هر روی اینها مواردی است که تمامی مسلمانان آنرا جایز نمی‌دانند. اما مواردی هم وجود دارد که مورد اختلاف بین وهابیان و سایر ملتهای اسلامی اعم از شیعه و سنی می‌باشد و این موارد عبارتند از:

توسل‌های غیرمذموم

الف ـ توسل به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ائمه و اولیاء الهی بعد از وفاتشان:

اشاره

یعنی آیا جایز است که ما بگوییم: (اللهم انی اسئلک بنبیک) یا (بوجه نبیک) یا (بحق نبیک) در اینجا سه دیدگاه وجود دارد:

الف) قول به کراهت که بعضی از حنفیان قایل‌اند.

ب) قول به جواز که اکثر مسلمین به آن قایل‌اند.

ج) قول به عدم جواز که نظر وهابیان و پیروان ابن تیمیه است.

جمهور علمای اسلامی می‌گویند توسل به پیامبر، پیامبران، ائمه و اولیا بعد از وفات جایز است. و اهل سنت در این باره روایتی را نقل می‌کند:

روزی منصور عباسی برای زیارت بارگاه حضرت رسول به مدینه آمد و به مالک گفت: من رو به قبله دعا کنم و یا رو به قبر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ؟ مالک در جواب می گوید: چرا از پیامبر روی بگردانی چرا که او وسیله تو و پدر تو حضرت آدم در روز قیامت است. رو به او کن و از او شفاعت بخواه. §شرح‌المواهب، ج ۸، صص ۵-۳۰۴، وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۷۱.§اگر ما به آداب زیارت همه مذاهب اسلامی نظر بیفکنیم خواهیم دید که در تمامی آنها مسأله شفاعت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بعد از وفات ایشان وجود دارد و استدلال همگی آنها به این آیه از قرآن مجید می‌باشد: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَموا اَنْفُسَكُم جآووك و استغفراللّهَ و اسْتَغْفَرَلَهُم الرَّسول لوَجَدوا اللّهَ تَوابا

ص:۱۲۸



رَحیما». §سوره نساء / آیه ۶۴.§

و اگر آنها به آن هنگام که به خویشتن ستم کردند پیش تو آیند و طلب آمرزش از خدا کنند و پیامبر برایشان طلب مغفرت کند، خدا را توبه‌پذیری مهربان خواهند یافت.

ابن قدامه حنبلی در المغنی در آداب زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می گوید: به کنار قبر می‌روی و می گویی: (اَتیتك مُسْتَغْفِرا من ذنوبی، مُسْتَشْفِعا بكَ الی ربّی) آمدم نزد تو در حالی که از گناه خود استغفار می کنم و تو را شفیع خود در نزد پروردگارم قرار می‌دهم. §المغنی مع‌الشرح، ج ۳، ص ۵۸۸.§غزالی در احیاء العلوم این مطلب را آورده و بدنبال آن می گوید «مستحب است که زائر هر روز به زیارت بقیع برود و بعد از سلام به پیامبر و زیارت ائمه مدفون در آن (حضرات باقر علیه‌السلام ، صادق علیه‌السلام ، امام حسن علیه‌السلام و علی‌بن الحسین علیه‌السلام) بپردازد و پس از آن در مسجد فاطمه رضی‌اللّه‌عنها نماز بخواند». §احیاء علوم‌الدین، ج ۱، صص ۲۶۱-۲۵۸.§

اخیرا علمای اسلامی کتابی نوشته‌اند در جواز زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اولیای الهی پس از مرگ و ۷۵ تن از فقها آنرا امضاء کرده‌اند. §شیخ خلیل احمد سهارنپوری، عقائد اهل سنت و جماعت در رد وهابیت و بدعت، ترجمه عبدالرحمان سربازی، ص ۸۶.§این نظری است که علمای اهل سنت در این باره دارند.

نظر علمای امامیه درباره توسل

بطور کلی این عزیزان می‌فرمایند که وسیله محبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ، اطاعت و دعای آن حضرت است و مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر: (وابتغوا الیه الوسیله) نوشته‌اند که: وسیله به معنای محقق ساختن حقیقت عبودیت و رویکرد خاضعانه و نیازمندانه به حضرت حق است که لازمه وابراز این رابطه، علم و عمل است. در تفسیر منسوب به علی‌بن ابراهیم قمی اخباریان روایاتی را نقل کرده‌اند که: الوسیله اینجا منظور امام است. یعنی وابتغوا الیه بالامام / یعنی به سوی خدا بوسیله امام تقرب بجویید.

علامه طباطبایی می‌فرمایند یعنی بوسیله اطاعت از امام - (قُلْ اِنْ كُنْتم تُحِبّونَ اللّهَ

ص:۱۲۹



فَاتَّبعونی یُحْبِبْكُم اللّه و یَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكم) §سوره آل عمران / آیه ۳۱.

§بگو اگر خدا را دوست دارید پس مرا پیروی کنید که خدا نیز شما را دوست خواهد داشت و گناهان شما را می‌بخشاید. بنابراین وسیله به معنای تبعیت و پیروی می‌باشد نه به معنای پارتی بازی. متأسفانه بعضی از عوام‌الناس وسیله را به پارتی بازی معنا می کنند که این از نظر علامه طباطبایی معنای اشتباهی می‌باشد. §علامه طباطبایی، المیزان، ج ۶، صص ۳۳۲-۳۲۸ و الذریعه، ج ۲۵، صص ۹۲-۶۹.§

ب ـ توسل جستن شعرای نامی اهل سنت به ۱۴ معصوم

شعرای نامی اهل سنت به چهارده معصوم توسل جسته‌اند و توسل به معنی قسم دادن به حق اهل بیت و ائمه علیهم‌السلام تا قبل از ظهور عبدالوهاب و ابن تیمیه امری متداول و نیکو بوده است.

۱ـ سعدی شیرازی که از علمای شافعی است به حق فرزندان فاطمه زهرا علیهاالسلام به خدا توسل می جوید:

خدایا به حق بنی فاطمه

که بر قول ایمان کنم خاتمه §سعدی، بوستان، در نیایش خداوند.§

اگر دعوتم رد کنی ور قبول من و دست و دامان آل رسول

۲ـ و یا خواجوی کرمانی که حافظ از او الهام گرفته و خواجو نیز از علمای شافعی است اشعاری دارد برای توسل به چهارده معصوم:

یا رب به حق آن چمن آرای لَوْ کُشِف

یا رب به حق آن گل سیراب تشنه لب

یا رب به حق آن علی عالی آستان

کو بود در سماک توحید پادشا

و تا آنجا که به حق حضرت مهدی (عج) نیز قسم می‌خورد §دیوان خواجوی کرمانی، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری.§

۳ـ سنایی:

کردگار را به جان پاک رسول

به علی و حسین و سبط بتول

که دل ما ز غیر خود بستان

از هوای هوای خود برهان §و یا سراسر جمله عالم پر زنانند

زنی چون فاطمه خیر النسا کو

سراسر جمله عالم پر شهیدست

شهیدی چون حسین کربلا کو

سنایی، دیوان اشعار، قصاید§

ص:۱۳۰



۴ـ مولانا خالد نقشبندی که پیروان بسیاری در جهان اسلام دارد در ضمن سفری که به مشهدالرضا علیه‌السلام دارد توسل به امام جسته است:

جانا به شاه مسند لولاک که از شرف

بر تارک شهان اولوالعزم افسر است

آنگه به حق آن که بر اوراق روزگار

بابی ز دفتر هنرش باب خیبرست

۵ـ شیخ رضا طالبانی:

یارب به کرامات رسول و ثقلین

یا رب به قضا کننده بدر و حنین

عصیان مرا دو حصه کن در عرفات

نیمی به حسن ببخش و نیمی به حسین

ج ــ توسل جستن به حق و مقام معصومین:

آیا توسل جستن به این معنی که بگوییم خداوند به حق یا به جاه و مقام رسول‌اللّه یا ائمه علیهم‌السلام ما را ببخش درست است؟

الف) قول به کراهت: بعضی‌ها می گویند این کار مکروه است و حنفیان از امام ابوحنیفه نقل کرده‌اند که وی گفته: من از به کار بردن به حق پیامبر و به حق اولیاء، کراهت دارم، چون اینها حقی به گردن خداوند ندارند. §الموسوعهٔ الفقهیهٔ الکویتیهٔ، ج ۷، ص ۲۶۳.§

در پاسخ به این سخن برخی علمای حنفی پاسخ داده‌اند که حق اینجا بر دو نوع است یکی حق وجوبی که این فرض باطل است یعنی هیچ موجودی بر خداوند حق وجوبی ندارد. ولی حق دیگری است که خداوند خود فرض کرده چنان که فرمود: «و کـذلک حَقـا عَلینـا نُنْجی المومنین» §سوره یونس / آیه ۱۰۳.§ و لـذا از این منظر اشکالی ندارد. ابن تیمیه با استناد به سخن ابوحنیفه این کراهت را کراهت تحریفی دانسته در صورتی که بنابر نظر علمای حنفی کراهت در مسائل اعتقادی کراهت تنزیهی می‌باشد. به هر روی بر فرض صدق، این مدعی فقط برای پیروان این عقیده واجب الطاعه است، نه سایر مسلمانان و این به شرطی است که جمهور و یا قاطبه علمای این مذهب بر آن اجماع داشته باشند که در عالم واقع خلاف آنرا مشاهده می کنیم.

ب) دلیل دوم که در راستای نظریه کراهت آورده‌اند عدم توسل به اصحاب در زمان حیاتشان می‌باشد یعنی اصحاب خدا را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جهت توسل قسم نداده‌اند. در پاسخ این اشکال و اعتقاد باید گفت که: اولاً در برخی روایات آمده که ما به خدا توسل

ص:۱۳۱



می‌جوییم (بنبیّنا یعنی بِحَقّ نبیّنا) .

ثانیا عدم عمل اصحاب دالّ بر حجیّت نیست و بسیاری از فقها از جمله شافعیان قول و فعل اصحاب را حجت نمی‌دانند و برخی از علمای حنفی هستند که قول اصحاب را حجت می دانند.

در ادامه دلایل برخی از سلفیان که توسل به حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بعد از وفات را حجت نمی‌دانند و در آن به

عمل اصحاب استناد کرده‌اند ما شاهد روایاتی در تفسیر ابن کثیرو ... هستیم که در زمان خلافت عثمان سائلی حاجتش را با عثمان بن حنیف در میان گذاشت، وی گفت: وضو بگیر و در مسجد نماز بگزار. آنگاه بگو پروردگارا من بوسیله رسول تو، رو به سوی تو می‌آورم و از تو درخواست می‌کنم که حاجتم را برآورده کنی و این مرد چنین کرد و حاجتش برآورده شد. §برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به دلائل النبوهٔ بیهقی و موسوعهٔ الفقهیهٔ الکویتیهٔ، ج ۲۴ و المعجم الصغیر طبرانی، ج ۱، ص ۱۸۳.§

ج ـ دلیل دیگر سلفیه بر عدم جواز توسل استدلال به آیه شریفه «فلا تدعوا مع اللّه احدا» §سوره جن، آیه ۱۸.§می‌باشد، یعنی با خدا کسی را نخوانید.

در پاسخ به این اشکال باید گفت که اگر تأملی به قبل این آیه داشته باشیم متوجه می‌شویم که آیه در مورد کسانی است که همراه با خدا افراد بشری را می‌پرستیدند و لذا قبل از این آیه می‌فرماید: «و اِنَّ الذین تدعون مِنْ دونِ اللّه عبادٌ امثالُکُمْ». §سوره اعراف، آیه ۱۹۴.§و بعد در ادامه می گوید «فلا تدعوا مع اللّه احدا» و اگر منظور از خواندن و دعا در آیه همان خواندنی باشد که در برابر خدا انجام می‌دهیم آری هیچ کس از مسلمانان آنرا جایز نمی‌داند، ولی باید توجه داشت که هر دعایی عبادت نیست – مثلاً وقتی کسی را صدا می‌زنیم می گوییم یا جعفر یا رضا این معنی عبادت نیست. در روایات نیز که آمده (الدعاءُ هو العبادهٔ) §مناوی، الفیض، ج ۳، ص ۵۴۰.§یعنی دعای خداوند از جمله عبادات است ولی هر صدا زدنی به معنی عبادت محسوب نمی‌شود.

دلیل دیگر بر نفی توسل آیه (إنْ تدعوهم لا یسمعوا دعائکم) می‌باشد. یعنی اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی‌شنوند.

ص:۱۳۲



د ـ و نیز آیه «والّذین تدعون من دون اللّه لا یملکون من قطمیر». §سوره فاطر، آیه ۱۳.§

یعنی کسانی را که به غیر از خدا می‌خوانید اینان مالک هسته خرمایی هم نیستند.

و نیز آیه «وَ لَوْ سَمِعُوا ما استَجابوا لَکُمْ» §سوره فاطر، آیه ۱۴.§یعنی اگر هم بشنوند دعای شما را اجابت نمی‌کنند.

باید توجه داشت که این آیات در مورد بت‌پرستان است که بت‌ها را می‌پرستیدند و از آنها طلب یاری می‌خواستند و قیاس آن با مسلمانان که به خدای یکتا ایمان دارند و پیامبران را نمی‌پرستند، یک قیاس مع الفارق است ـ در آیه «عبادٌ امثالکم» هم که ذکر آن گذشت راجع به مشرکان است که بت‌ها را در ادامه جهان شریک خداوند می‌دانستند و حال آیا این را می‌توان با مسلمانی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بنده و فرستاده خدا می‌داند و هر روز در نمازش بارها می گوید (و اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمدا عَبْدُه و رَسُوله) مقایسه کرد؟

و بنا به گفته ابن عبدالوهاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قبرش زنده است و زندگی برزخی ایشان از برخی شهدا عالی‌تر است و صدای درودگویان را می‌شنوند. §ابن عبدالوهاب، رساله کشف‌الشبهات به نقل از الرسول یدعوکم، ص ۲۹۵.§

ه ـ آیه دیگری که امروزه و در سالهای اخیر وهابیان زیاد روی آن تاکید دارند این آیه شریفه است: «ما یَعْبدونَهم إلاّ لِیُقَرِّبونا إلی اللّه زُلفی». §سوره زمر، آیه ۳.§

یعنی وقتی به بت‌پرستان گفته می‌شد که این‌ها را چرا عبادت می‌کنید می گفتند ما این‌ها را وسیله تقرب به خدا قرار می‌دهیم و سپس طبق این آیه متوسلین به رسول و ائمه را کافر می‌دانند، اما آیا به راستی نعوذ باللّه شأن و جایگاه رسول خدا با بت گلی و چوبین یکی است از طرفی در ادامه آیه می‌فرماید «اِنّ اللّهَ لا یَهدی مَنْ هو کاذبُ کَفار» یعنی اینها اصلاً خدای خود را قبول

نداشتند و در جواب مسلمین به دروغ می‌گفتند که ما بت را نمی‌پرستیم و آن صرفا وسیله تقرب ماست.

د ـ توسل در زمان حیات آری؟ در زمان ممات خیر!

دلیل دیگر وهابیان این است که ما دلیلی بر توسل نداریم چون پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رحلت کرده و دیگر کاری از ایشان ساخته نیست ولی در زمانی که ایشان در قید حیات بودند

ص:۱۳۳



توسل را قبول داریم در اینجا بسیاری از علما همچون دکتر رمضان بوطی از سوریه پاسخ گفته‌اند که چون ما قایل به تأثیر ذاتی رسول و ائمه در شفاعت نیستیم لذا فرقی در زمان حیات و ممات این حضرات نمی‌کند به طور مثال زمانی که اصحاب در منا و در حین حلق و تقصیر به موی ایشان تبرک جستند، طبیعی است که موی حضرت پس از جدا شدن جان ندارد و مرده است چون از ریشه و پیاز مو منقطع شده و در هیچ یک از احادیث فریقین هم نیامده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بفرمایند ای مردم این موی من را تا وقتی که من زنده هستم به آن تبرک بجویید. §دکتر رمضان بوطی، فقه السنة، ص ۳۵۵.§

ه ـ آیا توسل به مرده خطاب به معدوم است؟

دلیل دیگر وهابیان این است که توسل به مرده حرف زدن با یک جسم متلاشی شده و معدوم است و لذا تاثیری ندارد. در پاسخ باید گفت این سخن خلاف آیات، روایات و سیره مسلمانان و حتی قول خود عبدالوهاب مؤسس این فرقه است. از قرآن می‌خوانیم که «و لا تَحْسَبَنَّ الذین قُتِلوا فی سبیلِ اللّه اَمواتا بَلْ اَحیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِم یُرْزَقون» §سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.§یعنی این شهدا زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند. امروزه مردم بر سر مزار حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می گویند (السلام علیک یا نبیّ اللّه) پس پیامبر می‌شنوند که ما به ایشان سلام می‌دهیم و سلام بر حضرت در تمام فقه فرق اسلامی وارد شده است. عبدالوهاب هم قایل به حیات برزخی بوده و لذا هیچ دلیلی وجود ندارد که می‌توان از حضرت در روز قیامت و زمان حیاتشان طلب شفاعت کرد ولی در حیات برزخی ایشان این غیر ممکن است.

از طرفی علم ارتباط با ارواح نیز این مسأله را تأیید می کند:

فرید وجدی در دائرةالمعارف خود می‌نویسد: «پروردگار متعال در عصر ما دو دریچه از علم به روی ما برگشوده و دلایل این دو برای اثبات این که انسان دارای روحی است که می‌تواند بدون احتیاج به بدن به زندگی و فعالیت مستقل بپردازد کاملاً قانع‌کننده و بی‌اشکال می‌باشد. §دائرةالمعارف قرن بیستم، ماده «روح»، ج ۱۴، ص ۳۶۵.§

از قرن نوزدهم علم اسپری‌تیسم (Spirtisme) یا مخابره با ارواح پس از یک سلسله

ص:۱۳۴



مطالعات و آزمایش‌های دقیق توسط بزرگ‌ترین محققان جهان به حقیقت آن پی برده شد و در امریکا و اروپا احضار روح وارد دنیای علم گردید. §برای تفصیل رجوع شود به کتاب عالم پس از مرگ، اثر لئون دنی، صص ۷۸-۸۲.§

از معلومات و حقایقی که از ناحیه ارواح در جلسات احضار روح برای دانشمندان کشف و مشاهده شد می‌توان نتیجه گرفت که مسلما انسان در ماورای این بدن دارای روحی مستقل است که با مرگ از بین نمی‌رود و ارتباط ارواح مردگان با ساکنین زمین بهترین دلیل بر استقلال و بقای روح و توانمندی بیشتر آنها بر بسیاری از کارها به اذن خداوند است. §گذشته و آینده

جهان، اثر نویسنده، صص ۹۶-۱۰۱.§

ارواح خجسته و پرهیزگار که از قفس دنیا آزاد گشته‌اند احساس و ادراکاتشان فزونی یافته و در مسیر صعودی خود مرز و انتهای محدود زمان و مکان نداشته با کمال سهولت به اعماق آسمانها و در دل دریاها راه یابند و آنها را با همان عظمت شکوه مشاهده کنند.

در نهایت ذکر این نکته بایسته است که با نظری در سخنان و دعاهای معصومین علیهم‌السلام درمی‌یابیم که سخنان این بزرگان توحید ناب است و پیوسته آکنده از ذکر (یا رب) است. در مفاتیح‌الجنان به نقل از امام صادق علیه‌السلام در آداب زیارت حضرت رسول آمده که در طلب حاجت خود پس از زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رو به قبله کن و حاجت خود را بخواه. ولی بعضی از وهابیان فکر می‌کنند که ما پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را می‌پرستیم که این کاملاً اشتباه است.

ص:۱۳۵



خلاصه درس هفتم

توسل در لغت به معنی تقرب است و در اصطلاح دارای معنی وسیعی می‌باشد که بطور کلی شامل هر نوع وسیله مشروعی جهت رسیدن به قرب الهی می‌باشد. توسل دارای دو نوع مجاز و غیرمجاز می‌باشد که توسل‌های مجاز عبارتند از: توسل به اسماء و صفات الهی، توسل به ایمان، توسل به اعمال صالح، به نبی مکرم اسلام و توسل‌های غیرمجاز عبارتند از: توسل به طاغوت، بت، در، دیوار، توسل به صورت تذلل، پارتی‌بازی و تأمل به تأثیر مستقل بودن. در این میان برخی از مسلمانان توسل به پیامبر بعد از وفات را قبول ندارد ولی در مقابل بسیاری از علما و شعرای نامی اهل سنت و یا عمل خود خلفای راشدین خلاف این مطلب را ابراز می‌دارند.

ص:۱۳۶



نمونه سؤالات

۱ـ معنی لغوی توسل را توضیح دهید. (با توجه به سخنان راغب و علامه طباطبایی)

۲ـ توسل‌هایی که به اتفاق همه علمای اسلامی جایز می‌باشند را نام ببرید.

۳ـ مراحل توسل به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نام برده و توضیح دهید.

۴ـ توسل‌های غیرمجاز را نام ببرید.

۵ـ در زمینه توسل به معصومین بعد از وفاتشان نظرات مختلف را ذکر کنید و به تحلیل آنها بپردازید.

۶ـ برخی از حنفیان می‌گویند که توسل جستن به حق پیامبر مکروه است. این سخن را با دلایل علمی و حدیثی نقد و بررسی کنید.

۷ـ وهابیان توسل به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بعد از وفات را جایز نمی‌دانند، علت این اعتقاد چیست؟ با دلایل عقلی و نقلی به نقد و بررسی آن بپردازید.

ص:۱۳۷

↕

نمونه سؤالات تستی درس هفتم

۱ـ علت منع دولت عربستان از زیارت قبرستان بقیع کدام یک از موارد زیر نیست؟

الف) آنها فکر می کنند ما اصحاب قبور را می‌پرستیم

ب) آنها فکر می کنند شیعیان حاجت خود را مستقیما از صاحب قبر می‌خواهند

ج) آنها این کار را شرک می‌دانند

د) آنها با اهل بیت رابطه خوبی ندارند

۲ـ یکی از مهم‌ترین آیات در مورد توسل آیه . . . . است.

الف) مائده / ۳۵ ب) بقره / ۱۲۰

ج) احزاب / ۳۳ د) دهر / ۸

۳ـ در میان مردم عربستان توسل به چه معنی می‌باشد؟

الف) تقرب ب) پارتی‌بازی ج) شفاعت د) تمام موارد

۴ـ از نظر مرحوم طبرسی منظور از وسیله چیست؟

الف) اجتناب از معاصی ب) نزدیکی با طاعات

ج) بالاترین درجات بهشت د) تمام موارد

۵ـ از جمله شواهد توسل مردم به پیامبر در زمان حیات ایشان کدام یک از موارد زیر است:

الف) سبقت جستن برهم هنگام وضوی پیامبر جهت استفاده از آب وضوی حضرت

ب) برداشتن موی حضرت بعنوان تبرک در زمان حلق یا تقصیر

ج) تنسانا من دعائک

د) تمام موارد

۶ـ آیه (و یعبدون من دون‌اللّه ما لا یضرهم و لاینفعهم) ناظر به کدام یک از اقسام توسل است:

الف) اعتقاد به تأثیر ذاتی و مستقل ائمه

ب) توسل به بت، در، دیوار و . . .

ج) توسل با تذلل

ص:۱۳۸

↕

د) توسل به معنی پارتی‌بازی

۷ـ امام محمد غزالی در . . . . می گوید: مستحب است تا زائر هر روز به زیارت بقیع برود و بعد از سلام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم . . .

الف) المغنی ب) احیاءالعلوم

ج) المیزان د) تهافهٔ الفلاسفه

۸ـ توسل جستن به حق و مقام اولیاء الهی در میان کدام یک از مذاهب اسلامی مکروه است؟

الف) زیدی ب) حنبلی ج) حنفی د) اسماعیلی

۹ـ طبق روایت موجود در تفسیر ابن کثیر از اهل سنت در زمان کدام یک از خلفا شخص سائل با وسیله قرار دادن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حاجت خود را از خداوند مسألت نمود؟

الف) جناب ابوبکر ب) جناب عمر

ج) جناب عثمان د) منصور عباسی

۱۰ـ بنا به گفته . . . . پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قبرش زنده است و زندگی برزخی ایشان از شهدا عالی‌تر است.

الف) احمدامین مصری ب) جبران خلیل جبران

ج) ابن عبدالوهاب د) ابن تیمیه

۱۱ـ کدام یک از دلایل زیر ناقض این سخن است: توسل به مرده خطاب به معدوم است.

الف) عدم قائل بودن به تأثیر ذاتی در شفاعت

ب) سوره آل عمران / آیه ۱۶۹ ـ و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل‌اللّه امواتا

ج) علم مخابره با ارواح (spirtisme)

د) موارد ب و ج

یادداشت

...

...

...

...

...

...

ص:۱۳۹

↕

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ص:۱۴۰

↕

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

درس هشتم پاسخی به کتاب منهاج‌السنه / ابن تیمیه

اشاره

ص:۱۴۱



هدف از این درس:

ـ آشنایی با شخصیت ابن تیمیّه و علل بدبینی وی به شیعیان

ـ بررسی شایعه دخالت خواجه نصیر در براندازی حکومت وقت

ـ پاسخ به برخی اتهامات وارده در کتاب منهاج‌السنه

ص:۱۴۲



درس هشتم

پاسخی به کتاب منهاج‌السنه / ابن تیمیه

بسم اللّه الرحمن الرحیم

مقدمه

تقی‌الدین احمدبن عبدالحلیم مشهور به ابن تیمیه حرانی دمشقی حنبلی در سال ۶۶۱ ه . ق در شهر حران ترکیه نزدیک شهر اورفا متولد شد. هنوز به سن هفت سالگی نرسیده بود که مغول‌ها بعد از تصرف عراق به حران حمله کردند و خانواده‌اش مجبور به مهاجرت به شام شدند.

ابن تیمیه در عصر فتنه مغول زندگی می‌کرد و بسیاری از عمر خود را در زندان و یا تبعید و یا مسافرت بین شام و مصر گذراند. او به مصر سفر کرد تا حاکمان آن دیار را بر ضد مغول‌ها به جهاد تشویق نماید.

در آن روزگار مغولان که از اختلاف و تخاصم شدید شیعه و سنی و قتل عام شیعیان در کرخ بغداد باخبر شده بودند، فرصت را غنیمت شمردند، و به عراق حمله کردند و این سرزمین را به تصرف خود درآوردند و کتابخانه‌ها را غارت و علما را آواره ساختند.

خواجه نصیرالدین طوسی، عالم بزرگ شیعه با تدبیری که داشت برای بازگرداندن علما و کتاب‌ها، وزارت اقتصاد هلاکو را پذیرفت، و با تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ و رصدخانه مراغه، کتاب‌های به غارت رفته و علمای آواره شده را جمع کرد.

اما دشمنان و متعصبین شایع کردند که خواجه نصیر، مغول‌ها را راهنمایی کرده که به بغداد حمله کنند و خلیفه عباسی المستعصم را به قتل برسانند و بسیاری از علما و مسلمانان را بکشند و صدها کتابخانه و صدها هزار جلد کتاب‌های علمی را نابود کنند.

در آن زمان یکی از علمای بزرگ شیعه، جمال‌الدین، ابن مطهر حلی معروف به محقق حلی (۶۴۸-۷۲۶ ه . ق) که در علم کلام شاگرد خواجه نصیر طوسی بود و کتاب

ص:۱۴۳



وی تجرید الاعتقاد را شرح کرده بود کتابی در اثبات امامت نوشت بنام «منهاج الکرامهٔ».

ابن تیمیه که از شهر حران، شهر ناصبیان و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام به شام شهر غالیان اسماعیلی مهاجرت کرده و از حمله مغول بسیار خشمگین بود، باعث شد که شایعه دخالت خواجه نصیر و شیعیان در هدایت مغول‌ها برای حمله به کشورهای اسلامی را بدون تحقیق بپذیرد، و کارهای غلوآمیز فرقه‌های غلاهٔ نصیریه و غلاهٔ اسماعیلی را به تمام شیعیان تعمیم دهد، و کتابی در رد «منهاج الکرامه» علامه حلی به نام «منهاج السنهٔ النبویهٔ فی نقض کلام الشیعهٔ القدریهٔ» بنویسد و در آن شیعه را با فرقه یهود و نصاری مقایسه کند وبه تکفیر آنان بپردازد. به عنوان نمونه در فصل اول می‌نویسد:

«روافض با کفار و منافقان یهودی، مسیحی، مشرک و اصناف مختلف ملحدان مثل نصیریه، اسماعیلیه و غیره دوست بوده هنگام اختلاف، مشرکان و اهل کتاب را بر علیه مسلمانان یاری می‌دهند همچنان که این کار به مراتب تکرار و تجربه شده است مثل یاری مغولان و غیره بر ضد مسلمانان در خراسان، عراق، جزیره، شام و ...». §مختصر منهاج‌السنه، ابن تیمیه، ترجمه اسحاق دبیر، انتشارات حقیقت ۱۳۸۶، ص ۵۹.§

شایعه دخالت خواجه نصیر در سقوط خلافت عباسیان

عبدالّله بن فضل شیرازی که کتاب خود را حدود سال ۷۲۹ ه . ق به رشته تحریر درآورده می‌نویسد: «خلیفه به عیاشی و خوش گذرانی مشغول بود و وزیرش ابن علقمی بر امور تسلط داشت، فاجعه کرخ که فرماندهی آن را پسر خلیفه به عهده داشت و برای حمله به کرخ و به اسارت گرفتن پسران و دختران که در بین آنها علوی‌ها هم بودند سپاهی روانه کرد، سبب شد تا ابن علقمی دست به انتقام‌جویی بزند، این حادثه او را واداشت تا با مغول‌ها مراسله نماید و آنان را به بغداد فرا خواند». §حسن امین، اسماعیلیون و مغول و خواجه نصیرالدین طوسی، ترجمه مهدی زندیه تهران، مؤسسه دائرهٔالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۳۸۹-۳۹۰.§

همان‌طور که از این گزارش برمی‌آید، عیاشی مستعصم آخرین خلیفه عباسی از سویی، و به راه انداختن اختلاف بین شیعه و سنی و کشتار و اسیر گرفتن شیعیان و دختران و پسران علوی توسط پسر خلیفه در کرخ بغداد از سوی دیگر، عامل اساسی پراکنده‌سازی مردمان و لشکریان و سقوط ارتش نفوذناپذیر بغداد بود اما سیاستمداران جنگ میان مسلمانان و مغولان را به جنگ داخلی میان شیعه و سنی کشاندند و توسط

ص:۱۴۴



متعصبین همه تقصیرها را متوجه ابن علقمی شیعه کردند، در صورتی که کار لشکر و ارتش در دست ابن‌علقمی نبود، بلکه

برعهده شرابی بود.
حتی اگر این مسئله درست باشد که ابن علقمی متوسل به بیگانگان شده باز عامل اصلی آن اختلافات و تفرقه‌افکنی‌ها و فسادهای فراوان و ظلم و ستم بی‌حد خلیفه و پسرش و درباریان بوده است.
و از آنجا که خواجه نصیرالدین طوسی با علم و درایت فراوانی که داشت وزارت اقتصاد و دارایی هلاکوخان را پذیرفت تا به کنترل مظالم آنان بپردازد و به جمع‌آوری کتاب‌های به غارت رفته، و علمای متواری شده همت گمارد، او را متهم کردند که کشتن خلیفه و سقوط خلافت به راهنمایی او بوده است. ابن تیمیه در مجموعه الرسائل خود می‌نویسد:
«مغولان با کمک ملحدان [اسماعیلی] و کارگردانی نصیرالدین طوسی بر کشورهای اسلامی یورش بردند، او بود که دستور کشتن خلیفه و از میان بردن حکومت وی را صادر کرد». §مجموعه الرسائل، ابن تیمیه، قاهره ۱۹۰۵، ص ۹۷.§
دکتر عبدالهادی حائری که در این باره با منابع دست اول تحقیق شایسته‌ای به عمل آورده می‌نویسد: ما در این زمینه نمی‌توانیم بیش از چند ماخذ را مورد توجه قرار دهیم، یکی از آنها طبقات ناصری است که از سوی منهاج سراج جوزجانی در سال ۶۵۸ ه . ق یعنی چند ماه پس از سقوط بغداد نوشته شده است. جوزجانی بارها پیرامون خلیفه وقت المستعصم، سخنانی ستایشگرانه آورده ولی هرگز هجوم مغولان به بغداد را به طوسی پیوند نداده است.
کتاب دیگر تاریخ مختصر الدول ابن العبری (۶۲۴-۶۸۱ ه . ق) می‌باشد، این ماخذ دست یکم بخش کوتاه و فشرده پیرامون خواجه نصیر طوسی دربر دارد ولی هرگز از اینکه خواجه نصیر نقشی در فتح بغداد داشته است سخنی به میان نمی‌آورد.
سومین منبع مهم در این زمینه الحوادث الجامعه ابن القوطی است که تاریخ نگارش آن به ۶۵۷ ه . ق یکسال پس از فتح بغداد برمی‌گردد، وی ضمن سخن از سقوط بغداد و کشته شدن خلیفه آنرا به طوسی نسبت نمی‌دهد.
سرانجام باید از نوشته‌های خود طوسی در این زمینه یاد کنیم: وی درباره یورش
-۱
ص:۱۴۵
↨
مغولان رساله‌ای با عنوان «کیفیت واقعه بغداد» نوشته، ولی در زمینه فعالیت خود در این یورش سخنی نگفته است.
بدین‌سان در کهن‌ترین منابع هیچ دلیل و نشانه‌ای درباره نقش موثر طوسی در یورش هلاکو به بغداد نمی‌توان یافت. §عبدالهادی حائری، ایران و جهان اسلام، مشهد مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۰.§
اخیرا کتابی از سوی یکی از پژوهشگران وهابی عربستانی بنام دکتر سعدبن حذیفه الغامدی عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه ملک سعود چاپ و منتشر شده بنام: سقوط الدوله العباسیه و دور الشیعه بین الحقیقه و الاتهام.
این کتاب در سال ۱۴۲۵ ه . ق از سوی دار ابن حذیفه در ریاض به چاپ رسیده است مؤلف در بخشی از فصل پنجم کتاب (ص ۳۳۰ تا ۳۵۱) به بررسی تهمت نقش داشتن شیعیان در سقوط بغداد پرداخته و آنرا نقد کرده است. وی همچنین با بررسی موشکافانه و عالمانه‌ای آخرین وزیر خلیفه عباسی یعنی موید الدین محمد بن علقمی را نیز از این تهمت بری دانسته است. §اندیشه‌های صادق، شماره ۱۶-۱۲ پاییز ۸۳ تا تابستان ۸۴، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام ، ص ۶۸.§
امروز ایادی آمریکا نیز می‌کوشند که وانمود کنند که این کار شیعه در تمام طول تاریخ تا به امروز است و حمله آمریکا و انگلیس به بغداد و افغاستان را به شیعیان نسبت دهند و اسلحه القاعده را از خود به سوی شیعیان بچرخانند در صورتی که در طول تاریخ همواره شیعیان جانب برادران اهل سنت را نگاه داشته به عنوان نمونه کریم خان زند بر همین اساس بصره را تخلیه

کرد و عباس میرزا بـه قبـول عهـدنامه ارض روم تـن در داد و دولت ایران در جنـگ روس و عثمـانی دهه آخر سـده سـیزدهم هجری از ورود در توطئه با روسیه برای استفاده از موقع شکست عثمانی به عذر هم‌دینی خودداری کرد. §مقدمه کتاب اسلام آئین همبستگی بقلم استاد محیط طباطبایی، تهران، مؤسسه نشر زکات علم، ۱۳۷۷.§و بـا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شیعیان، آمریکا و صهیونیسم را از مملکت بیرون نمودند و سفارتخانه اسرائیل را به فلسطینیان دادند و تا به امروز اکثر کمک‌ها را مردم ایران به مردم فلسطینی کردند که سنی هستند.

ص:۱۴۶



تهمت‌های خلاف واقع

ابن تیمیه در فصل دوم، شیعیان را به یهودیان تشبیه می‌کند تا بگوید شیعه زاییده یهود بوده و برای براندازی اسلام است. وی می‌نویسد:

۱ـ یهودیان می‌گویند: تا زمان خروج مسیح، جهاد در راه خدا لازم نیست، و روافض نیز می گویند تا زمان خروج مهدی جهاد در راه خدا لازم نیست. §مختصر منهاج السنه، ابن تیمیه، ترجمه اسحاق دبیر، انتشارات حقیقت، ۱۳۶۸، ص ۶۲.§

* پس آن همه مبارزه بزرگ علمای اصولی در زمان میرزای شیرازی اول و دوم، و شیخ الشریعه، علیه انگلیس و علمای دوره مشروطه و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) علیه آمریکا و مبارزه حزب‌اللّه لبنان علیه صهیونیسم چیست؟ شگفت اینکه کسی این ایراد را بر شیعه می‌گیرد که خود معتقد است باید در برابر حاکمان ظالم و فاسق سکوت کرد.

۲ـ یهودیان نماز را تا هنگام ظاهر شدن کامل ستارگان به تعویق می‌اندازند و روافض نماز مغرب را تا ظاهر شدن ستارگان به تاخیر می‌اندازند. §همان، ص ۶۳.§

* اولاًـ بعضی از فقهای شیعه وقت نماز مغرب را همان اول غروب می‌دانند و بسیاری وقت مغرب را هنگام برطرف شدن سرخی مشرقی می‌دانند نه ظاهر شدن کامل ستارگان. تقریبا همان مقداری که در مسجدالنبی نماز مغرب را بعد از اذان به تأخیر می‌اندازند.

۳ـ یهودیان اندکی از قبله‌شان متمایل می‌شوند، روافض نیز چنین‌اند.

* شیعیان مانند سایر مسلمانان براساس قبله‌نما و سایر علائم تشخیص قبله نماز می‌خوانند و هرگز از جهت قبله تعیین شده متمایل نمی‌شوند و چنین چیزی نه در فقه شیعه است و نه در فقه یهود.

اما یهودیان وقتی به نماز می‌ایستند، کسی نباید از جلو آنها عبور کند §شرعیات دین یهود، ص ۲۹.§سنیان نیز چنین‌اند. و حتی بعضی شخص عابر را به شدت کنار می‌زنند §الفقه الاسلامی و ادلته، وهبه الزحیلی، ج ۲، ص ۹۶۴.§آیا این دلیل بر پیروی اهل سنت از فقه یهود است؟!

۴ـ یهودیان در نمازشان دست و پا تکان می‌دهند، روافض نیز چنین‌اند.

* اولاً هرگز شیعه در نماز دست و پایش را تکان نمی‌دهد؟ ثانیا یهودیان در نماز آمین

۱-

۲-

۳-

-۴

ص:۱۴۷



می گویند، اهل سنت هم در نماز آمین می گویند آیا درست است که بگوییم مذاهب اهل سنت زاییده دین یهودند؟

۵ـ یهودیان عده‌ای برای زنان قائل نیستند، روافض نیز چنین‌اند.

* عده زنان نص صریح قرآن است و تاکنون هیچ شیعه‌ای آنرا ملغی ندانسته است.

۶ـ یهودیان تورات را تحریف کردند، روافض نیز قرآن را تحریف کردند.

* هرگز شیعه قرآن را تحریف نکرده و جمهور علمای شیعه قائل به عدم تحریف قرآنند و تنها چند نفر نظر شخصی به تحریف قرآن داده و سایر علما به شدت آنرا پاسخ داده‌اند.

۷ـ یهودیان مخلصانه به مؤمنان سلام نمی کنند، و بلکه می گویند: السام علیکم و «سام» به معنی مرگ و نابودی است، روافض نیز چنین‌اند.

* این مسئله که افترای محض است اما در مورد سلام این حقیقت دارد که اگر کسی به یهودی در حال نماز سلام کند هرچند شخص مهمی باشد نباید جواب سلامش را بدهد §شرعیات دین یهود به اهتمام هاراویدید آذرچیان، بی‌تا، ص ۲۹.§در مذاهب اربعه نیز چنین است اما در مذهب امامیه واجب است سلام را مانند آن جواب داد. §الفقه علی المذاهب الخمسه محمد جواد مغنیه، ص ۱۴۵.§به دستور قرآن که می‌فرماید: اذِ حُیِیتُم بتَحیهٍ فَحُیوا باحسنِ مِنها او رُدّوها. §نساء: ۸۶.§

۸ـ یهودیان ماهی زناب و مار ماهی را نمی‌خورند، روافض نیز چنین‌اند.

در فقه امامیه هر نوع ماهی که فلس ندارد، خوردن آن جایز نیست براساس روایت امام صادق علیه‌السلام §من لا یحضره الفقیه، صدوق ابن بابویه، ج ۲، ص ۱۰۵، وسائل‌الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۳۰.§نه بر اساس شریعت یهود.

۹ـ یهودیان مسح بر خفین را جایز نمی‌دانند، روافض نیز چنین‌اند.

* یهودیان در وضویشان مسح پا ندارند، اهل سنت هم ندارند پس فقه اهل سنت از یهود گرفته شده است؟!

۱۰ـ یهودیان اموال همه مردم را برای خود مباح می‌شمارند، روافض نیز چنین‌اند.

* اما شیعیان هرگز مال مردم را برای خود مباح ندانسته و این یک افترای محض است.

ص:۱۴۸



۱۱ـ خداوند در قرآن در مورد یهود می‌فرماید: قالُوا لیسَ عَلینا فِی الاُمیین سَبیل (ما در برابر امیین غیر یهود، مسئول نیستیم) و روافض نیز چنین‌اند.

* کدام شیعه چنین سخن گفته به عکس شیعه همواره در کنار مردم مظلوم فلسطین و بوسنی ایستاده و خود را مسئول دانسته است.

۱۲ـ یهودیان با گذاشتن یک طرف سر بر روی زمین سجده می‌برند، روافض نیز چنین‌اند.

* آنچه در فقه امامیه آمده و همه به آن عمل می کنند گذاشتن پیشانی بر روی زمین و خاک است نه یک طرف سر.

۱۳ـ یهودیان قبل از سجده سرشان را مثل رکوع چندین مرتبه تکان می‌دهند، روافض نیز چنین‌اند.

* چنین چیزی نه در فقه شیعه آمده و نه در فقه یهود ولی یهودیان در نماز دست‌ها را روی پایین سینه قرار می‌دهند به طوری

که دست راست روی دست چپ قرار می گیرد مانند غلامی که در حضور اربابش ایستاده، §شرعیات فقه یهود، ص ۲۸.§اهل سنت نیز همین کار را می کنند و شیعیان این عمل را انجام نمی‌دهند. آیا درست است که نتیجه گیری کنیم که مذاهب اهل سنت ریشه در یهود دارند؟

۱۴ـ یهودیان با جبرئیل دشمنی می‌ورزند، و می گویند: او دشمن ما از بین ملائکه است روافض نیز چنین‌اند و می گویند: جبرئیل با وحی بر محمد به اشتباه رفت.

* و این نیز یکی دیگر از تهمت‌های خنده‌آور است و شیعه هرگز دشمن جبرئیل نبوده است و قائل به اشتباه وی نیست. و مسئله «خان الامین» از ساخته‌های دشمنان شیعه است.

۱۵ـ یهودیان فریب مردم را روا می‌دانند، روافض نیز چنین‌اند.

* شیعه فریب دادن مردم و غش در معامله را به شدت حرام می‌داند.

۱۶ـ یهودیان می گویند: طلاق جز به هنگام قاعدگی واقع نمی‌شود، روافض نیز چنین‌اند.

* عجیب مثل اینکه شایعه‌سازان همه چیز را وارونه به اطلاع ایشان رسانده‌اند. برعکس در مذهب شیعه طلاق به هنگام قاعدگی واقع نمی‌شود.

ص:۱۴۹



۱۷ـ یهودیان در گور لحد نمی‌سازند، روافض نیز چنین‌اند در حالی که برای پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم لحد ساخته شد.

* طرح این مسائل نشان می‌دهد که چقدر ایشان از فقه شیعیان بی‌اطلاعند و رجما با لغیب سخن می گویند در فقه شیعه صریحا آمده که از مستحبات دفن، حفر لحد دیواره قبر است (بان یحفر فی حائط القبر مما یلی القبله حفیرهٔ بقدر ما تسع جثته فیوضع فیها) . §تحریر الوسیله امام خمینی، نجف مطبعه الاداب، ۱۳۹۰ ه . ، ج ۱، ص ۸۹-۹۰.§

۱۸ـ بعضی از روافض مثل یهودیان گوشت مرغابی و شتر را حرام می‌دانند.

* هرگز در هیچ یک از کتب فقهی شیعه گوشت مرغابی و شتر حرام نشده و شیعیان از گوشت مرغابی و شتر می‌خورند.

۱۹ـ مثل یهودیان همیشه دو نماز را با هم جمع می کنند و در نتیجه در شبانه‌روز تنها در سه نوبت نماز می‌خوانند.

* اولاً یهودیان دو نماز را با هم جمع نمی کنند بلکه سه نماز دارند نماز در صبح، نماز در شب و هنگام خواب اما دلیل جمع خواندن شیعه این است که در صحیح مسلم از ابن‌عباس آمده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه نماز ظهر و عصر را جمع کردند. بدون اینکه در خوف و یا در سفر باشند، ابن عباس می‌افزاید: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خواستند که هیچ یک از امتشان به زحمت نیفتند. §صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۱۵-۲۱۶، کتاب صلاهٔالمسافرین، باب الجمع بین الصلاتین فی الحضر، حدیث ۷۰۵، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۴ و ۵۷.§

۲۰ـ مثل یهودیان می گویند: طلاق جز در صورت حضور شاهد واقع نمی‌شود. §مختصر منهاج‌السنه، ص ۷۰.§

* درست است که شیعیان شرط وقوع طلاق را حضور دو شاهد عادل دانسته‌اند اما نه به پیروی از یهود بلکه به پیروی از قرآن کریم که می‌فرماید: و اشهدوا ذوی عدل منکم. §سوره طلاق: آیه ۲.§

و بزرگان اهل سنت مانند شیخ ابو زهره آنرا برگزیده‌اند و گفته‌اند برای حفظ خانواده از انحلال مناسب‌تر است. §الاحوال الشخصیه، ابوزهره، ص ۳۶۵.§

همانطور که ملاحظه کردید اغلب مشترکات ذکر شده در کتاب منهاج السنه خلاف

-۱

-۲

-۳

-۴

-۵

ص:۱۵۰



واقع است اما می‌توان مشترکاتی میان فقه یهود یا فقه مذاهب اسلامی شیعه و سنی یافت که دلیل بر این نیست که مذاهب اسلامی از فقه یهود گرفته شده است بلکه دلیل بر اینست که اصل شریعت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی، محمد (سلام‌اللّه علیهم) یکی است.

چنانکه قرآن می‌فرماید:

شَرَعَ لکم مِن الدّین ما وَصّی به نوحا و الذی اَوْحَینا الیک و ما وصینا بِه ابراهیم و موسی و عیسی. §سوره شوری، آیه ۱۳.§

(آیینی را برای شما شریعت قرار داد که به نوح توصیه کرده بود، و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم) .

جای تعجب است که اکثر فقهای اهل سنت مانند جمهور فقهای حنفی و مالکی و بعضی از شافعیان و در روایت راجحی از احمد که ابن تیمیه پیرو آنست، شرایع پیشین از جمله شریعت یهود را در صورت عدم نسخ برای مسلمانان حجت می‌دانند، و اتفاقا شیعه و بیشتر شافعیان شریعت پیشین را حجت نمی‌دانند. §الوجیز فی اصول الفقه، وهبه الزحیلی، تهران، نشر احسان، ۱۴۲۳ ه . ص ۱۰۲-۱۰۳.§

بنابراین اگر بنا باشد تشابه برخی از احکام فقهی مذاهب را با فقه یهود، دلیل بر نشأت گرفتن آن مذهب از یهود بدانیم، مذاهب غیر شیعه و شافعی، اولویت دارند.

بعضی از حماقت‌هایی که به شیعه نسبت می‌دهند

و باز هم ابن تیمیه با استفاده از شایعات انتشار یافته توسط دشمنان شیعه، در بخشی از کتاب «منهاج السنه» حماقت‌هایی را به شیعه نسبت می‌دهد و متأسفانه امروزه نویسندگان افراطی وهابی همین شایعات را در کتاب‌های جدید خود نقل می‌کنند، بی‌آنکه کوچکترین تحقیقی در مورد آنها به عمل آورند به عنوان نمونه می‌نویسد:

۱ـ بعضی از ایشان توت شامی نمی‌خورند، در حالی که بسی بدیهی است که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یارانش از پنیری که در سرزمین‌های کفار درست می‌شد می‌خوردند. §مختصر منهاج‌السنه، ص ۷۱.§

* در هیچیک از کتب فقهی شیعه راجع به توت شامی چیزی نیامده، شاید عده‌ای توت شامی را دوست نداشتند و نمی‌خوردند.

۲ـ از استعمال کلمه عشره = ده و یا انجام کاری که متضمن ده باشد و حتی از ساختن

ص:۱۵۱



خانه با ده ستون خودداری می‌ورزند. و . . . علت این امر دشمنی روافض با بهترین صحابه پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد که ده نفر بودند. و در همین دنیا به آنها وعده بهشت داده شده بود. که عبارت بودند از ابوبکر، عمر، عثمان، علی، طلحه، زبیر، سعدبن ابی وقاص، سعید بن زید، عبدالرحمن‌بن عوف، و ابوعبیدۀ بن جراح. حتی اگر به فرض ده نفر در دنیا پیدا شدند که کافرترین مردم باشند باز هم ترک استعمال واژه ده لازم نیست و جای بسی تعجب است که روافض عدد نه را دوست ندارند. §مختصر منهاج‌السنه، ص ۷۱.§

* قضاوت این تهمت نیز به عهده خوانندگان. در میان شیعیان معاصر هیچ تنفری از عدد ده یافت نمی‌شود و اگر در گذشته گروهی چنین در میان غالیان سوریه بوده‌اند بهتر است مستند ذکر شود و همان گروه آن عصر مورد انتقاد قرار گیرند.

۳ـ خداوند می‌فرماید: اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون اللّه §سوره توبه، آیه ۳۱.§(آنان [یهودیان و مسیحیان]، دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند) .

در ترمذی و غیره حدیث صحیحی روایت شده که عدی بن حاتم گفت: ای رسول خدا آنها که علمای خود را عبادت نمی‌کردند، پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

انهم احلّو لهم الحرام و حرموا علیهم الحلال فاطاعوهم، فکانت تلک عبادتهم ایاهم.

یعنی علما حرام را برای آنها حلال می‌کردند و حلال را حرام می‌نمودند، و مردم اطاعت می‌کردند و همین به منزله عبادت کردن علما می‌باشد.

یهود و نصاری مردمی که وجود خارجی داشتند پروردگار می‌نامیدند و روافض حلال و حرام را به امامی معدوم معلق می‌سازند سپس هرچه واسطه‌های دروغین امام بگویند می‌پذیرند، حتی اگر مخالف قرآن، سنت و اجماع سلف صالح باشد حتی اگر خودشان بر سر دو قول اختلاف نمودند، قولی را صواب و درست می‌شمارند که قائلش ناشناخته باشد، زیرا همان را قول معصوم می‌دانند و حلال و حرامی را که این معدوم تشریح کرده می‌پذیرند، معدومی که بعضی از خود روافض می‌گویند او وجود دارد ولی هیچ کس او را نمی‌شناسد و هیچ کس نمی‌تواند چیزی از او نقل کند. §مختصر منهاج‌السنه، ص ۷۵-۷۸.§

ص:۱۵۲



* این سخن ممکن است در برخی از عوام غلاۀ اسماعیلی و نصیریه در زمانی صادق بوده ولی در شیعه امامی شارع فقط خدا و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اند، و قول و نقل ائمه اهلبیت علیه‌السلام را به جهت اینکه کاشف از قول پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است حجت می‌دانند همچنان که ائمه مذاهب اربعه در بسیاری از موارد به روایات ائمه و اهل بیت علیه‌السلام استناد کرده‌اند و حتی ابن عابدین در حاشیه خود می‌نویسد: المروی عن علی بن ابیطالب و ابن مسعود کالمروی عن رسول اللّه §حاشیه ابن عابدین، ج ۳، ص ۳۷۱.§و خود ائمه علیه‌السلام فرموده‌اند ما از خود چیزی نمی‌گوییم، و هرچه می‌گوییم از قرآن یا سنت جدمان، پیامبر خداست. و مکررا تاکید کرده‌اند که هر چیزی از ما روایت می‌شود اگر مطابق قرآن بود بپذیرید و هر چه مخالف قرآن بود آنرا رها سازید. §رجوع شود به مقدمه کتاب، اصول کافی کلینی.§

۴ـ و از حماقت‌های روافض اینکه: حیوانی و چیزی را به جای شخصیت‌های منفور خود گذاشته‌اند و آنها را شکنجه می‌دهند، و یا صحنه‌هایی را از این طریق بازسازی می‌کنند، مثلاً: گوسفند ماده‌ای که غالبا سرخ رنگ نیز می‌باشد - به خاطر مشهور بودن عایشه (رض) به حمیرا - می‌آورند و با کندن موهایش و کارهایی از این قبیل آن را اذیت و آزار می‌دهند و گمان می‌کنند که این کار به منزله عقوبت عایشه (رض) می‌باشد.

و یا مشکی پر از روغن می‌آورند و سپس شکم آنرا چاك می‌کنند، تا روغن از آن بیرون بریزد و آن روغن را می‌نوشند و می‌گویند: این کار مثل شمشیر زدن به عمر و نوشیدن خون اوست.
و یا اینکه مثلاً: دو الاغی را که به کار چرخاندن سنگ آسیاب گماشته شده‌اند، ابوبکر و عمر می‌نامند و سپس آن دو را شکنجه می‌دهند، و گمان می‌کنند که ابوبکر و عمر را شکنجه کرده‌اند.
گاهی بعضی از آنها اسامی ابوبکر و عمر را بر کف پاهایشان می‌نویسند و حتی یکی از والیان پاهای یکی از این افراد را شلاق می‌زد، با این تصور که ابوبکر و عمر را شلاق می‌زند و می‌گفت: من دارم ابوبکر و عمر را شلاق می‌زنم! و این کار را آنقدر ادامه می‌دهم تا هر دو را اعدام نمایم.
* به راستی اگر در زمانی یا در مکانی که چنین افرادی وجود داشته‌اند یا دیوانه بودند و یا دشمنان دانایی بوده‌اند که از سوی مغولان خواسته‌اند بدین وسیله میان مسلمانان



دشمنی ایجاد کنند و مسلمانان بجای تبری از مغولان از یکدیگر تبری بجویند، و با یکدیگر بجنگند. و متأسفانه بعضی آنقدر اسیر تعصبات و حب و بغض شده که این نوع کارهای احمقانه را به حساب یك عده از شیعیان سوریه گذاشته و آنگاه آنها را تا به امروز به کل شیعیان نسبت می‌دهند، و آن چنان کینه شیعه را با این دروغ‌ها در دل جوانان پرورش می‌دهند که آنان را به هر عمل تروریستی و ارهابی می‌کشانند، اینان فردای قیامت چه پاسخی دارند. آیا اینان جاهل قاصرند یا جاهل مقصر که حاضر نیستند در جمع شیعیان بیایند و با آنان به گفتگو بنشینند و یا لااقل از اهل سنت ایران بپرسند که آیا این کارهای احمقانه را تاکنون دیده و یا شنیده‌اند که شیعیان مرتکب چنین اعمال احمقانه‌ای شوند و آیا کسانی که چشم و گوش بسته و بدون تحقیق این تهمت‌ها را از ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب می‌پذیرند و در سطح وسیعی به تمام زبان‌ها ترجمه و منتشر می‌کنند مصداق آیه اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون اللّه نیستند که ابن تیمیه در سخن قبل آن را از کارهای شیعه برشمرده است؟!.

نتیجه‌گیری کلی

۱ـ همواره اختلاف امت‌ها در طول تاریخ موجب هلاکت و سقوط آنها بوده، باعث شده که بیگانگان بر آنان مسلط شوند.
۲ـ همواره حب و بغض افراطی، فرقه‌ها را کور و کر می‌کند و برای پذیرش هرگونه شایعه‌ای بی‌اساس علیه طرف مقابل آماده می‌سازد. تا جایی که بعضی کینه‌ورزی و حب و بغض افراطی را اصل ایمان می‌پندارند.
۳ـ توصیه قرآن را فراموش نکنیم که می‌فرماید: ان جاء کم فاسق بنبا فتبیّنوا. (اگر فاسقی برای شما خبری آورد درباره آن تحقیق کنید) متأسفانه ابن تیمیه و پیروانش بدون تحقیق در اثر حب و بغض افراطی شایعه دخالت خواجه نصیر را در سقوط خلافت بغداد پذی........ЉЬXو بسی...Љ...به پیروی از این شایعات در طول تاریخ چه غائله‌هایی به پا کرده و می‌کنند.
۴ـ امروزه بعضی از خاورشناسان که ایادی استعمارند هرگونه خبر تفرقه‌انگیز را در قالب تحقیقات تاریخی در میان مسلمانان منتشر می‌کنند نمونه آن تأیید دخالت خواجه نصیر در قتل مستعصم و سقوط بغداد است.
۵ـ خود را از تحقیق و سؤال و پرسش بی‌نیاز نبینیم که چه بسیار شایعاتی که روی مردم

↨

اثر می‌گذارد و بعد تبدیل به خبر متواتر می‌شود و برخی با آن بزرگ شده و حتی وقتی به درجاتی از علم رسیدند همان شنیده‌های دوران کودکی را تکرار و مستدل می‌سازند و آن شایعات بی‌اساس را در کتاب خود می‌آورند و پس از مدتی همین کتاب برای برخی مقدس و غیر قابل خدشه می‌شود. و بسیاری مصداق این آیه می گردند که اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون اللّه و مصداق ح.......نبوی می‌شوند که کورکورانه از حلال و حرام‌های علمای خود اطلاعت می کنند.

۶ـ حتی اگر شایعات قرون گذشته در مورد دست داشتن خواجه نصیر در سقوط بغداد حقیقت داشته باشد، نباید آنرا به مردم حال حاضر تسری دهیم و با نبش قبور کتب تفرقه‌انگیز مسلمانان امروز را که هیچ دخالتی در گذشته تاریخ نداشته‌اند، به جان هم اندازیم.

۷ـ همواره دو عامل اساسی نقش مهمی در تفرقه و تخاصم مسلمانان داشته است. یکی بی‌اطلاعی و جهالت مسلمان از یکدیگر و دیگری سیاست‌های تفرقه‌انگیز.

۸ـ اغلب مواردی را که به عنوان مشترکات فقه شیعه و یهود و یا حماقت‌هایی را که به شیعه نسبت داده شده کاملاً خلاف واقع و دارای جوابهای نقضی است.

۹ـ یکی از اشکالات مهم افراط‌گران مذاهب، جزیی‌بینی و کلی‌گویی و حساب دسته‌ای منحرف را به پای همه گذاشتن است چنانکه در کتاب منهاج السنه اشتباهات فرقه غلاهٔ اسماعیلی و نصیری را به حساب کلی شیعه گذاشته و متقابلاً بعضی از تندروان شیعه کار وهابیان افراطی را به حساب کل اهل سنت می‌گذارند.

۱۰ـ علمای اصولی شیعه از قرن سیزدهم نهضتی علمی علیه اخباریان کردند و آنها را کنار زدند و در نتیجه آن همه فاصله عمیق میان شیعه و سنی را کاهش دادند، ولی وهابیان افراطی، همچنان شیعیان امروز را همان شیعیان اخباری و اسماعیلی، و نصیری می‌پندارند و حاضر نیستند سخنی غیر از سخنان ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب را بپذیرند گویی که این دو پیامبراند.

ص:۱۵۵

↨

خلاصه درس هشتم

ابن تیمیه که متولد سال ۶۶۱ ه . ق می‌باشد و صاحب کتاب (منهاج‌السنه) می‌باشد بعلت زیستن در عصر حمله مغول و مشکلات ناشی از آن و نیز دیدن اعمال برخی از غلاهٔ شیعه به یک نتیجه‌گیری کلی و غیرمنطقی در مورد تمام شیعیان دست زده که متأسفانه امروزه نیز عقاید وی مبنایی برای فقه حنبلی و برخی از مردم عربستان می‌باشد.

مبارزه علمای شیعه علیه استعمار، اقامه نماز در اول وقت، عدم تمایل از قبله، استفاده از قبله‌نما، عمل به عده زنان طبق نص قرآن، عدم اعتقاد به تحریف قرآن، عدم دشمنی با جبرائیل امین و . . . همگی ثابت‌کننده این است که باید خلاف عقاید این کتاب اندیشید و تعمق نمود.

ص:۱۵۶

↨

نمونه سؤالات

۱ـ فضای عصر و زمانی که ابن تیمیه در آن می‌زیست چه تأثیری در نگرش وی و بدبینی به امامیه داشته است؟

۲ـ تهمتهایی را که به خواجه نصیرالدین می گویند از چه قرار است؟

۳ـ کتاب منهاج‌الکرامهٔ نوشته کیست و ابن تیمیه در برابر آن چه واکنشی نشان داد.

۴ـ با ذکر دلایل مستند شایعه دخالت خواجه نصیر در دسیسه حکومتی را بررسی و تحلیل کنید.

۵ـ جمع بین دو نماز در میان امامیه مستند به چه دلایلی است؟

ص:۱۵۷



نمونه سؤالات تستی درس هشتم

۱ـ ابن‌تیمیه در چه عصری می‌زیست؟

الف) عصر اموی ب) عصر

ج) عصر حمله مغول‌ها د) عصر معاصر

۲ـ کدام یک از خلفای عباسی با هلاکوخان مغول هم عصرست؟

الف) المستعصم ب) منصور ج) هارون د) مأمون

۳ـ ابن تیمیه کدام کتاب را در رد کتاب (منهاج‌الکرامهٔ) نگاشت؟

الف) منهاج‌السنهٔ ب) منهاج‌النبویه فی نقض الشیعهٔ

ج) تجریدالاعتقاد د) کلام‌الشیعه

۴ـ ابن تیمیه در کتاب خود شیعیان را با چه کسانی مقایسه کرده؟

الف) کافرون ب) مشرکان ج) یهود و نصاری د) مغول‌ها

۵ـ کدام یک از موارد زیر جزو حرکت‌های وحدت‌آفرین بین فریقین نیست؟

الف) تخلیه بصره توسط کریم‌خان زند

ب) قبول عهدنامه ارض روم توسط آقا محمدخان

ج) عدم همکاری ایران با روسیه در خصوص شکست عثمانی

د) تخلیه سفارت اسرائیل و تحویل آن به فلسطینیان

۶ـ خان‌الامین یعنی:

الف) روزی که داوران خیانت کردند

ب) روزی که به امناء الهی خیانت شد

ج) جبرئیل با وحی بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اشتباه رفت

د) جبرئیل وحی را بر علی علیه‌السلام نازل کرد

۷ـ دو عامل اساسی در تفرقه مسلمین کدامند؟

الف) بی‌اطلاعی مسلمین از اصول اسلامی و عدم وحدت

ب) بی‌اطلاعی مسلمین از یکدیگر و عدم وحدت

ص:۱۵۸



ج) سیاست‌های تفرقه‌انگیز و بی‌اطلاعی مسلمین از هم

د) استعمار و تندروی‌های سلفی گرایانه

۸ـ یکی از اشکالات مهم افراط گران مذاهب، . . . . و . . . . است.

الف) جزیی‌بینی و کلی گویی ب) کلی‌بینی و جزیی گویی

ج) جزیی‌بینی و استقراء ناقص د) عدم توجه به مسایل روز و جزیی گویی

۹ـ نهضت علمای . . . . شیعه علیه اخباریون باعث کم شدن فاصله فریقین شد.

الف) فلسفی ب) اصولی ج) کلامی د) تقریبی

ص:۱۵۹



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

یادداشت

...

...

...

ص: ۱۶۰

↕

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

درس نهم وحدت اسلامی گامی فراتر از تقریب از دیدگاه امام خمینی (ره)

اشاره

ص:۱۶۱



وحدت اسلامی گامی فراتر از تقریب

از دیدگاه امام خمینی (ره)

ص:۱۶۲



هدف از این درس:

ـ آشنایی با دیدگاه امام راحل در خصوص وحدت اسلامی و عوامل اجرای آن در میان مسلمانان

ص:۱۶۳



درس نهم

وحدت اسلامی گامی فراتر از تقریب

از دیدگاه امام خمینی (ره)

این مقاله در دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی تیرماه ۱۳۷۸ ارائه شده است.

وحدت اسلامی

گامی فراتر از تقریب

از دیدگاه امام خمینی (ره)

دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی

دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد وحدت اسلامی:

«إنّما المؤمنونَ إِخوةٌ فَأَصْلِحوا بَیْنَ أَخَوَیْکُمْ» §حجرات، ۱۰.§

مؤمنان برادر یکدیگرند پس میان برادران صلح برقرار سازید.

مقدمه:

امام خمینی (ره) یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین منادیان وحدت و اتحاد بودند که از آغاز دعوت خود در سال ۱۳۶۳ ه . ق تا آخرین روزهای عمر پربرکتشان مسئله وحدت، محور و اساس پیامشان بود، که نه تنها از نظر سیاست الهی که بر پایه توحید و همبستگی است بلکه از نظر عرفانی و اخلاقی، فقهی و عملی، صمیمانه به آن ایمان داشتند.

آنچه اغلب مصلحین جهان اسلام به مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی، و شیخ حسن‌البناء و رجال تقریب و مجمع تقریب و مجمع جهانی تقریب به آن می‌اندیشند،

ص:۱۶۴



تقریب یعنی نزدیک شدن مذاهب اسلامی پیرامون مشترکات با حفظ مفترقات و کیان طرفین است، اما امام خمینی (ره) در سطح بالاتری می‌اندیشیدند و همواره مسلمانان جهان را به وحدت و اسلام ناب محمدی فرا می‌خواندند و هرگز کلمه تقریب را به کار نبردند.

این مقاله بر آنست که به مناسبت کنگره وحدت اسلامی در سال امام خمینی (ره) با کلام امام خمینی (ره) به تفسیر دیدگاه ویژه امام خمینی (ره) بپردازد. تا روشن شود که چگونه مسلمانان می‌توانند فراتر از تقریب به سوی وحدت اسلامی گام بردارند.

۱ــ توحید کلمه: مقصد انبیاء علیه‌السلام

از نظر امام خمینی (ره) یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیاء عظام، سلام‌اللّه‌علیهم، توحید کلمه و توحید عقیده است که وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله و جلوگیری از تعدیات ظالمانه و مصلح فردی و اجتماعی است.

و این مقصد بزرگ انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس، و اتحاد امم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری در سایه این وحدت. افراد جامعه طوری شدند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند و جمعیت به منزله یک شخص باشد و افراد به منزله اعضا و اجزای آن باشد، و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند و اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع با یک طایفه پیدا شد بر تمام طوایف و مللی که بر این طریقه نباشند، غلبه کند. چنانکه در اوایل طلوع اسلام، چون شمه‌ای از این اتحاد و وحدت در بین مسلمین بوده، در مدت کمی چه فتوحات بزرگی کردند، در اندک زمانی به سلطنت‌های بزرگ آن زمان که عمده آن ایران و روم بود، غلبه کردند و با عده کم بر لشکرهای بی‌کران و جمعیت‌های بی‌پایان غالب شدند و پیغمبر اسلام عقد اخوت بین مسلمین اجرا فرمود و به نص انما المؤمنون اخوه §حجرات، ۱۰.§اخوت بین تمام مؤمنین برقرار شد. §چهل حدیث، ص ۳۰۹-۳۱۱.§

۲ــ وحدت: رمز قدرت

۱-

۲-

ص:۱۶۵



امام (ره) افراد جامعه‌ای که می‌خواهند به مقصدی واحد نائل گردند را به قطره‌های باران تشبیه می‌کنند که اگر قطره‌ای از دیگر قطره‌ها جدا باشد، یک برگ را هم تر نمی‌کند و اگر میلیاردها قطره وجود داشته باشند اما پراکنده، باز کاری از آنها برنمی‌آید، حال اگر باهم اتصال پیدا کردند، نهری تشکیل می‌دهند و می‌توانند زمینی را آبیاری کنند، و اگر این نهر با سایر نهرها متصل شد، رودخانه‌ای تشکیل می‌دهد و قدرتش زیاد می‌شود.

و گاهی آن چنان قدرت پیدا می‌کند که می‌تواند با خروش خود درختان و بناها را خراب کنند، و اگر همه رودخانه‌ها در یک‌جا جمع شوند، دریاچه‌ای تشکیل می‌دهند و قدرتش آنقدر افزون می‌گردد که یک موجش کشتی‌ها را می‌شکند.

جامعه ما هم همینطور است، اگر صد میلیون یکی یکی باشند، کاری از آنها بر نمی‌آید هر کدام به اندازه خودشانند و قدرتشان مانند قطره‌ها بسیار محدود، اگر جمعی با او هم عقیده شدند و با هم در مقصدی شرکت کردند، قدرتی است که از آن کارهای محدودی می‌آید، اما اگر جمعیت دیگری باشند که در این راه مخالف و مزاحم باشند، به واسطه این مزاحمت کارها خنثی می‌شود نه او به مقصد می‌رسد نه دسته مخالف و مزاحم.

اینکه می‌بینید یک میلیارد مسلمان زیر سلطه ابرقدرتی دویست میلیونی هستند به این علت است که آن دویست میلیون باهم در مقصدی اجتماع دارند اما این یک میلیارد جمعیت مسلمان باهم اجتماع ندارند و مخالف هم هستند. §امام خمینی ۹/۸/۵۷، صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۴۶.§

۳ـ وحدت: رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی (ره) پیروزی انقلاب اسلامی را که رمز آن وحدت بود به عنوان نمونه ذکر کرده می‌فرمایند: همه مردم جهان قدرت ملت ایران را در اثر وحدت کلمه دیدند که با ایمان چه کرد و چگونه با دست خالی جلو افتاد و سلطنت ۲۵۰۰ ساله را از بیخ کند و با این‌که همه قدرت‌ها مثل آمریکا پشتیبانش بودند، نتوانستند کاری بکنند، اگر این وحدت کلمه را حفظ نکنیم دوباره ما را به حال اول یا بدتر برمی‌گردانند. §امام خمینی، صحیفه نور، ج ۵، ص ۵۳-۵۴.§

بایـد همه دست به هم بدهنـد هر کسی به هر مقدار که قدرت دارد، خیال نکند یک نفر است وقتی پهلویش نفرها واقع شد همچون قطره‌های متصل سیل می‌شود و چون سیل‌ها

ص:۱۶۶



باهم متحد شدند دریا درست می‌شود.

جماعت وقتی که باهم شدند پشتیبانشان خدای تبارک و تعالی است: یداللّه مع الجماعه. §همان، ج ۶، ص ۷۹.§

۴ـ تاکید قرآن بر وحدت

در قرآن کریم روی قضیه وحدت با تعبیرهای مختلف پافشاری و به مردم گوشزد شده است. §صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴.§ خداوند در قرآن (و اعتصموا بحبل اللّه جمیعا ولاتفرقوا) §آل عمران: ۱۰۳.§را بر مردم واجب کرده همه باهم باشید و تفرق در کار نباشد. با تفرق همه فسادها هست و با تمسک به خداوند همه صلاح و سعادت ها. §صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۱۸.§

۵ـ تلاش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای وحدت

در روایت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که مؤمنین یک دست هستند «المومنون ید واحده علی من سواهم». §بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۴.§و حتی تعبیر دو دست نفرمودند، و باید شما اجتماع و وحدتتان را به جایی برسانید که بین خودتان جدایی نبینید و این دستور اسلامی است که با یکدیگر برادر باشید که هیچ قدرتی نتواند بر شما چیره شود. §امام خمینی، ۱۶/۱۰/۶۱.§

پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند. می‌خواست تمام ممالک دنیا تمام ربع

مسکون را تحت کلمه توحید قرار بدهد. منتهی اغراض سیاسی آن وقت از یک طرف، اغراض علمای نصاری و یهود و غیره از طرف دیگر مانع شد از این که ایشان بتوانند آن کار را انجام بدهند. الان هم مانع هستند.

۶ـ اتحاد و برادری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام

امام خمینی، اتحاد و برادری میان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام را به عنوان الگو و

ص:۱۶۷



نمونه معرفی کرده می‌فرمایند:

«همانطور که این دو بزرگوار (پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت علی علیه‌السلام) در عالم غیب با هم متحد بودند در این دنیا هم که آمدند اخوت و برادری داشتند و یکی بودند و این باید برای ما عبرت باشد ما هم برادری خودمان را حفظ کنیم، از آن اخوتی که بین آن دو بزرگوار بود تبعیت کنیم، آنها در تمام ایام عمرشان باهم بودند و پشتیبان هم. §امام خمینی، ۱/۱/۶۶.§

۷ـ تلاش امام علی بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای حفظ وحدت

آن‌گاه امام خمینی به تلاش حضرت امیر علیه‌السلام برای حفظ وحدت بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اشاره کرده می‌فرمایند:

«حضرت امیر علیه‌السلام در بسیاری از اموری که برایش خیلی سخت بود، دندان روی جگر می‌گذاشت و موافقت می‌کرد، برای مصالح کلی، برای مصالح اسلام، ما اگر از او تبعیت داریم باید اینطور باشیم». §امام خمینی، ۲۳/۱۲/۶۵، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۷۴-۷۵.§

۸ـ عوامل وحدت

اشاره

عوامل وحدت از نظر امام خمینی (ره) عبارتند از:

الف ـ اتکال به خدا

ملت ما به واسطه وحدت کلمه و توجه به اسلام و دیانت این راه را تا اینجا آمد در صورتی که قدرت دست آنها بود و ملت ما جز مشت و خون چیزی نداشت لکن اتکال به خدا کرد و وحدت کلمه در بین همه اقشار حاصل شد به طوری که دیگر ابرقدرتها هم نتوانستند او (شاه) را نگه دارند. §امام خمینی، ۱۹/۱/۵۸.§

ب ـ اسلام

این اسلام بود که همه را با هم مجتمع کرد و این اسلام بود که شما را پیروز کرد و این اسلام است که سعادت همه انسان‌ها را

تامین می‌کند. §امام خمینی، ۱۲/۳/۵۸.§

ص:۱۶۸



ج ــ ایمان

رمز پیروزی، وحدت کلمه بود و ایمان وحدت کلمه را آورد که سرتاسر این مملکت همه باهم اجتماع کردند، و شهادت را برای خودشان فوز دانستند. §امام خمینی، ۲۵/۳/۵۸.§

د ــ رحمانی بودن

ما باید الهی بشویم، در راه خدا خدمت بکنیم، خودمان را فرمانبر خدا بدانیم، خودمان را از او و به سوی او بدانیم. آن وقت وحدت و انسجام حاصل می‌شود برای اینکه تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است وقتی که شما رحمانی شدید دنبال او و دیگر تفرقه و اختلاف حاصل نمی‌شود. §امام خمینی، ۱۹/۱۱/۶۱.§

ه ــ توجه به معنویت

توجه به معنویت و تکلیف الهی و یاد خداوند باعث می‌شود که این وحدت محفوظ و این برادری برقرار ماند. خوف آن است که اسلحه در دست شما جوانان عزیز موجب غرور و سرکشی شود و آن تحول روحانی عظیم از دستتان برود و شیطان نفس اماره شما را به دام کشد و با سوء رفتار با برادران خود صدق و صفا رخت بربندد. §امام خمینی، ۱۲/۱/۶۲.§

و ــ ضیافت اللّه

اگر در این ضیافت وارد شده باشید، دشمن‌ها دستشان کوتاه خواهد شد و تمام اختلافات در دنیا حل می‌شود. §امام خمینی، ۲۷/۲/۶۲.§

ز ــ اراده الهی

این وحدت کلمه را خدا ایجاد کرد، من نمی‌توانم تصور کنم که بشر بتواند یک ملت

ص:۱۶۹



سی و چند میلیونی را در مدت کوتاهی این طور، همزبان و هم قلب بکند. §امام خمینی، ۲۷/۱۱/۵۷.§... من این‌طور فهمیدم که خدای تبارک و تعالی در این مسئله نظر دارد. §امام خمینی، ۲۵/۷/۵۹، صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۷۲.§

ح ــ لطف و تأیید الهی

امروز روز اتحاد و یگانگی است و این هم از الطاف بزرگ و تاییدات الهی است که درست برخلاف تصور و خواست

فتنه‌انگیزان و جنگ‌افروزان، همه توطئه‌ها و جنگ‌ها به اتحاد و یکپارچگی ملت بیدار و زنده مادر برابر ابرقدرتها می‌انجامد. §امام خمینی، ۲۵/۷/۵۹.§

ط ـ نماز جمعه

امام خمینی (ره) یکی از حکمت‌های اقامه نماز جمعه را حفظ وحدت و جلوگیری از عوامل تفرقه می‌دانستند و در احکامی که برای نصب ائمه جمعه صادر می‌کردند این امر مهم را خاطر نشان می‌ساختند:
«مردم را در خطبه‌های نماز جمعه به اتحاد و وحدت کلمه دعوت نمایید، امید است اهالی محترم از این فرصت استفاده نموده و به اجتماع بیشتر و هرچه با شکوه‌تر آنرا انجام دهند.» §امام خمینی، ۲۲/۸/۵۸.§

ی ـ فریضه حج

لازم است زائرین محترم بیت‌اللّه الحرام از هر ملت و مذهبی که هستند به فرامین قرآن کریم گردن نهند و در مقابل سیل شیطانی بنیان کن اسلام‌زدایی شرق و غرب و وابستگان بی‌اراده آنان، دست اخوت اسلامی به هم دهند و به آیات شریف الهی که آنان را به اعتصام به حبل‌اللّه فراخوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است، توجه کنند. §امام خمینی، ۲۹/۶/۶۱.§

ص:۱۷۰



ک ـ امامت و تشکیل حکومت

متأسفانه بعضی از دوستان نادان مسئله امامت و ولایت را وسیله ای برای اختلاف و تفرقه قرار داده در صورتیکه فلسفه امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمانان به وحدت است.
امام خمینی در این باره می‌فرمایند:
«تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است، چنان که حضرت زهرا علیهاالسلام در خطبه خود می‌فرماید که: «امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است». §امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۶-۵۰ و رساله نوین، ج ۴، ص ۱۴۵.§

ل ـ اجتماعات مذهبی عاشورا

مجالسی که به اسم روضه‌خوانی برپا می‌کنیم، همه‌اش اخلاق و احکام و عقائد است. آخر منبر هم مظلومیت آن شهیدی که در راه دین‌داری فداکاری کرد.
این شعار مذهبی بهترین شالوده برای حفظ وحدت ملی است که با آن هیچ حکومتی تزلزل پیدا نمی‌کند. یکی از بزرگ‌ترین رمز حیات دنیای شیعه قضیه سیدالشهداء علیه‌السلام است.
شما در کجا سراغ دارید که یک ملتی این‌طور هماهنگ بشود، این دسته‌جات با آن محتوا را در کجا سراغ دارید، بروید

هندوستان همین بساط، بروید پاکستان همین بساط، بروید اندونزی همین بساط، بروید عراق همین بساط، بروید افغانستان، هرجا بروید همین بساط، این هماهنگی را از دست ندهید. §امام خمینی، ۲۹/۸/۵۸.§

۹ـ عوامل تفرقه

اشاره

از نظر امام خمینی (ره) عوامل تفرقه مسلمین از این قرار است:

الف ـ سب و لعن و مطاعن

متاسفانه بعضی از افراد متعصب و نادان با سب و لعن و نبش قبور کتب مطاعن، دیگران را علیه شیعه تحریک می‌کنند و در اثر آن جمع متحد مسلمانان را از هم جدا



می‌سازند و احزاب و فرقه‌ها پدید می‌آورند و هر حزب و باندی نسبت به آنچه می‌کنند شادمانند و به تعبیر قرآن: (کُلُّ حزبٍ بِما لَدیهم فَرِحون) . امام خمینی (ره) این کار را خیانت به اسلام دانسته می‌فرمایند:

«یکی جزوه می‌دهد، و کسی را لعن می‌کند و یکی جزوه می‌دهد و آنرا تعریف می‌کند، هر دو امروز غلط است، دست از نادانی بردارید، خیانت به اسلام نکنید، آنهایی که با اسلام دشمن هستند، شما را تحریک نکنند. این تفرقه امروز خیانت به اسلام است با هر اسمی که باشد». §امام خمینی، ۱۵/۴/۵۸.§

ب ـ برافروختن اختلافات تاریخی

در صدر اسلام که مقام خلافتی بود و خلفا زنده بودند، حضرت امیر علیه‌السلام و یارانشان، اختلافات را در دائره معقولی محدود و به تعبیر امام خمینی (ره) تبدیل به آرامش و همکاری کردند متأسفانه اکنون که نه خلیفه‌ای است و نه مقام خلافتی دشمنان استعمارگر می‌کوشند با برافروختن اختلافات تاریخی مربوط به هزار و چهارصد سال پیش، مسلمانان را دچار تفرقه کنند.

امام خمینی (ره) درباره این عامل تفرقه صریحا می‌فرمایند:

«امروز سر ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام اختلاف کردن، خیانت به اسلام است امروز این حرف‌ها را طرح نکنید، مبادا با اعمال شما اسلام فراموش شود. مبادا با اعمال شما اسلام دفن شود، اگر دلسوز اسلام و ملت و کشورتان هستید دست از تفرق بردارید و این طرح شیطانی را خنثی کنید. سر یک نفر آدم که آیا کافر است یا مسلم بر سر هم نزنید. به این مسائل توجه کنید، می‌خواهند شما را به جان هم بریزند و آنها نتیجه بگیرند». §امام خمینی، ۱۵/۴/۵۸.§

ج ـ تعصبات جاهلانه

یکی از عوامل مهم تفرقه، تعصبات جاهلانه است که اسلام با آن به مبارزه برخاسته و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره

آن فرموده‌انـد: کسـی که در دلش خردلی از عصبیت باشـد، خداوند او را روز قیامت با عرب‌های جاهلیت برانگیزاند. §کافی، ج ۲، کتاب‌الایمان، باب‌العصبیه، ح ۳.§

ص:۱۷۲



امـام خمینی (ره) می‌فرمایـد: عصـبیت، یکی از اخلاـق بـاطنه نفسـانیه اسـت کـه آثـار آن مـداخله کردن و حمـایت نمـودن از خویشاوندان و مطلق متعلقان است، چه تعلق دینی و مذهبی و مسـلکی باشد، یا تعلق وطنی و آب و خاکی و غیر آن، که منشاء بسـیاری از مفاسـد اخلاقی است و خود آن فی نفسه مـذموم است گرچه برای حق یا امر دینی باشـد و منظور اظهار حق نباشد، بلکه منظور غلبه خود با هم مسلک خود یا بستگان خود باشد. §امام خمینی، چهل حدیث، ص ۱۲۵-۱۲۶.§

د ـ ملی‌گرایی

یکی دیگر از عوامل تفرقه، ملی‌گرایی است، پیغمبر اکرم صـلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مردم عرب، فارس، روم و . . . را از ملی‌گرایی به اسلام‌گرایی، و از اسلام به ایمان و از ایمان به تقوی و مهاجر فی سبیل‌اللّه ارتقاء دادند و درنتیجه همه مسلمانان ملل مختلف را متحد ساختند. اسـتعمار غرب می‌کوشد تا مسلمانان تَعَرُّب بعد از هجرت نموده و به حالت ابتدایی ارتجاع کنند. امام خمینی (ره) در این باره چنین می‌فرمایند:

«آن چیز مهمی که دول اسـلامی را بیچـاره کرده و از ظِـلِّ قرآن کریم دور می‌کنـد، نژاد بـازی است، این نژاد ترک است باید نمازش را هم ترکی بخوانـد. این نژاد ایرانی است بایـد الفبایش چه جور باشد. آن نژاد عرب است، عروبیت باید حکومت کند نه اسـلام، نژاد آریایی حکومت کند نه اسـلام، نژاد ترک باید حکومت کند نه اسلام، نژادپرستی یک مسئله بچه‌گانه است که سران دول را دارند بازی می‌دهند. غافل از اینکه نکته اتکایی که همه مسـلمین داشـتند از مسـلمین گرفتند، همین نژاد بازی که اسـلام قلم سـرخ روی آن کشید و یا بین سیاه و سفید و مابین ترک و مغرب و عجم هیچ فرقی نگذاشت و فقط میزان را تقوای واقعی قرار داد: (اِنَّ اکرمکم عند اللّه اتقاکم) .

اسـلام فقـط اتکـاست، ترک و فارس و عرب و عجم نـدارد، قضـیه نژاد بازی ارتجاعی است چرا مسـلمین باهم جنگ می‌کنند برای اینکه در تحت لوای اسلام نیستند!

ه ـ فرقه‌گرایی

امام خمینی (ره) معتقد بودند که اگر مسلمانان جهان از حصارهای فرقه‌ای که بعد از

ص:۱۷۳



پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دور خود کشیده‌اند آزاد و به سوی اسلام ناب محمدی بازگردند، از کثرت فرق و مذاهب فقهی و کلامی به وحـدت می‌رسـند و درمی‌یابند که خداوند یک دین بیشتر ندارد و آن دین حنیف اسـلام است. و ما نباید با دیدگاه‌های مختلف فقهی و کلامی مجتهدین را وسیله‌ای برای تقسیم اسلام به فرق گوناگون قرار دهیم، و آنگاه به نفی اسلام یکـدیگر بپردازیم. همچنـانکه بنی‌اسـرائیل دین حنیف ابراهیم را به صورت دو دین یهود و نصـاری تقسـیم کردنـد و هرکـدام

دیگری را بی‌اساس خواندند در حالی که هر دو دسته کتاب آسمانی را می‌خواندند.
و قالت الیهود لیست النصاری علی شیء و قالت النصاری لیست الیهود علی شیء و هم یتلون الکتاب.
خداوند می‌فرماید: کسانی که نمی‌دانند سخنی مانند سخن اینان می گویند: «قال الذین لایعلمون مثل قولهم». §بقره: ۱۱۳.§
همینطور امام خمینی (ره) با تقسیم کردن مسلمانان به فرقه‌های گوناگون بطوری که در برابر یکدیگر باشند مخالف بودند و همواره از مسلمان جهان می‌خواستند با کنار گذاشتن این حصارهای تعصب فرقه‌ای همگی به اسلام ناب محمدی بازگردند و در دیدار با علمای اسلامی فرمودند:
«یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند، اصلاً طرح این معنی (و این دسته‌بندی‌ها) از اول درست نبوده. در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم، منتهی علمای شما یک دسته فتوی به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید (به عنوان مثال) حنفی، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته فتوای حضرت صادق علیه‌السلام را عمل کردند، اینها شدند شیعه. اینها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با هم اختلاف و تضاد داشته باشیم، ما همه باهم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند». §امام خمینی، ۸ / رمضان / ۱۴۰۰، صحیفه امام، جلد ۹، ص ۳۵۹.§
ص:۱۷۴



نتیجه‌گیری

بنای رفیع و باشکوه فرهنگ و تمدن اسلام بر پایه توحید بنا شده که در ساختن آن ماهرترین و پاک‌ترین مهندسین از سرزمین‌های مختلف سهیم بودند. این بنای عظیم ساخته فکر و اندیشه کسی نبود بلکه ایمان و اشتیاق مسلمانان به اسلام و رضای پروردگار آن را به وجود آورده بود و برای پژوهش درباره آن علما و اندیشمندان ملل اسلامی دست به دست هم دادند و خود را از هرگونه تعصب قومی و فرهنگی بجز قومیت اسلام و فرهنگ قرآن، عاری ساختند، عرب، عربی بودن و فارسی، فارسی بودن و رومی، رومی بودن خود را فراموش کرد و خود را در خدمت اسلام و زبان قرآن قرارداد و دسته‌جمعی بنای فرهنگ و تمدن اسلامی را بنا نهادند.
قسمت اعظم آن را مستقیما از اسلام گرفتند، و بخش‌هایی از علوم سایر ملل جهان را با تغییر و تصرفاتی در خدمت اسلام درآوردند تا آنجا که فلسفه یونان را که از آن عقائد دوگانه و تثلیث اثبات می‌شد، به رنگ اسلام درآوردند و برای اثبات توحید و معاد از آن استفاده کردند.
این فرهنگ و تمدن در سطح جهانی بدرخشید زیرا که به همه مسلمانان تعلق داشت و همه خود را در آن شریک می‌دانستند هر عالم و دانشمندی حق عضویت و شرکت در هر بحثی و مراجعه به هر کتاب و اخذ هر رأی و نظریه‌ای داشت و هیچ کس به دیگری که با او هم‌عقیده و هم‌فکر نبود جز با نظر تقدیر و برادری نمی‌نگریست.
خلیفه در بغداد کرسی تدریس کلام را به شیخ طوسی سپرده و بسیاری از علمای اهل سنت در درس این عالم امامی شرکت می‌کردند و فقهای بزرگ شیعه چون شهید اول و شهید ثانی در حوزه‌های اهل سنت شرکت می‌جستند.
متأسفانه نسل‌هایی وارث این خانه فرهنگ و تمدن اسلامی شدند که در آن به نزاع برخاستند و پرده‌هایی میان خود برافراشتند

و هر دسته‌ای در قسمت خود مستقل و مجزا شدند و از ورود دیگران جلوگیری کردند و بدین گونه فرهنگ و تمدن اسلامی از جنبه عمومی و اجتماعی به مذاهب بسته تبدیل گشت و از ملیت عمومی به ملوك‌الطوایفی محدود، تنزل نمود و هر عالم و دانشمندی در محیط کوچک خود خانه‌نشین شد و از آنچه در سایر مذاهب بود چشم فروبست و در یافته‌های خود تعصب ورزید و با هر آنچه نمی‌دانست به دشمنی برخاست.

و دست‌های سیاست، پرده‌های میان فرقه‌ها را به دیوارها و حصارهای ملیت مبدل

ص:۱۷۵



ساخت تا جائی که حتی در کنار خانه خدا برای هر مکتب فقهی مقامی ساخته شد و هر فرقه‌ای برای خود نماز جماعت جداگانه تشکیل می‌داد.

هدف امام خمینی (ره) این بود که با برداشتن دیوارها و حصارهای ملیت و نژاد و کنار زدن پرده‌هایی که فرق گوناگون میان خود برافراشته‌اند، اسلام ناب را آشکار سازند و مسلمانان جهان را به وحدت واقعی خود برساند، بی‌آنکه مکتب‌های فقهی و کلامی و تفسیری را لغو و یا درهم ادغام کنیم.

ص:۱۷۶



خلاصه درس نهم

از دیدگاه امام راحل وحدت اسلامی در جامعه امروز امری ضروری می‌باشد که طی آن توحید کلمه مقصد همه انبیای عظام است، وحدت رمز قدرت و پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد.

در این میان تأکیدات قرآنی و حرکت رسول اکرم در جهت وحدت تمامی جهان و معرفی رسول اکرم و علی علیه‌السلام بعنوان اسوه وحدت حائز اهمیت است.

عواملی که باعث رسیدن به این هدف مهم هستند عبارتند از:

اتکال به خدا، اسلام، ایمان، رحمانی بودن، توجه به معنویت، اراده الهی، ضیافت‌اللّه، لطف و تأیید الهی، نماز جمعه، فریضه حج، امامت و حکومت، اجتماعات مذهبی عاشورا و . . .

در مقابل عوامل زیر نیز تهدیدی جدی علیه وحدت امت اسلامی می‌باشد: سب و لعن و مطاعن، برافروختن اختلافات تاریخی، تعصبات جاهلانه، ملی گرایی و فرقه گرایی.

ص:۱۷۷



نمونه سؤالات

۱ـ به چه دلایلی امام خمینی (ره) وحدت را رمز قدرت می‌دانند؟

۲ـ عوامل وحدت را نام ببرید.

۳ـ اجتماعات مذهبی عاشورا چگونه می‌تواند ضامن وحدت باشد؟

۴ـ نظر امام راحل در مورد ملی‌گرایی چیست؟

۵ـ آیا امام راحل فرقه‌گرایی را مشروع می‌دانند؟ چرا؟

ص:۱۷۸



نمونه سؤالات تستی درس نهم

۱ـ طبق کدام آیه قرآن بر وحدت تأکید شده:

الف) إنّ اکرمکم عنداللّه اتقاکم

ب) واعتصموا بحبل‌اللّه جمیعا و لا تفرقوا

ج) قُلْ إنْ کنتم تحبّون اللّه فاتّبعونی

د) إنّ اللّه اصطفی آدم و نوحا

۲ـ به چه علت تلاش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای اتحاد جهان آن عصر ناکام ماند؟

الف) اغراض سیاسی آن وقت

ب) اغراض علمای نصاری و یهود

ج) عدم عمل به وصیت پیامبر در غدیر خم

د) موارد الف و ب

۳ـ امام خمینی اتحاد و برادری میان . . . . و . . . . را بعنوان الگو و نمونه معرفی کرده.

الف) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام

ب) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سلمان

ج) امام حسن و حسین علیهما‌السلام

د) شیخ شلتوت و سید جمال‌الدین اسدآبادی

۴ـ کدام یک جزو عوامل وحدت از دید امام راحل نیست؟

الف) اتکال به خدا ب) رحمانی بودن

ج) ضیافت‌اللّه د) نصرت الهی

۵ـ کدام یک از عوامل زیر از دیدگاه امام راحل جزو عوامل تفرقه نیست؟

الف) سب و لعن و مطاعن ب) برافروختن اختلافات تاریخی

ج) ملی‌گرایی د) جنگهای بین‌المللی

۶ـ این سخن امام راحل مصداق کدام یک از موارد زیر است: (. . . و یکی جزوه می‌دهد

ص:۱۷۹



و آنرا تعریف می‌کند، هر دو امروز غلط است) .

الف) برافروختن اختلافات تاریخی ب) سب و لعن و مطاعن

ج) تعصبات جاهلانه د) فرقه‌گرایی

۷ـ از نظر امام راحل امروز بر سر ولایت امام علی علیه‌السلام اختلاف کردن چه حکمی دارد؟

الف) جهت حل مشکلات بلامانع است

ب) اختلاف امت رحمت است

ج) خیانت به اسلام است

د) تا حل شدن موضوع باید موضع خود را حفظ کرد

۸ـ طبق نظر امام راحل آثار عصبیت چیست؟

الف) مداخله کردن ب) حمایت نمودن از خویشاوندان

ج) غلبه خود با هم‌مسلک خود د) تمام موارد

ص:۱۸۰



یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

یادداشت

...

...

...

ص:۱۸۱

↨

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

یادداشت

...

...

...

...

...

...

...

ص:۱۸۲

↨

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

منابع و مآخذ

۱ـ قرآن کریم.

۲ـ الامام زید حیاته و عصره، محمد ابوزهره، دارالفکر العربی، قاهره.

۳ـ الاتقان فی علوم‌القرآن، جلال‌الدین عبدالرحمن السیوطی.

۴ـ الاحتجاج علی اهل اللجاج، طبرسی احمدبن علی، قم، مکتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ ش.

۵ـ الاحوال الشخصیة، محمد ابوزهره.

۶ـ قواعد العقائد من احیاء علوم‌الدین، غزالی احمدبن محمد، دار اقراء بیروت،

↨

۱۹۸۵ م.
۷ـ اخبار الطوال، دینوری ابی حنیفه احمدبن داود ـ تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره، وزارة الثقافة والارشاد القومی، ۱۹۶۰ م.
۸ـ الارشاد، شیخ مفید.
۹ـ الاستیعاب، ابن عبدالبر.
۱۰ـ اسلام آئین همبستگی، محیط طباطبایی، نشر زکات علم، تهران ۱۳۷۷.
۱۱ـ اسماعیلیون و مغول و خواجه نصیرالدین طوسی، حسن امین، ترجمه مهدی زندیه، مؤسسه دائرةالمعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
۱۲ـ اطوارالثقافة والفکر فی ضلال العروبة و الاسلام، جندی علی، مکتبة الانجلو المصریة، قاهره ۱۹۶۰.
۱۳ـ امالی صدوق، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، انتشارات کتابچی، پائیز ۱۳۷۶.
۱۴ـ اندیشه‌های صادق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام .
۱۵ـ ایران و جهان اسلام، عبدالهادی حائری، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۸.
۱۶ـ بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی، ۱۱۰ جلدی، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ ه . ق.
۱۷ـ بحثهایی از فقه تطبیقی، مهدی پیشوایی، حسین گودرزی، نشر مشعر، پائیز ۱۳۸۱.
۱۸ـ تاریخ الفقه الأسلامی، محمدعلی السایس، مکتبة احیاء التراث الاسلامی، مکه، بی‌تا.
۱۹ـ تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران، پروین ترکمنی آذر، مؤسسه شیعه‌شناسی، تابستان ۱۳۸۳.
۲۰ـ تاریخ عمومی حدیث، مجید معارف، نشر کویر، ۱۳۷۷.
۲۱ـ تحریرالوسیله امام خمینی (ره) ، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۹۰ ه . ق.
۲۲ـ تحلیلی بر مواضع سیاسی امام علی علیه‌السلام از رحلت پیامبر تا قتل عثمان، اصغر قائدان.
۲۳ـ تفسیر القرآن الحکیم، رشید رضا، محمد (تفسیر المنار) ، دارالمعرفة بیروت، بی‌تا.
۲۴ـ التفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۶۸ م.
۲۵ـ التفسیر الکبیر، فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۲۶ـ الجامع لاحکام القرآن، ابی عبداللّه القرطبی المالکی، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

↨

۲۷ـ جستاری در اندیشه فقهی مذاهب، محمدرضا ضمیری، انتشارات گلستان معرفت، تابستان ۱۳۸۴.
۲۸ـ چهل حدیث، امام خمینی (ره) ، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام راحل، ۱۳۷۸ ش.
۲۹ـ حاشیه ابن عابدین، چاپ معهد فتح دمشق، با تصحیح دکتر فرنور.
۳۰ـ حجةاللّه البالغة، احمد عبدالرحیم دهلوی، دارالتراث، القاهرة، ۱۳۵۵ ه . ق.
۳۱ـ الحجة علی اهل المدینة، محمدبن الحسن الشیبانی، تصحیح سید مهدی حسن گیلانی، بیروت، عالم الکتب، ۱۳۸۵ ه . ق.
۳۲ـ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.

۳۳ـ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، (الکبری) ، زیر نظر سید محمدکاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرةالمعارف، ۱۴۶۶ ه . ق.
۳۴ـ دائرةالمعارف قرن بیستم. (دائرةالمعارف القرن العشرین) فرید وجدی.
۳۵ـ دیوان خواجوی کرمانی، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، پاژنگ، ۱۳۶۹.
۳۶ـ دیوان اشعار سنایی، حکیم ابوالمجد مجدودبن آدم سنایی غزنوی، بسعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران، نشر سنایی، ۱۳۶۲ ش.
۳۷ـ سنن ابی‌داوود، ابی‌داوود سلیمان ابن الاشعث السجستانی الازدی، داراحیاء التراث العربی، ۴ جلدی.
۳۸ـ سنن الترمذی، محمدبن عیسی ترمذی، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۴، ۵ جلدی.
۳۹ـ شرح المواهب المالکی علی المواهب اللدینیة للعلامه القسطانی، زرقانی محمدبن عبدالباقی.
۴۰ـ شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ۲ جلد در ۱ جلد، کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ه . ق.
۴۱ـ شرعیات دین یهود، هاراویدید آذرچیان، بی‌تا.
۴۲ـ شیعیان بغداد، محمدطاهر یعقوبی، ان : شیعه‌شناسی، اول ۱۳۸۵.
۴۳ـ شیعه پاسخ می‌دهد، سید رضا حسینی‌نسب، نشر مشعر، چاپ ۱۶، پائیز ۱۳۸۵.
۴۴ـ صحیح بخاری، محمدبن اسماعیل بخاری، ۸ مجلد، بیروت، مکتبة الثقافیة.
۴۵ـ صحیح مسلم، مسلم‌بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲،

۲ جلدی.
۴۶ـ صحیفه امام خمینی (ره) ، صحیفه نور، مجموعه ۲۲ جلدی.
۴۷ـ طبقات النحویین واللغویین، ابی‌بکر محمدبن الحسن الزبیدی الاندلسی، قاهره دارالمعارف، ۱۹۸۴ م.
۴۸ـ زندگی پس از مرگ، لئون دنی، ترجمه و تلخیص عبدالمجید حکیم، تهران، بهزاد، ۱۳۸۵.
۴۹ـ العبر فی خبر من غبر، الذهبی، حقیقه و ضبطه ابوهاجر محمد السعیدبن سیونی زغلول، بیروت.
۵۰ـ عقاید اهل سنت در رد وهابیت و بدعت، شیخ خلیل احمد سهار نبوری، ترجمه عبدالرحمان سربازی.
۵۱ـ علل الشرایع، صدوق محمدبن علی بن بابویه، مشهد، الاستانة الرضویة المقدسة، ۱۴۰۸ ه . ق.
۵۲ـ علم‌الحدیث و درایةالحدیث، کاظم مدیر شانه‌چی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
۵۳ـ الغدیر، عبدالحسین امینی.
۵۴ـ فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البطول والسبطین و الائمة من ذریتهم، تحقیق محمدباقر بهبودی، مؤسسة المحمودی، بیروت، چاپ نخست، ۱۳۹۸ ه . ق.
۵۵ـ فرق و مذاهب کلامی، علی ربانی گلپایگانی، مرکز جهانی علوم اسلامی، دوم ۱۳۸۱.
۵۶ـ الفتوح، ابن اعثم محمدبن علی، دارالاضواء، بیروت، بی‌تا.
۵۷ـ فتوح‌البلدان، بلاذری ابوالحسن، بیروت مکتبة الهلال، ۱۹۸۸ م.
۵۸ـ فتوح‌الشام، واقدی ابی عبداللّه محمدبن عمرابن واقد، بیروت، دارالکتب العلمیة ۱۹۹۷ م.
۵۹ـ الفقه اسلامی و ادلته، وهبه الزحیلی (الشامل للادلته الشرعیه) دمشق دارالفکر، ۱۴۰۹ ه . ق.

۶۰ـ فقه السيرة النبويۀ، محمدسعيد رمضان بوطی، دارالفكر المعاصر، دمشق، چاپ دوم ۱۹۶۸، مع موجز لتاريخ الخلفاء الراشده.

۶۱ـ الفقه التقريبی و المقارن، الدكتور بی‌آزار شيرازی، المسائل العباديۀ و بناء الذات، ۱۴۲۹، ناشر المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميۀ بالتعاون مع جامعۀ

ص:۱۸۶



المذاهب الاسلاميۀ ۱۴۲۹.

۶۲ـ الفقه علی المذاهب الخمسه، محمدجواد مغنيه، ترجمه كاظم پورجوادی، جهاد دانشگاهی ۱۳۸۶.

ـ الفقه المقارن للاحوال الشخصيۀ بين المذاهب الاربعۀ السفيۀ والمذهب ابی‌جعفری و القانون، بدران ابوالعينين، بيروت، دارالنهضۀ العربيه.

۶۳ـ الفهرست، ابن نديم محمدبن اسحاق، مكتبۀ الاسدی، مصحح محمدرضا تجدد.

۶۴ـ الكافی الاصول والروضۀ، محمدبن يعقوب كلينی رازی، مكتبۀ الاسلاميه، تهران ۱۳۸۱.

۶۵ـ كشف الغمۀ فی معرفۀ الائمۀ، علی بن عيسی الاربلی، اسلاميۀ، تهران، مترجم: زاوری علی بن الحسن.

۶۶ـ كيهان انديشه، مؤسسه كيهان، دو ماه‌نامه.

۶۷ـ گذشته و آينده جهان، دكتر بی‌آزار شيرازی، نشر بعثت، ۱۳۴۹.

۶۸ـ مثنوی معنوی، جلال‌الدين محمدبن محمد مولوی، تهران، اميركبير.

۶۹ـ المجموع الحديثی والفقهی، مسند امام زيدبن علی، تحقيق: عبداللّه‌بن حمود العزی، عمان، ۲۰۰۲ م، مؤسسه الامام زيدبن علی الثقافيه.

۷۰ـ مجموعۀالرسائل، ابن تيميه، قاهره، ۱۹۰۵.

۷۱ـ مختصر منهاج‌السنۀ، ابن تيميه، ترجمه اسحاق دبير، انتشارات حقيقت، ۱۳۸۶ ش.

۷۲ـ مجمع‌البيان لعلوم القرآن، الامام ابوالفضل بن الحسن الطبرسی، ناشر رابطۀ الثقافيۀ والعلاقات الاسلاميۀ، ۱۴۱۷.

۷۳ـ المراجعات، رهبری امام علی عليه‌السلام در قرآن و سنت، سيد عبدالحسين شرف‌الدين موسوی، ترجمه محمدجعفر امامی.

۷۴ـ مستدرك سفينۀ البحار، علی نمازی الشاهرودی، قم، البعثۀ، ۱۳۶۳.

۷۵ـ مسند احمدبن حنبل، السند، احمدبن محمدبن حنبل، دار احياء التراث العربی، بی‌تا، ۷ جلدی.

۷۶ـ المعجم الصغير، طبرانی، سليمان ابن احمد، داراحياء التراث العربی، بيروت.

۷۷ـ المغنی و الشرح الكبير، ابن قدامه مقدسی، عبداله ابن احمد، دارالفكر بيروت، ۴-۱۹۸۳ م.

۷۸ـ فقيه من لايحضره الفقيه، ابوجعفر محمدبن علی‌بن حسين‌بن بابويه، شيخ صدوق.

۱۸۷)



۷۹ـ موسوعۀ الفقه ابراهيم حنفی، رواس قلعه جی، مطامع الهيئۀ، مصر ۱۳۳۹ ه . ق.

۸۰ـ موسوعۀ فقه الامام علی بن ابيطالب، محمد رواس قلعه‌جی، دمشق، دارالكفر، ۱۴۰۳ ه . ق.

۸۱ـ الموسوعۀ الفقهيۀ الكويتيۀ، وزارۀ الاوقاف الكويتيۀ، الطبعۀ الرابعۀ، ۱۴۱۴ ه . ق.

۸۲ـ منظومه عشق، مجموعه شعر شاعران بزرگ اهل تسنن در مدح اهل بيت، سيد احمد زرهانی.

۸۳ـ المیزان، ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ترجمه جمعی از علماء، بنیاد علمی و فکری علامه، ۱۳۶۶.
۸۴ـ میزان‌الحکمهٔ با ترجمه فارسی، محمد محمدی ری‌شهری، مترجم حمیدرضا شیخی، دارالحدیث ۱۳۷۷.
۸۵ـ الوجیز فی اصول الفقه، وهبه الزحیلی، نشر احسان، تهران، ۱۴۲۳ ه . ق.
۸۶ـ وسائل الشیعهٔ الی تحصیل مسائل الشریعه، شیخ حر عامی، ۲۹ جلدی، مؤسسه آل‌البیت قم، ۱۴۰۹ ه . ق.
۸۷ـ وفا الوفا باخبار دارالمصطفی، سمهودی، علی‌بن عبدالّله، دارالکتب العلمیهٔ، بیروت، ۱۹۸۴ م.
۸۸ـ ولایت فقیه، امام خمینی (ره) ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نهم، پائیز ۱۳۷۸.
۸۹ـ نیل‌الاوطار، شرح منتقی الاخبار من احادیث سیدالاخبار محمدبن علی شوکانی، دارالفکر، دمشق، ۱۴۰۳ ه . ق.
۹۰ـ نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات نسیم حیات، بهار ۷۲.
۹۱ـ نقش ائمه در احیای دین، علامه عسگری، مرتضی، تهران، منیر، ۱۳۸۲ ش.
ص:۱۸۸)



درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو

می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگـان نرم افزار های تلفن همراه و چنـدین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشـگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجـاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم ما که به دسـتش رسیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



